

فہرنامہ شمارہ ۶

۱۸

فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
<u>۱</u>	توضیحات
<u>۲</u>	اخبار کارگری
<u>۲۲</u>	اخبار جنبش
<u>۲۴</u>	اخبار ملی
<u>۷۰</u>	اخبار و انجمنی
<u>۸۷</u>	اخبار بوزوالییرالها
<u>۹۷</u>	اخبار زندان
<u>۱۰۲</u>	ضمائم

رفقا!

* بطوریکه در ابتدای خبرنامه داخلی شماره ۴ نیز مختصراً توضیح داده شده بود. نشریه خبری "اخبار انقلاب" برای انتشار در سطح خارج از سازمان، در دست تهیه است. از این جهت لازم دانستیم نکاتی را در رابطه با آن مجدداً یادآور شویم.

۱- کلیه اخبار خود را در دو نسخه ارسال دارید.

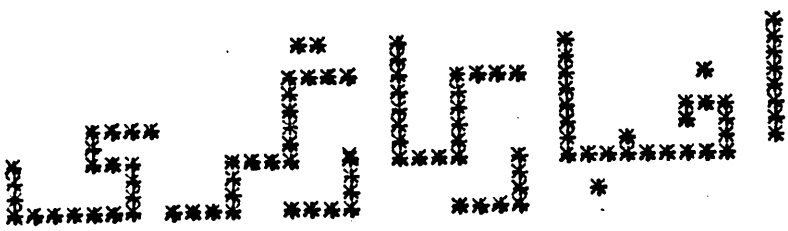
۲- خبرها را در کاغذهایی با قطع ۱۴×۲۱ بنویسید. با وجود آنکه روی این نکته در خبرنامه‌های پیشین نیز تأکید شده بود، برخی از رفقا توجهی باین مسئله نشان ندادند.

۳- انتشار نشریه خبری در سطح خارج از سازمان، ضرورت بررسی دقیقتر و تعیین درجه صحت و سقم خبرها را (تا حد امکان) تشدید مینماید.

با توجه به نکات فوق، ما صرفاً از رفقا و بویژه رفقای مسوول انتشار داریم در ارسال خبرها دقت بیشتری نمودن دارند.

* در اینجا توضیح این نکته را ضروری میدانیم که در خبرنامه پیشین (شماره ۴)، انتشار پاره‌ای از اعلامیه‌ها را با تعمیم یکی دو فاکتور غیر قابل استناد به "حزب توده" نسبت داده بودیم. از آن جمله‌اند اعلامیه "جنبش مسلمانان ایران" و "جامع، معلمین ترقیخواه". که اشتباه خود را بدینوسیله تصحیح مینمائیم.

* در تکمیل اخبار اعتصاب کارگران کارخانه بنز خاور در این شماره، خبری درج گردیده مبنی بر اینکه کارگران در جلب حمایت دانشجویان از اعتصاب، نامه‌ای به آنها ارسال داشته‌اند. از آنجائیکه این خبر تا حدود زیادی برای ما مبهم است و چگونگی اتخاذ این تصمیم از جانب کارگران و نحوه ارسال نامه را روشن نمیسازد. از رفیقای که خبر فول را برای ما فرستاده است، می‌خواهیم که در صورت امکان تحقیق بیشتری در این مورد نموده و نتیجه را برای ما ارسال دارد.



کارگران کارخانه شیر پاستوریزه تهران (واقع در جاده قدیم کرج) ، به عنوان اعتراض به عدم افزایش دستمزدها ، از انجام اضافه کاری خودداری نمودند و خواستار افزایش دستمزدها شدند (خرداد ۵۶) . کارگران می گفتند : " ما میخواهیم بدون اضافه کاری درآمد مناسبی داشته باشیم . نه با چندین ساعت کار اضافی " .

این اعتراض بعد از ۱۰ روز ادامه یافت و ضمن آن خسارت زیادی به کارخانه وارد آمد . بنابراین گفته کارگری که این خبر را نقل میکرد . بعضی اینک سوت پایا - ن کارگاهی بعد از ریآید . تمام کارگران بلافاصله دست از کار میکشیدند . بطوریکه کارگران از ستن پیچ شیر هم سر باز میزدند و به همین علت سطح کارخانه را شیر فرا میگرفت .

در مذاکراتی که بین نماینده کارگران و کارفرما انجام شد . کارفرما با افزایش دستمزدها بعیزان ۳۰ ریال در روز موافقت کرد . مشروط بر آنکه کارگران طبق معمول گذشته کار کنند . کارگران با آنکه از ابتدا خواستار افزایش دستمزدها به میزان بیشتری بودند . قریب وعده های کارفرما را خورده ، بدون اینکه تضمین مناسبی بگیرند از ادامه اعتراض خودداری نمودند و خواهان کاری پر دستند . کارفرما هم طبق معمول وعده های خود را زیر پا گذاشته بهانه آتش گرفتن انبار و کارخانه و خسارت ناشی از آن ، از افزودن دستمزدها کارگران خودداری نمود . تا این تاریخ (۵ تیر ۵۶) از افزایش دستمزدها کارگران خبری نشده است .

* * *

مبارزات کارگران کارخانه ریخته گری شرفاژ کار

این کارخانه در جلده مخصوص کرج ز روبروی کارخانه جامکو قرار دارد . تولید کارخانه را وسائل چدنی مانند دستشویی ، وان و عده تا دیگ شوفاژ تشکیل میدهد . تعداد کارگران آن حدود ۶۰۰ نفر است که از میان آنان ۵۰ نفر هندی و ۳۰ نفر افغانی میباشند . تولید این کارخانه در دوشیفت صبح و بعد از ظهر صورت میگیرد . در شیفت شب نیز حدود ۵۰ نفر به کارهای تعمیر و سرویس میپردازند .

سرمایه کارخانه ۱۰۵ میلیون تومان و سهامدار اصلی آن حاجی بابا (از اعضا جبهه ملی) میباشند . زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

گزارشات مربوط به این کارخانه که زیلا آورده میشود، مربوط به تابستان ۵۶ تا زمستان ۵۶ میباشد.

اعتراض کارگران کارخانه شوفاز کار بخاطر قطع آب حمام در اواسط تابستان ۵۶ بعلت کمبود آب و همچنین حفر چاه عمیق در کارخانه مجاور، آب این کارخانه تقلیل یافت. مقامات کارخانه برای اینکه آب کافی برای کوره ها... وجود داشته باشد، آب حمامها و حتی گاهی اوقات شیر و دستشویی ها را نیز می بستند. در روز اول که تصور میرفت این مسئله مؤثری است، اعتراضات کارگران بنحوی پراکنده و فردی صورت میگرفت. ولی این جریان بدرازا کشید و بدنبال آن اعتراضات کارگران نیز هر روز وسعت بیشتری می یافت. بسیاری از کارگران بصورت فردی یا چند نفره بنزد سرپرستها و یا مسئولین کارخانه برای اعتراض می رفتند. با اینکه چندین بار در میان اجتماعات پراکنده کارگران صحبت از اعتصاب و نرسن سرکار شد، ولی بعلت عدم همکاری پیشتر کارگران (به ویژه کارگران شیفت اول) (۱). تصمیمات فاجع و جمنی اتخاذ نمیگردید و اجتماعات ۲۰- ۱۰ نفری کارگران نیمه کاره بهم میخورد.

اعتراضات پراکنده کارگران هر بار شدت بیشتری می یافت. مقامات کارخانه برای مدت کوتاهی آب بیشتری میدادند و تعدادی از حمامها را باز نگه میداشتند.

چند شب بعلت قطع شدن آب، کارگرانی که در قسمت رختکن و حمامها بودند، دسته جمعی شروع به داد و بیداد و اعتراض نمودند ولی نتیجه ای نبخشید. یک شب که کارگران هنگام استحمام با قطع آب مواجه شدند، بصورت جمعی و نیمه بزهفته بقسمت اداری کارخانه هجوم آوردند. البته در آن هنگام (۱۰ ساعت و نیم شب) هیچکس در این قسمت باقی نمانده بود. کارگران بعد او کوبیدن تمام درها و بعد از آنکه در طبقه بالا و پائین کارخانه کسی را ندیدند. مقابل قسمت اداری جمع شدند. می گفتند:

(۱) - کارگران شیفت اول بندت کارگران شیفتهای دیگر با مسئله کمبود آب روبرو نبودند از این جهت عمده اعتراضات از جانب کارگران شیفت بعد از ظهر بود.

امشب نمیریم . باید همین امشب مدیر کارخانه بیاید و تکلیف ما برامعلوم نکند . با آنکه کارگران از پایمال شدن ابتدائی ترین حقوق خود بوسیله مقامات کارخانه بشدت در خشم بودند . از پیشنهاد فوق استقبال نکردند . این امر بیشتر به سبب آن بود که همه کارگران خصوصا آنها که زن و بچه داشتند قادر نبودند شب را در کارخانه بمانند . از این جهت طرح پیشنهاد " سرکار نرفتن " بهتر میتوانست موثر واقع شود و عملا نیز همین پیشنهاد میان کارگران تبلیغ میکردید . ولی تعدادی از کارگران بدان راضی نبودند و میگفتند : " ما باید بمانیم تا حاجی بابا همین امشب بیاید و جواب ما را بدهد مگر ما از هندنیها کمتر هستیم . " (۱)

سرانجام چند نفر از سرپرستان و نیز مدیر شیفت دوم مهندس (سر هنگ) سهرابی که ظاهرا همان موقع دستور باز کردن شیر حمامها را داده بود ، بمیان کارگران آمده و با خواهش و تمنا و چاپلوسی و تاکید روی اینکه شیرها باز است ، از کارگران خواستند که بازگردند . (۲)

جمعی از کارگران با پافشاری روی خواسته خود ، در آنها جمع شده و به اعتراض خود ادامه میدادند و آنعه که معتقد بودند آتشبنی توان کاری کرد . کارخانه را ترك کردند . فردای آنروز تعداد زیادی از کارگران شیفت دوم ، لباسها را در نیاورده و به رختکن نرفتند . حدود ۳۰ تن از آنان مقابل اتاق پرور حیدری (سرپرست تولید کارخانه) جمع شدند تا با او صحبت کنند . (۳) آرگری بنمایندگی از

(۱) - چند روز قبل از این جریان (روز جمعه) کارگران هندی بعنوان اعتراض به شرایط نامناسب کار ، کارخانه را ترك کرده بودند . بدنبال آن حاجی بابا با عجله به کارخانه مراجعه کرده و آنها را برگردانده بود . وی هرگز برای جوابگویی کارگران ایرانی به کارخانه نمی آمد ، زیرا کارگران هندی برای وی بسیار سود آورتر بودند .

(۲) - در حالیکه قبل از این مهندس سهرابی (مدیر شیفت دوم) در مقابل اعتراضات فردی و پراکنده کارگران برخوردی خشونت آمیز داشت (یکبار که با اعتراض فردی ، کارگری بخاطر غذا مواجه شده بود . بشدت فریاد می کشید : " اخلاص نزن ، نظم را بهم نزن ") . در این مورد به سبب حاکمیت روحیه بر جمعیت میان کارگران و اعتراض یکباره آنها ، عکس العملی بکلی متفاوت نشان

سایرین بد اخل اتاق رفته و در مورد خواسته جمعی کارگران با وی وارد گفتگو شد. پورحیدری در مقابل چنین گفت: "آب مسئله ای نیست، هر که میخواهد برود". بدنبال این گفته کارگران خارج از اتاق شروع به اعتراض نمودند. بدنبال این امر، پورحیدری با عصبانیت از اتاق بیرون آمد. با آمدن پورحیدری بمیان کارگران، تعدادی از آنان از راهرو بیرون رفتند. پورحیدری نیز دست-های تک تک کارگران را گرفته و با هل دادن میگفت: "تورو سرگاز" (۱). کارگران نیز بطور انفرادی و بدون مقاومت از راهرو بیرون میرفتند. پورحیدری به یکی دوتن از کارگران نیز که قصد صحبت داشتند اجازه نداده، میگفت: "برو قسمت، میایم همانجا". کارگران همگی بیرون آمدند، ولی مجدداً مقابل قسمت اداری جمع شدند. این بار نیز پورحیدری بهمیستایان آنها آمده، شروع به تهدید کردن یکی از کارگران نمود که با اعتراض دیگر کارگران مواجه گردید. پس از آن کارگران مقابل رختکن اجتماع کردند. این بار یکی از کارمندان کارگزینی (میشول کارت‌های ساعت) سررسیده، با خواهش و تمنا کارگران را به رختکن فرستاد. وی وقتی با امتناع عده ای از کارگران روبرو شد، قول داد که از آنشب حمامها آب داشته باشند و سپس اضافه کرد: "من خودم شنب می‌ایستم و آب را باز می‌کم". با این گفته سایر کارگران نیز از ادامه اعتراض خود اری کرده، به رختکن رفتند. از آنشب بطور مرتب آب قسمتی از حمامها وصل بود و بعد از مدتی آب تمام حمامها وصل گردید.

در مجموع اعتراض کارگران علیرغم پراکندگی و کسسته بودن، در حد خود خوب پیش رفت و با پیروزی نسبی کارگران همراه بود. علت عده ناپیوستگی اعتراضات کارگران، فقدان رهبری صحیح و مستحکم بود. تاهد فهای مشخص را دنبال کند و در مراحل مختلف اعتراض خط بعدی را معین نماید و ازیرا کنگره

← مراجعه کارگران به اتاق پورحیدری صحیح بنظر نمی‌رسد. کارگران می-

بایست همانجا (مقابل رختکن) میایستادند تا مأمات کارخانه برای گفتگو نزد آنان میرفتند. علاوه بر آن پورحیدری فاشیست ترین مقام کارخانه بشمار میرود و بهتر بود کارگران بمقام دیگری مراجعه مینمودند.

(۱) - اینگونه برخورد فردی با اعتراض کنندگان یکی دیگر از شیوه‌های موزیانه پورحیدری برای پراکند نمودن کارگران است. او بدین طریق تا حد

موفق به سرکوب نمودن چند اعتصاب شده است. وی در اینگونه موارد عوامل عوامل اصلی (کارگران فعال) را با تهدید و زور سرکارنرستاده، جریان

واتلاف نیرو و هار مانع گردد . بیشك عد سابقه زیاد كارگران اين كارخانه در وجود اين نارسائي ، تاثير بسزائي داشته است . بكي ديگر از علل پراكندي كارگران عد هشتتيا نني و حمايت كارگران شيفت اول بود كه بسبب مرتب بودن حمايتها در اين شيفت ، اين مسئله براي آنان چنان مطرح نبود .

اعتصاب و اعتراض كارگران براي سود ويژه - كارگران اين كارخانه روز ۵ مهر ۵۶ ، بعلت عد مورد اخت سود ويژه از جانب كارفرما دست به اعتصاب زدند .

بر اين كارخانه سالي ۴ مانه تمدد بعنوان سود ويژه مورد اخت ميگردد . با اين ترتيب كه كارگران ميبايست هر سه ماه يكبار و بهمراد ستمزد ماهيانه خود ، سود دريافت و ارنده را و اخير شهر يور ۵۶ ، شاعه عد مورد اخت سود ويژه ميان كارگران قوت گرفت . چرا كه كارفرما گاه ويگاهو با ائسار مه قوانين وزارت كار (سود بر مبناي بازيده اي) ، ابراز ميدهد - ا شت كه در تابستان بعلت خاموشيهاي مكرر برفي ، كارخانه ضرر كرده است . كارگران همكي برخورد اعتراض آميزي با اين مسأله داشتند . عد هاي نيز صحبت اعتصاب را (در صورت عد مورد اخت سود) بهيان مي كشيده اند . در روزي در اخت حقوقها ، مسوولين اعلام كردند كه مورد اخت سود به چنده روز عد موكول ميگردد . كارگران شيفت اول بسبب اينكه آخروقت بود و امكان هيچگونه تكميل العمل جمعي وجود نداشت . اعتراضاتي فردي صراحت مبهسو پرست هانمودند . آنها نيز قول دادند كه چنده روز ديگر سود هاپرداخت گردد . بد اين ترتيب كارگران شيفت اول حقوق خود را بدون سود دريافتند . اشتمد خبر عد مورد اخت سود به كارگران شيفت دوم كلبس پوشيده و آماد فرقتن به سر كار بودند . رسيد عد هاي از كارگران بمنظور اطلاع از صحت خبر و چگونگي برخورد كارگران شيفت اول با اين مسأله خود رايه قسمتها رسانده و بچون عكس العمل از جانب آنان مشاهده نشد . نكردند . بكار مشغول شدند . عد هاي ديگر از كارگران كغزويك به . ه نفر بودند مقابل قسمت اداري بعنوان اعتراض ايستاد و اوز رفتن سر كار خود ادري نمودند . اين دسته از كارگران عد هار مقامات كارخانه را مبني بر برك اخت سود ويژه درآينده ، نفي بر خه و روي خواسته خود پائشاري ميگردد . . . نفر از اين عد ه كارگران قسمت تكميل ديگ بودند كه از فعالترين كارگران كارخانه محسوب ميگردد (از كارگران كراتما كرد هاست . اعتقاسي كه اوائس سال ۶۵ خاطر افزايش ستمزد صورت گرفت و نيز اعتصاب غده اي تا و كران در اواخر آن ۵۶) كسپور حيد ري ضمن آن چند نفر از كارگران يك قسمت و اباتهد يد به سر كار فرستاد و با اخراج نمود . به هم نكنون ميان يافت . ش اعتصاب اخير در گزارشات مربوط به مبن كارخانه آمده است .

این قسمت تنها ۳-۲ نفر جمع نبودند .

• مقامات کارخانه ۷ نفر از این کارگران را اخراج نمود (۱) (گفته میشود که های از کارگران خود مایل به استعفا بودند) . خبر اعتراض کارگران این قسمتها نیز بصورت جمعی یا فردی شروع به اعتراض نمودند . سرپرستها و مقامات کارخانه که با اعتراض نسبتاً گسترده کارگران مواجه شدند ، قول دادند که تا سه روز دیگر سود ها را بپردازند . کارگران نیز این قول را بشرط بازگشت کارگران اخراجی / پذیرفتند .

• بدنبال این جریان / شیفت دوم قسمت تکمیل در یک تا مدت بصورت نیمه تعطیل درآمد و تنها کارگرانی که از شیفت اول اضافه کاری داشتند و چند کارگرانی که یکنوازی پیدا کردند . ۲ نفر دیگر از کارگران سابق قسمتها نیز بعنوان اعتراض استعفا دادند و کارخانه ترک نمودند . بدنبال آن مقامات کارخانه فوراً دست به کار شدند و سرپرست سود کارگران را بپرداخت نمودند . ولی در این میان سود کارگرانی که کمتر از سه ماه سابقه کار داشتند ، بپرداخت نشد . اعتراض این گروه از کارگران به علت پراکندگی و عدم تشکل موجود در میان آنان موثر واقع نگردید .

اعتصاب کارگران بخاطر غذا - اواخر آذرماه ، طبق تصمیم کارفرما و طبق درخواست رضایت کارگران ، یک وعده غذای گرم روزانه از برنامه غذای کارگران حذف شد . هرچند که این کارگران از این امر بسیار ناخوش بودند و کیفیت و کمیت غذا کم بود (با توجه به کار سنگین روزانه کارگران ، آنان به هیچ وجه نمیتوانستند شکم خود را با یک ساندویچ سیر کنند) . علت دیگر نا رضایتی کارگران تفاوت قیمت غذای گرم ساندویچ بود . هر وعده غذای گرم حدود ۸ تومان تمام میشد که کارفرما به ازای ۲ تومان به کارگران میداد و طبیعتاً ۶ تومان ماهانه تفاوت آن جزو دستمزد کارگران به حساب میآمد . در حالی که ماهانه مزد کارگران اینگونه بود که با وجود اینگونه بابت ساندویچ گرفته میشد باز هم حداقل ۳ تومان بضرر کارگران بود . به همین جهت کارگران تصمیم گرفتند از گرفتن خوردن ساندویچ امتناع ورزند . تهدیدهای کارفرما ، اگرچه های از کارگران منزلی را به شکستن اعتصاب اجاداشت . ولی در مجموع کارگران هر دو شیفت اعتصاب یکپارچه ای را برپا کردند .

روز بعد مهندس پورحیدری (مدیر کارخانه که فرد بسیار مغروری است) . چند نفر از کارگران این قسمت را با تهدید به سرکار فرستاد . سرپرست قسمتی دیگر نیز تهدید کرد که چنانچه کارگران تا ۱۰ دقیقه دیگر شروع به کار نکنند ، از اضافه دستمزد خبری نخواهد بود . فرد ای آنروز از اول صبح احکام اضافه دستمزد کارگران مرتباً توسط سرپرستها به آنها داد

(۱) - اطلاع دقیق از چگونگی اخراج این عده (اجباری یا اختیاری بودن) در ریافت حقوق ، سود و پانزده روز است .

همیشه. این امر در عین حال که برای کارگران پیروزی محسوب می‌گردد، موجب عدم پافشاری آنان روی مسائل فزاد شده. از آنروزیس از بخش ساند ویج، که با خوردن عدس زیاد از کارگران دیگران هم‌مقاومت را بیفایده دانستند و اعتصاب را شکستند. ضمن کار فرما قول داد بود که هر کس به یک ساند ویج سیر نشده می‌تواند ۵/۱۰ و حتی ۲ ساند ویج بخورد و کارگرانی که سیر نشده بودند، این کار را می‌کردند.

اعتراضات و اعتصابات کارگران هندی و ساواست تا بهستان ۵۶، که کارگر هندی (ساد سوماهر)، بر طبق قرارداد از ساله‌ای که مقامات کارخانه آنها رهند بسته بودند، به‌استخدام آمد، رآمدند. مسو، لنین کارخانه ستمزد این کارگران را نصف و حتی برای بعضی‌ها ۳/۱ تا ۴/۱ و ستمزد کارگران ایرانی تعیین کردند. علاوه بر کمی دست‌مزد این عدس همواره از شرایط بسیاری دیگر برخوردار بودند.

اولین اعتصاب - هنوز ۳-۲ هفته از استخدام کارگران هندی نگذشته بود که علائم فراوان ناراضیاتی در آنها آشکار گردید. مقامات کارخانه سخت‌ترین و بدترین کارها را به آنها سپردند. بدترین وجههاست شمارشان می‌پرداختند. علاوه بر آن این عدس‌ها از نظر غذاهای ایرانی، به‌شدت محیط‌زیست و تغذیه مناسب و شرایط بدی بی‌سری برخوردارند. آنها مجبور به خوردن غذاهای ایرانی بودند که هیچ وجه اائقه انسان سازگاری نداشت.

کارگران هندی که از حقوق صنفی خود بخوبی آگاه بودند، در اولین بحثی که بصورت جمعی میان آنان و سرپرست شیفته شیب "حسینی" در گرفت، اعتراضات خود را در مورد غذا، مسکن و همچنین بردن آنها به شهر مطرح می‌سازند. علاوه بر آن درخواست می‌کنند که ستمزدشان بعد از سه ماه کار افزایش یابد و سالی یکبار نیز به هزینه کارخانه به‌همند سفر نمایند. "حسینی" در مقابل اعتراضات و درخواستهای کارگران به آنها می‌گوید: همین که هست، نمی‌خواهید بروید. کارگران هندی نیز وسایل خود را جمع کرد و مخارج از کارخانه و خوابان تجمع نمودند. آنها به "شریخ" رئیس کارگری که فوراً خود را به کارخانه رساند، می‌گفتند: "ما قرارداد سه ساله بسته‌ایم و اکنون که شما می‌خواهید ما برویم، نمی‌بایست حقوق ما سه ساله می‌سپورتهای ما را بدهید." در این ضمن "حاجی بابا" نیز که به محض اطلاع خود را به کارخانه رساند، با کارگران وارد صحبت گردید. وی با نشان دادن روی خوش و قبول پاره‌ای از درخواستهای کارگران و موکول نمودن بعضی دیگر از آنها به اکراد بعدی، کارگران را روانه کار نمود. همانروز کارگران هندی را با سزویس کارخانه به باغ وحش و پارک شاهنشاهی فرستادند.

وقول دادند که هفته های بعد نیز چنین برنامه هائی برایشان در نظر گرفته شود. ضمناً به تهرید یکسری وسایل آشپزی طبخ غذا نیز به خود کارگران واگذار کردید و در سفره ها و غذاها آنها را تقبل نمودند.

بدین ترتیب کارگران به بعضی از خواسته های خود رسیدند، در حالیکه بقیه به بعد مژگول گردید.

آنها قبل از این جریان چندین بار به سفارت هند شکایت برده بودند، ولی هیچگونه ترتیب اثری به خواسته های آنها داده نشد.

دومین اعتصاب - بعد از اعتصاب اول کارخانه بهرنگام از کارگران هندی ۱۰۰۰ تومان علی الحساب و بعنوان دستمزد پرداخت و تانزدیک سه ماه بعد وجهی به کارگران پرداخت نشد. در ضمن قرارداد دیگری از طرف کارخانه تنظیم گردید که درخواستهای کارگران در آن منعکس نبود. همین امر سبب گردید که کارگران ازاضای قرارداد سرپا ززند. مقامات کارخانه پساً شاهد این وضع پرداخت دستمزد را به بعد ازاضای قرارداد مژگول نمودند. بدنبال این جریان کارگران هندی دست به اعتصاب غذا زدند، از کار کردن نیز خودداری نمودند. آنها همانروز به سفارت هند و وزارت کار مراجعه کردند. مقامات و نارضد ان کارخانه هم به تکاپو افتاده و سرانجام در پیمان آنروز قول دادند که فردا تمام حسابها پرداخت شود. روز بعد کارگران بعد از یکروز اعتصاب کامل و همچنین اعتصاب غذا، شروع به کار نمودند. درخواست های آنان در اعتصاب مژبور از این قرار بود:

- ۱- پرداخت ب موقع دستمزد ها.
- ۲- اضافه دستمزد بعد از سه ماه دوره آزمایشی به تناسب مهارت افراد.
- ۳- بهبود وضع مسکن.
- ۴- مسافرت سالی یکبار به هند با هزینه کارخانه.
- ۵- استناد به از مزایای کارگران ایرانی مثل سود ۳۵٪ اضافه کاری و شب کاری.

تکمیل خبر اعتصاب کارگران کارخانه بنر خاور

شرح تفصیلی این اعتصاب در خبرنامه داخلی شماره ۴ درج گردیده است. در اینجا بذکر نکات تازه ای پیرامون اعتصاب فوق میپردازیم که رفقا ضمن اخبار

ارسالی خود بعد از انتشار خبرنامه به آنها اشاره نموده اند :

✽ با شروع اعتصاب کارخانه به اشغال ژاندارها درآمده و چند کامیون ارتش در آنجا مستقر شدند . ظاهراً در طول اعتصاب هیچگونه برخوردی میان کارگران و سربازان صورت نگرفت و حتی گفته میشود یکبار که احتمال حمله سربازان میرفت ، دو نفر از آنان برادرانه به کارگران اطلاع دادند که حواسشان جمع باشد ، زیرا ممکن است به آنها دستور حمله بدهند .

✽ رفیق کارگری میگفت : " ما لاستیکهای فرسوده ای را که مقابل کارخانه بود ، آتش میزدیم تا گرم شویم . ما از همه چیزمان گذشته بودیم و در صورت حمله سربازان ، ما هم لاستیکهای مشتعل را بمیان آنها می انداختیم . همین رفیق اضافه میکرد : " نماینده کارگران ایران ناسیونال پیش ما آمد مهود و میگفت که ۲۵ هزار تومان پول از کارگران ایوان ناسیونال برایتان جمع کرده ایم . شما روی حرفتان بایستید ، ما هم از شما حمایت میکنیم . همچنین گفته میشود نمایندگانی هم از جانب کارگران کارخانه سیتروئن و ایران کاوه به محل اعتصاب آمده و از کارگران خواسته بودند به اعتصاب ادامه دهند و روی خواسته های خویش یا فشاری نمایند . آنها تاکید کرده بودند که هرگونه کمکی لازم باشد ، در اختیارشان قرار خواهند داد .

✽ در روزهای آخر اعتصاب کارگران نامه ای خطاب به دانشجویان نوشته و برای آنها ارسال داشتند با این مضمون که " ما کارگران برای احقاق حقوقمان بهر وسیله ای متوسل شدیم ، ولی نتیجه ای نگرفتیم . از شما دانشجویان خواستار حمایت و پشتیبانی هستیم " (ارسال این نامه مصادف با تعطیل دانشگاهها بود) . رفیق کارگری که پیشتر از این دو نقل قول از وی آورد مهودیم ، در این مورد میگفت : " برای ما از دانشجویان جواب آمد که اعتصاب شما غیرقانونی است ، ولی بنظر ما این نامه بدست دانشجویان نرسیده بود و آنها آنرا نخوانده بودند . وی اضافه میکرد : " از همان اول که کارگران روزگار دست به اعتصاب زدند ، باید در کارخانه میماندند و بیرون نمیآمدند و کارگران دیگر هم که بیرون بودند ، به آنها غذا و ... میبرساندند و ضمناً کارهای لازم دیگر را انجام میدادند . رفیق کارگر در مورد نتیجه اعتصاب میگفت : " اگر یک عده نامردی نمیکردند و تا آخر میایستادند ، ما حتماً پیروز میشدیم و آنوقت کارگر خاور اسم در میکرد . " این رفیق کاپوتز پس

از ۴ سال کار در کارخانه بنز خاور بدون دریافت هیچگونه مزایا از آنجا
 بیرون آمده بود ، حتی رضایت نامه نیز به او ندادند . بدنبال آن کارگر
 مزبور برای اینکه کارش را به يك استعمارگر دیتر بفروشد . از گفتن اینکه قبلا
 کارگر بنز خاور بود امتناع میورزید و میگفت که کشاورز است !

صبح روز دوشنبه ۴ آذر که کارگران کارجاده ساوه اجتماع کرده بودند ،
 مهندس سزاگاریان برای صحبت با کارگران و راضی کردن آنها بمیان آنان آمد .
 چند نفر از کارگران با وی حرف میزدند ، در حالیکه دیگران در طرف دیگر جا
 ده منتظر ایستاده بودند . خلاصه صحبتهای سزاگاریان این بود ، که تنها يك
 خواست کارگران قانونی بوده و مسولین حاضر به عطفی کردن آن میباشند و آن
 بهبود اشتی کردن توالتها است و سایر خواستهای کارگران غیر قانونی محسوب
 میگردد . حین صحبت کردن سزاگاریان ، کارگران شروع به هو کردن او نموده
 و بلافاصله به گفتن " جاوید شاه " پرداختند . ضمن هو کردن عده ای از کار-
 گران متزلزل و محافظه کار به دست و پا افتاده و مرتب میگفتند : " با جا
 هو می کنید و . . . با هو کردن که کار پیش نمیرود " . در این حین سزاگاریان به
 سمایشی میان کارگران و صحبتهای درگوشی با آنان مشغول بود . وی بیان
 این کار قصد داشت میان کارگران تفرقه وجدائی بیافکند . چند تن از کارگرا
 که بمقصود او بخوبی پی برده بودند . شروع به اعتراض کردند و خطاب به
 سایر کارگران می گفتند : " اگر حرف حساب دارد . روی يك صندلی برود و برآ
 همه حرف بزند . چرا در گوش چند نفر زمزمه میکند ؟ " بدنبال آن کارگران به
 هو کردن او پرداختند و در حالیکه فریاد میزدند ، از کارگرانی که آنسوی جاده
 سرگرم صحبت و مذاکره بودند خواستند که باینطرف بیایند .

یکی از سرکارگران بنام " بابائی " و چند تن دیگر از کارگران وابسته که
 ستون پنجم کارفرما در میان کارگران بشمار میرفتند ، نغمه های سازشکارانه ای
 سر میدادند ، اما این امر از دید تیز بین کارگران هشیار و آگاه پنهان نماند .
 یکی از آنان " بابائی " را کنار کشیده و باو گفت : " من بخاطر سلام و علیکی
 که با تو دارم ، توصیه میکنم خودت را از این جریان کنار بکشی " . لحن و
 مضمون صحبتهای کارگر مزبور در عین آنکه تهدید آمیز بود و بطور ضمنی به او
 هشدار میداد که در صورت ادامه مدخله از سوی کارگران تنبیه خواهد شد ،
 راه فرار و اصلاح را هم برای وی باز میگذاشت .
 امروز در نظریه در میان کارگران وجود داشت . عده ای صحبت از مذاکره

با مقامات کارخانه و تعدیل خواستها را بمیان میآوردند و عده ای دیگر خواهان ادامه اعتصاب بودند. یکی از کارگران محافظه کار میگفت: "ده نفر را انتخاب و برای مذاکره به پیش سرهنگ بفرستیم". او در مقابل این سوال که سرهنگ خود بھوی خواست کارگران را میداند و مذاکره ما با او چه دلیلی دارد، پاسخ داد: "سرهنگ که اینجا نمیآید و با این وضعی هم کسه دانشجویان پیش آورده اند، کار ما ممکن است خراب شود و اسم خرابکار را روی ما بگذارند". کارگر جا افتاده ای که ۱۶ سال سابقه کار داشت شروع به نصیحت کردن کارگر محافظه کار نمود و گفت: "من الان ۱۶ سالیت کسه کار میکنم و قاعدتا میبایست اعتصاب را تا حالا می شکستم، چون اگر اخراج شو هیچ جا مرا استخدام نمیکنند، چون سنم گذشته، ولی تو چرا ۱۲ اگر ترا اخراج کنند هنوز جوان هستی و خیلی جاها میتوانی کار گیر بیآوری، ولی اگر بخیال اینکه در همه جا کار پیدا میکنی، به کارگران در اعتصاب کمک نکنی و بدون مبارزه در یک کارخانه بجائی دیگر بروی، بدان که آنجا نیز نمیتوانی حق خود را بگیری". کارگر دیگری میگفت: "تا یک بزن بزن و شکستن در کار تباشد اینها حالشان جا نمیآید و بخواستههای ما توجه نمیکنند". یکی دیگر از کارگران محافظه کار میگفت: "خوب باها حق مسکن غیر قانونی است...". وی در مقابل اعتراضی که نسبت بگفته او شد، سخن خود را اینچنین تصحیح کرد: "نه، من این را الان برای خود مان میگویم و گنه پیش سود آور همان خواسته ها را اعلام می کنیم...". عده ای از کارگران که مایل به ادامه اعتصاب بودند، میگفتند: "اینها (کارفرما...) تازه به وحشت افتاده اند و عهد اند چکار کنند". یکی دیگر از میان آنان میگفت: "باید در کارخانه پروفیل نیمه سبک کارگران با تهدید به اعتصاب و عمل به آن، به حق مسکن رسیده اند. کارگران کارتن سازی هم اعتصاب کرده اند. ما تا کتون ۱۰ روز مقاومت کرده ایم و اگر ۱۰ روز دیگر هم مقاومت کنیم، کارها رو برآه میشود".

گفته میشود کارگرانی که بعد از خاتمه اعتصاب اخراج شده بودند، بشدت سرخورده بودند و می گفتند: "دیگر هیچوقت به حرف رفتاری کارگر اعظما نخواهیم کرد". یکی از آنها ابراز میگرد: "من تا بیکی از مهندسانها گنگ مصلسی فزوم دست بردار نیستم". بطور کلی آنها از اینکه کارگران دیگر با قبول شرایط ناساعد (سپردن تعهد و استخدام مجدد بعنوان کارگر جدید)، بسر کار رفته بودند، ناراحت بودند و میگفتند: "اینها کمتر تمام کارها ۱۲".

این سومین بار است (بعد از کارخانه بافکار و بی اف گودرچ) که این عمل زنده تکرار میشود .

ضمناً خبر دیگری حاکی از اینست مبلخی که کارگران ایران ناسیونال برای کارگران بنز خاور جمع کرده بودند ، ۱۰۰ هزار تومان بوده است . طبق این خیر نمائندگان کارگران ایران ناسیونال وقتی می بینند کارگران بنز خاور پسه سر کار باز گشته اند ، این پول را بر میگردانند .

بعد از خاتمه اعتصاب و بدنبال شکایت کار فرما بوزارت کار ، عده بسیاری از کارگران با سابقه (گفته میشود ۲۰۰ نفر) بدون پرداخت حق اخراجی ، اخراج شده و تعدادی دیگر (حدود سه یا چهار نفر) که ناشان بعنوان محرک اعتصاب و اخلاکگر به ساواک فرستاده شده بود ، بازداشت گردیدند . همچنین بسیاری از کارگران که حاضر به سپردن تعهد ... نشده بودند ، استعفاء دادند . این امر منجر به کاهش تولید کارخانه بعیزان قابل ملاحظه ای گردیده است . کار فرما برای جبران نیروی کار مورد نیاز از کارگران جدید (ساده) را با ۱۰۷۴ ریال دستمزد ناویژه استخدام مینماید .

بر خورد فعال کارگران کارخانه های دیگر نسبت به اعتصاب کارگران بنسز خاور نشانه ارتقاء سطح آگاهی کارگران و رشد همبستگی طبقاتی میان آنان است . اگرچه این آگاهی و همبستگی هنوز در محدوده مافع صنفی و تریونومی نی کارگران محصور بوده و حامل بسیاری گرایشات و نقطه نظرات انحرافی در میان آنان نمی باشد ، اما در هر صورت نمایانگر حرکت بی وقته و رشد یابنده جنبش کارگری در ایران بشمار میرود . مبارزات کنونی کارگران ایران (که نمونه روشنی از آن را میتوان در اعتصاب پر شور کارگران بنز خاور و حمایت کارگران سایر کارخانجات دید) نشان میدهد که طبقه کارگر دوران مقاومتها ی پراکنده و فردی را پشت سر گذاشته و بدو یک عقیق ترو گسترده تری از ضرورت اتحاد و یکپارچگی طبقاتی نزدیک میگردد .

در جریان اعتصاب کارگران بنز خاور ما دیدیم که پیشرو ترین کارگران با در نظر گرفتن تجربیاتی که در شکست اشکال قانونی مبارزه داشته اند (اقدام از طریق مبارزه با مقامات کارخانه و ...) ، به پیروی این شکل از مبارزه بخواهی بی - برده و بنمای مخالفت با آن را می گردانند . آنها در پی یابند که تنها از طریق مبارزه یکپارچه ، متشکل و آگاهانه - بدون توسل به شیوه های قانونی مبارزه -

کردند .

اعتلا و شکوفائی جنبش طبقه کارگر که در ارتباط با ضرورت‌های زیر بنائس رشد و رونق خود را بی وقفه ادامه می‌دهد ، تاکید دیگریست بر نقش تعیین کننده مارکسیسم - لنینیسم در امر گسترش و هدایت این جنبش به بالا بردن سطح مبارزاتی کارگران از صنفی به سیاسی و ارتقاء سطح آگاهی تریب یونیونی آنان به معرفت سوسیال دموکراتیک .

* * *

اخراج يك کارگر از شرکت امتیاز

کارگری که از شرکت امتیاز اخراج شده بود چنین می‌گفت : " من ۷ سال در این شرکت کار کرده ام و از روز اول بعنوان پیشخدمت استخدام شده ام . ما - هی ۱۶۰۰ تومان می‌گیریم و حالا بعد از اینهمه وقت مرا بیرون کرده اند و می‌گویند تو آشنیزی بلد نیستی . این بار بیوهی است که برای نتیجه گیری از شکایم به وزارت کار آمده ام . دو دفعه گذشته که به اینجا آمدم ، نماینده کارفرما نیامده بود و اگر این بار هم حاضر نشود ، وزارت کار خود ش حق مرا می‌دهد . سرانجام نماینده کارفرما به همراه منشی اش سر رسیدند . آنها در حلقه که به کارگر تاکید می‌کردند که بیخود شکایت کرده است ، با نشان دادن کتاب قانون کار سعی داشتند بوی بفهمانند که حق قانونی اش (برای اخراج) سالی ۱۰ روز است که آنرا هم کارخانه خواهد پرداخت . بمجرد این گفته ، تمام کارگرانی که آنجا حاضر داشتند (کارگران بنز خاور و ۰۰۰) به نماینده کارفرمای شرکت امتیاز و منشی اش بشدت اعتراض کرده و گفتند : " مگر می‌که حقوق قانونی اش سالی ۱۰ روز است ؟ " هر کدام از کارگران بحالت اعتراض حرفش زدند و سرانجام گفتند : " حق قانونی سالی ۱۰ روز است . منشی نماینده کارفرما گفت : " آقایان این کتاب قانون کار است " ، ولی کارگران روی حریف خود باقی مانده و گفتند : " این را اولش کن " . نماینده کارفرما با حالت گسله آمیزی می‌گفت : " اینها چرا با ما لج هستند ؟ می‌خواهند ما را بکشند " . و یکی از کارگران بوی چنین پاسخ داد : " نه ، نمی‌خواهند ترا بکشند ، ولس شما همه تان زور می‌گوئید " . سرانجام کارگر شاکی به همراه نماینده کارفرما و منشی اش برای تعیین تکلیف به داخل یکی از اتاقها رفتند . از طرف وزارت کار سالی ۳۰ روز مزایا برای کارگر اخراجی تعیین گردید .

اعتصاب کارگران کارخانه کفش سه ستاره

در نیمه اول آذر ۵۶ که کارگران کارخانه کفش سه ستاره واقع در جاده ساوه (شهر ولیعهد) بعنوان اعتراض به عدم پرداخت سود ویژه نیمه اول سال که دست به اعتصاب زدند. بدنبال این اعتصاب کارفرما به کارگران قول داد که تا تاریخ ۲۰ آذر سود آنها را پرداخت نماید. کارگران با این قول کارفرما به سرکار خود بازگشتند. آنها در روز ۲۰ آذر سود ویژه ۶ ماهه اول ۵۶ را دریافت داشتند.

* * *

اعتراضی کارگران کارخانه چیت سازی تهران (با فکر)

کارخانه بافکار در اواسط آذر ماه ۵۶ که حدود ۷۰ نفر از کارگران با سابقه (از ۲ سال تا ۱۰ سال) را اخراج نمود. این کارگران که بدون هیچگونه اتهامی اخراج شده بودند. تقاضای ۴۵ روز حق اخراجی (دستمزد ۴۵ روز بازای هر سال سابقه) نمودند. کارفرما ابتدا اباپرداخت ۳۰ روز حق اخراجی. برای هر سال موافقت کرد و کارگران هم رضایت خود را اعلام اشتند ولی بعد حرفه خود را پس گرفتند. ۳ روز به ۲ روز کاهش داد. این بار کارگران مخالفت کرد و بر روی تقاضای اول خود (۴۵ روز) اصرار ورزیدند و در این مورد به وزارت کار شکایت کردند. وزارت کار به کارگران وعده داد که بعد از تاریخ ۲۸ آذر رضایت آنها رسیدگی کند. از نتیجه کاراطلعی در دست نیست.

* * *

اخراج کارگران کارخانه آزمایش

در تاریخ ۲۸ آذر ۵۶، کارخانه آزمایش بعلت انتقال به محل جدید (مرودشت شیراز) از کارگران خود میخواهد با ۴۰٪ اضافه حقوق به محل جدید بروند و در غیر این صورت اخراج خواهند شد. به این ترتیب عدد زیادی از کارگران اخراج دیگر شدند. کارخانه در ازای هر سال سابقه کار ۵۰ روز حق اخراجی پرداخت کرد.

* * *

اعتصاب کارگران کارخانه های نساجی اصفهان

دستمزد کارگران نساجی اصفهان، امسال به میزان پسیر کم (۲۰ - ۵ ریال) افتد. این دریافت علاوه بر آن بعضی از کارخانه ها به این بهانه که امسال سود نداشته اند (۱) من خواستند از پرداخت سود ویژه سر باز زنند، اما کارگران مبارز بعضی از این واحد ها مثل. سوجن، پارش، فرزانه و... با دست زدن به اعتصاب توانستند حق خود را.

بگیرند .

کارگران کارخانه‌های هارش و فرزانه ، یکپخته اعتصاب داشتند و بعد از آن موفق به اخذ سود ویژه گشتند . بعلاوه ، بد نبال اعتصاب مزبور ، مدتی برای عامل واحد تولیدی فرزانه همبرکارش عواد اراه ، آن مستقیماً بر عهد ه بانک ملی قرار گرفت ، کارخانهایند مزبور (واقع در خیابان چهارباغ که صاحب آن فردی بنام جواهری است) از جمله کارخانه‌هاییست که همبها نه متضرر شدن سعی داشت بهر ترتیبی شد ه از یزد اخذ سود ویژه سر یاززند .

کارگران این کارخانه ، از تاریخ سوم یماه ۵۶ ، دست به اعتصاب زدند ، بد نبال آن کارگران هر شیفت لباس کار پوشید ه بیشتر دستگا ههای خود نشستند ، بد و ن اینکه کارکنند ه هبستگی کارگران د رای نمود موجب شد که کلیه قسمت های کارخانه تعطیل شود . کارفرمانیز ه مشاهده این وضع از آمد ن به کارخانه خود د اری نمود .

کارگران بعد از مد اکره بانیک یگر ۴ - ۳ نفر از میان خود بعنوان نمایند ه انتخاب کرد ه و د تاریخ ۷ ی ۵۶ به تهران فرستادند . چون از این عد مخبری شد ، ضد د ا د تاریخ ۱۲ یماه ، ۴ نفر یگر از جانب کارگران به تهران روانه شدند . بد نبال این جریان صاحب ود یگر کارخانهای نیز به تهران رفتند .

کارگران اعتصابی می گفتند تنها بعد از دریافت سود ویژه به اعتصاب خود پایان خواهند د اد . اعتصاب تا روز ۱۴ یماه ، یعنی تا یازده همین روز ، همچنان ادامه داشت و کارگران با قاطعیت آن را ادامه می کردند .

قابل توجه است که از روز پنجم اعتصاب ، جیره روزانه کارگران را (که روزی ۲ کیلو می باشد) قطع کردند .

از نتیجه اعتصاب خبری د دست نیست ،



اعتصاب کارگزاران پالایشگاه نفت اصفهان

این پالایشگاه که فعلاً د دست ساختمان است د رجاء ه اصفهان - تهران قرار د ارد و د . . . کارگرد رساختمان آن شرکت د ارند ه د یماه امسال

(۵۶) ، کارگران بعنوان اعتراض به تفاوت فاحشی که بین دستمز د کارگران و تکنسینها (که ای . . .) وجود د ارد ، اقدام به اعتراض و تعطیل کار و اعتصاب نمودند . کار پالایشگاه از عهد ه برخوردار با کارگران بزنیامد مواز کار د وب آهن اصفهان روانه ارم و تقاضای کمک نمود .

گرفته است. حتی شایعه تیراندازی ژاندارمها و کشته شدن چند کارتر و زخمی شدن تعدادی ژاندارم نیز وجود دارد. از نتایج این اعتصاب اطلاعی در دست نیست. گفته میشود در اثر این اعتصاب، کارخانه کارخانه زوب آهن اصفهان دست به اقدامات ویژه ای زده و به حالت آماده باش درآمده است و از هرگونه تجمع جلوگیری میکند.

* * *

خبری در مورد کارخانه میخ سازی

کارخانه میخ سازی واقع در جاده فرحزاد، در آگهی های استخدام اعلام کرده است که به کارگران خود برایگان خانه میدهد، اما این امر در واقع دستاویز فریبکارانه ای برای جلب هر چه بیشتر کارگران و استثمار محشیانه تر آنان بین نیست. گفته های کارگر زحمتگشی که از این کارخانه استعفا داده بود، این مسئله را بروشنی نشان میدهد. وقتی از او سوال شد که چرا با وجود خانه مجانی و منطقه خوش آب و هوای کارخانه استعفا داده است، جواب داد: "کجای این خانه ها مجانی است. روزی ۲/۵ ساعت بابت آنها از ما بیشتر کار میکنند. تازه خانه هایش هم خانه نیست. در یک سالن که ۵ اتاق دارد فقط یک دستشویی گذاشته اند. زن و بچه مردم آسایش ندارند". از او پرسیده شد که چرا نسبت به مسئله ۲/۵ ساعت کار اضافی بر روز اعتراض نمیکنند. جواب داد: "کارفرما میگوید چون شما خانه تان نزدیک کارخانه است و رفت و آمد ندارید، ما بایست مدتی را که صرف رفت و آمد میگردید، کار کنید". کارگر مزبور همچنین اضافه نمود: "تازه کارگرهای هم اتحاد ندارند، وگرنه کی جرأت میکرد ۲/۵ ساعت بیشتر از ما کار بکشد. من پارسال در کارخانه جنرال موتورز کار میکردم. وقتی اعتصاب کرده بودیم (اشاره به اعتصاب اردیبهشت ۵۵)، برای اینکه ما را مجبور به کار کردن کنند، سر باز مسلسل بدست آورده بودند، اما بدلیل اینکه ما بایست هم را داشتیم، سرکار نرتیم و توانستیم عقب ماندنی سه سال قبل را بگیریم". این کارگر در مورد امکانات باصطلاح رفاهی کارخانه چنین می گفت: "چهارتا خانه وسط بیابان درست کرده اند. ما برای خرید مایحتاج خود مجبوریم به فرحزاد برویم و به دو برابر قیمت اجناس مورد نیاز خود را تهیه کنیم".

* * *

آرشو اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

خرج قالیچه می یافت . او که در حال حاضر در شرکتی بعنوان مونتاز کسار
و یا دستمز ۲۰۰ تومان در ماه استخدام شده بود ، از گران بی شدت شکایت
داشت و میگفت که فقط ۵۰۰ تومان هر ماه کرایه خانه میدهد .

* * *

اخراج کارگران کارخانه کارتن سازی ایران

این کارخانه که در جاده قدیم کن نزدیک تهران واقع شده ، قدیمی ترین
و بزرگترین کارخانه کارتن سازی در تهران بشمار میرود . صاحب آن یک سرمایه
دار صهیونیست بنام قرین راد میباشد . وی در اسرائیل در رشته باغداری سر-
مايه گذاری کرده و مدتی از سال را در آنجا بسر میرود .

در این کارخانه حدود ۴۰۰ کارگر در دوشیفت کار میکنند . از اوائل پائیز
۵۶ کارگران باین فکر میافتند که از قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی بسفله
داده کرده (۱) ، کارفرما را وادار کنند سهامی را که باید به کارگران عرضه
شود بمعرض فروش بگذارند و در غیر اینصورت مبلغی متناسب با تعداد سهامی که
هر کارگر می تواند خریداری کند ، مابه التفاوت قیمت واقعی (معاملاتی) و قیمت
اسمی هر سهم نیز در آن منظور شده به کارگرانی که مشمول این قانون میشوند ،
بپردازد (قیمت واقعی سهام حدود سه برابر قیمت اسمی آنها است) . کارگران
که در آغاز به موفقیت خود امید بسیار داشتند از طریق وزارت کار ، دربار و
تلگراف به ولیعهد اقدام کردند که طبیعتاً نتیجه ای نداشت . پس از این جر-
یان کارفرما اقدام به اخراج کارگران با سابقه نمود . طی دو ماه (آذر و دی)
کلیه کارگرانی که بیش از سه سال سابقه کار داشتند و تعدادشان بیش از ۲۰۰
نفر نبود ، اخراج شدند . کارفرما با توجه به سابقه کارگران از ۸۰۰۰ تومان تا
۵۰۰۰۰ تومان بآنان پرداخت .

(۱) - قانون " گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در سال ۵۴ بعنوان
اصل چهارم انقلاب سفید " و بهمهراه اصل سیزده (مبارزه با گرانفروشی) ، از
جانب رژیم ضد خلقی شاه وضع گردید . مطابق قانون مزبور ۴۹٪ از سهام کار-
رخانجات و مؤسسات بخش خصوصی و ۹۹٪ از سهام کارخانجات و مؤسسات
بخش دولتی ، به بازار عرضه شده و بمعرض فروش گذارده میشود . این قانون
از طرفی به تبعیت از سیاستهای ضد توری رژیم که بخشی از آن از طریق جذب
پس اندازهای کوچک جهت کاستن حجم پول در گردش و پائین آوردن میزان

تکمیل خبر اعتصاب کارگران پالایشگاه اصفهان

طبق خبر دیگری که بدست ما رسیده، کارگران پالایشگاه در رابطه با خواستهای اقتصادی و بطور مشخص مزایای کارگری (حق بیمه، سود ویژه، امکانات رفاهی مانند سرویس ایاب و ذهاب و غیره) دست به اعتصاب زده اند. مشخصترین خواست آنها این بوده است که زمان رفت و آمد جزء زمان کار محسوب شود. خبر مزبور اضافه میکند که در پالایشگاه نفت اصفهان ۲۰۰ الی ۳۰۰ کارگر آبادانی کار میکردند و این گروه از کارگران که دارای اسبابی مبارزاتی بوده اند، اعتصاب را آغاز مینمایند. آنها کارگرانی را که با اعتصاب مخالفت میکردند، در حالیکه مسلح به میلههای آهنی بودند، تنبیه کرده و پس از آن جمع کردن اکثریت کارگران به تخریب کارگاهها و در و پنجرهها میپرد ازند و سپس به شهر میروند. گفته میشود که کارگران قبل از اقدام تمام وسایل ارتباطی را از بین میبرند تا امکان تماس گیری با پلیس وجود نداشته باشد.

*

*

*

— صرف اعمال میشود. و از سوئی دیگر در رابطه با ضعف مدیریت دولت در اداره مؤسسات و کارخانجات وضع گردید. بوروکراسی ناسد دولتی در مدیریت صنایع همواره با اشکالات و نارسائیهای عمده ای مواجهه بوده و از اینرو "تاجر بد" لقب گرفته است.

عواقب ناشی از شکست بوروکراتیک اداره صنایع بیرویه در شرایطیکه دولت با بحرانهای حاد و دامنگیر اقتصادی روبروست، ابعاد گسترده ای یافته و نتایج زیانبار و به همراه میآورد. قانون مزبور این امکان را همواره فراهم میآورد که دولت در چنین مواقعی بخشی از سهام صنایع دولتی را بی بازار عرضه نموده و به بخش خصوصی واگذار نماید و بدین ترتیب در کوتاه مدت اثرات و نتایج زیانبار آنرا بسیزان قابل ملاحظه ای از خود دور نماید.

«د و خبر نیل ب نقل او تمیید» نشریه «دار و دسته» کمیته مرکزی... با
 حذف ناپاره‌های مطالب نادرست و اغراق آمیز آورده شده است :
اعتصاب نامه رسانان و کارکنان اداره پست تهران

پس از بی اعتنائی مسوئ لین اداره پست نسبت به خواسته‌های نامه رسانان و کارکنان ، از روز دوشنبه . (بهمن نامه رسانان دست به اعتصاب زدند و د و روز بعد کارکنان اداری پست نیز به اعتصاب پیوستند . پیش از آغاز اعتصاب کارکنان پست کوشیدند با وزیر پست و تلگراف که برای بازدید به اداره آمده بود تماس گرفته و خواسته‌هایشان را مطرح کنند ، ولی وی حاضر بصحبت نشد . بعد از شروع اعتصاب وزیر برای خاموش ساختن جریان و مذاکره به اداره آمد . این بار این اعتصابیون بودند که حاضر به گفتگو با وزیر نشدند . آنها می‌گفتند :
 « ما با وزیری که مشکلات ما کاری ندارد ، حرفی نداریم » . یکی می‌گفت « او (وزیر) میداند که من با چندین سال سابقه کار ، هنوز باید با زن و بچه‌هایم زیر چادرهای خیابان شوش زندگی کنم » . نامه رسانی می‌گفت « شب عید نزدیک است ، اما من با ۲۰۰ تومان حقوق که خرج یکروز این آقایان هم نمیشود .
 چه جوابی به زن و بچه‌هایم که از من لباس و کفش میخواهند ، بدهم » . دیگری می‌گفت « بچه‌هایم هر شب خرجینم را برای پیدا کردن میوه و ارسی میکنند و من همیشه از آنها شجالت میکشم . آخر چطور با ۲۰۰ تومان که نصفش را بابت کرایه اتان میدهم ، می توانم پرتال کیلویی ۳۵ ریال یا سیب کیلویی ۶۰ ریال بخرم » . از اعتصابیون خواسته میشود ۱۰ نفر را از میان خود بعنوان نماینده برگزینند ولی آنها که با شیوه‌های تهدید و تلمیح مقامات اداری آشنا بودند تصمیم میگیرند که خواسته‌ها از جانب همه مانع شود . تقاضاهای نامه رسانان و سایر کارکنان پست عبارت بود از : افزایش حقوق و احتساب ۶ سال سابقه کار ۱۵۰۰ نفر از نامه رسانها که در سال ۴۹ استخفام شده و سال ۵۶ رسمی شده بودند . بی آنکه سوابق کارشان بحساب آید . افزایش هزینه پرداخت بابت بنزین و نگهداری موتور سیکلت ها و نیز پرداخت کامل حق لباس (که ظاهرا سال ۵۶ قصد داشتند آنرا بالا بکشند) .

اعتصابیون تا ۱۰ ایفند به مسوئ لین فرصت دادند که خواسته‌هایشان را عملی نمایند و مقامات میبویطه این مهلت را رسماً پذیرفته‌اند . کارکنان پست اعلام داشتند که اگر تا پایان مهلت مقرر ، کمیته خواسته‌هایشان تحقق نیابد ، د و باره دست از کار خواهند کشید .

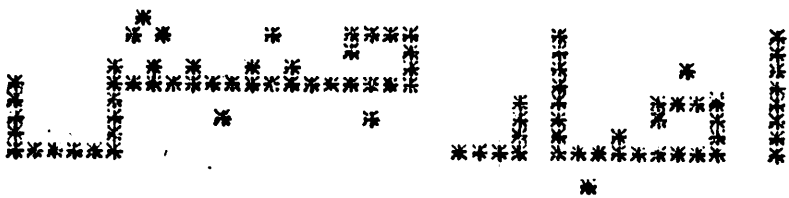
اعتصاب کارگران دختانیات تهران

اعتصاب دو هزار کارگر دختانیات تهران که از صبح دوشنبه ۱۷ بهمن آغاز شده بود، سرانجام پس از سه روز با تعهد کارفرما مبنی بر انجام خواسته ها آنها پایان یافت. مهمترین خواست کارگران تجدید نظر در جدول حقوقی آنهاست، که کارفرما برای برآورده کردن آن مدت کوتاهی وقت خواسته است. دختانیات در سال ۴۶۹۲ میلیون ریال درآمد داشت که در سال بعد به رقمی بالاتر از ۹۵۹۴ میلیون ریال رسید.

*

*

*



در حدود ساعت ۵ صبح روز جمعه ۱۱ آذر ۵۶ بمب نسبتاً نیرومندی در
شهرداری منطقه ۱۲ (شهرری) منفجر شد. این عمل توسط سازمان
چریکهای فدائی خلق انجام شد و اعلامیه توضیحی آن نیز پخش گردید. در
این انفجار شیشه های شهرداری و ساختمانهای مجاور و روبروی آن (کلانتری
بانک، مسجد فیروز آبادی و... خرد میشود. قبل از انفجار این بمب موزون
بوسیله تلفن به اطلاع نگهبانان رسید. بطور کلی این عمل مورد توجه کارگران
ساکن شهرری قرار گرفت و جزئیات آن مورد بحث آنان بود و اکثراً این عمل
را ببرد می که خانه هایشان توسط ماموران شهرداری تخریب شده بود نسبت
میدادند. تنها کسی که در این زمینه آگاهی داشت، کارگر میانسانی بود
که قبلاً دستفروشی میکرد و در حال حاضر نیز در اوقات فراغت بهمین کار
میزرد. او ضمن اشاره به ناآرامی دانشگاهها میگفت: "عده ای هستند
که بخاطر مردم مبارزه میکنند و حاضرند از جان خود نیز بگذرند". این
کارگر میکوشید کارگر دیگری را که مخالف اینگونه عملیات و طرفدار شیوه های
مسالمت آمیز بود با خود هم عقیده کند. در بین کارگران ساکن شهرری کما-
فی هستند که بیش از چهار بار خانه هایشان توسط مامورین تخریب شده است.

* * *

چند خبر از تبریز

روز عاشورا (۳۰ آذر) در خیابان فرح و چند نقطه دیگر بطور وسیع اعلامیه
رفتای فدائی در مورد خارج از محدوده پخش شد.
روز ۱۵ بهمن ساعت ۱۱ صبح بمب در اداره دارائی منفجر شد. بلافاصله
پس از انفجار رهای اداره را بسته و مانع ورود افراد به آنجا شدند. در این
روز روبروی اداره دارائی در مسجد "شازده" مراسم نیایش بهمناسبت ۱۵ بهمن
برگزار بود.

* * *

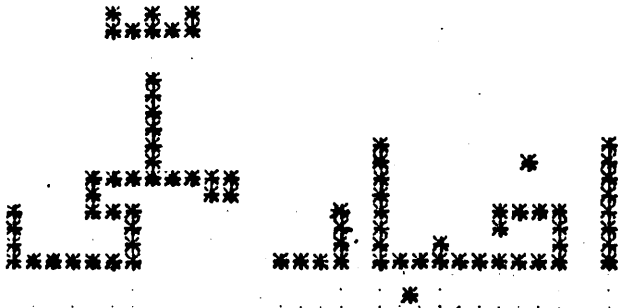
در خرم آباد اعلامیه ای به امضای گروه "مبارزین لر" پخش شده است. این
گروه خود را مارکسیست - لنینیست و طرفدار مبارزه مسلحانه معرفی کرده اند.
همچنین گفته میشود که اخیراً مرکز ژاندارمری خرم آباد مورد حمله عده ای

قرار گرفته و سلاحهای موجود در آنجا هادره شده است . همان شب یکی از سینماشای شهر نیز توسط مردم به آتش کشیده میشود . چند شب بعد مزدوران ساواک با حمله به چند نقطه شهر ، در حدود ۲۰ نفر را دستگیر میکنند .

* * *

اخیرا اعلامیه ای از سوی "سازمان چریکهای فدائی خلق" بمناسبت تظاهرات خونین قم انتشار یافته که متن کامل آن در ضمیمه است . اعلامیه از طرف گروه هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق و نیز در اعلامیه از جانب یک گروه مبارز با عنوانهای "شورش تبریز و ورشوکتگی سازشکاران" و نیز "مانور عقب نشینی و عقب نشینی در اصول" انتشار یافته که متن کامل هر سه اعلامیه در ضمیمه آورده شده است .

* * *



مردم مرنده در تاریخ ۱۷ آبانماه ۵۶، بعنوان اعتراض به عدم توجه مقامات صو^ل به وضعیت جاده^۱ تبریز-مرنده دست به تظاهرات زدند.

جاده^۲ تبریز-مرنده جاده^۳ پاریکی است که در منطقه^۴ «پام بعد از پیچ پام یکباره با شیب تندی به سمت مرنده سرانبر شده و وارد میدان شهر میگردد.

رانندگان تریلرهای خارجی (و همچنین رانندگان ناآشنای ایرانی) به علت عدم آشنائی با این وضع، درحالیکه سرعت در جاده^۵ تبریز-مرنده در حرکت می-باشند، بعضی مواجه شدن با این شیب تند و ورود به شهر نمیتوانند خود را کنترل کنند و با همان سرعت وارد شهر میشوند و موجب تصادف و... میگردد.

بهین علت تا کون در میدان ورودی مرنده تصادفات زیاد روی داده و سا-ختمانه^۶ایش در هم کوبیده شده^۷، بطوریکه ساکنان حوالی میدان عموما به محل دیگری نقل مکان کرده اند. تا کون در این حوادث دهها نفر از مردم بیگناه بکام مرگ کشانده شده اند. ساکنین شهر، با بحال اعتراضات زیادی راجع به این مسئله به مقامات صو^ل نموده و درخواستهای متعددی برای ترمیم و تعمیر جاده کرده اند که هر بار نیز با وعده و وعید سر و ته قضیه را بهم آورده و طبق معمول هیچگاه این وعده ها، صورت عمل بخود نگرفته اند.

در تاریخ ۱۵ (یا ۱۶) آبان یک تریلر که از پام بسوی مرنده در حرکت بود، وقتی با شیب تند منتهی بمیدان مرنده مواجه میشود، راننده به سرعت پا روی ترمز می-گذارد که بدلیل سرعت زیاد، ترمز می-برد و تریلر ابتدا با یک اتوموبیل تصادف کرده و سپس ضحرف شده با دو اتوموبیل سواری و یک دستگاه موتور سیکلت پارک شده در کنار خیابان برخورد مینمایند و وارد یک مغازه^۸ خوار و بار فروشی میگردد. یک نفر در این حادثه کشته و چند تن مجروح میگردد.

پس از این تصادف، مردم در اول جاده^۹ مرنده جمع شده و با نشستن روی جاده^{۱۰} مانع از حرکت اتومبیلها میگردد و باین ترتیب اتومبیلهای زیادی در دو طرف جاده متوقف میگردد. راننده های ایرانی و خارجی وقتی از علت تظاهرات اطلاع حاصل میکنند، خود نیز به صف تظاهرکنندگان می-پیوندند. وعده های مقامات محلی و حتی حضور استاندار در محل وعده و وعید کنی-تواند موجب بهم خوردن تظاهرات بشود، چرا که تظاهرکنندگان خواستار تضمین کافی در این مورد میگردد.

تظاهرکنندگان عاقبت با حمله^{۱۱} واندازمها و نیروهای ویژه رژیم استفرق میگردد.

در تکمیل گزارشی که از تظاهرات روز عاشورا در نقاط مختلف تهران و نیز شهرستانها در خبرنامه ۴ داشته ایم. اخبار ذیل را از " فجر انقلاب " نشریه دانشجویان مبارز مسلمان" (۱) نقل می نمایم:

تهران - آنروز (۳۰ آذر) سه گروه از دانشجویان در بازار و خیابانهای اطراف آن بتظاهرات پرداختند. ساعت ۱۱ اولین دسته از دانشجویان که تعدادشان نزدیک به ۳۰۰ نفر بود وعده ای از مردم آنها را همراهی میکردند، در مسیر خیابان مولوی - میدان شاه - سه راه امین حضوره بادارن شعارهای سیاسی بتظاهرات پرداختند. گفته میشود مردم گوسفندی مقابل پای آنها قربانی کردند. در همانزمان گروه دوم از دانشجویان که عده شان به

(۱) - شماره اول نشریه مزبور در تاریخ اول دیماه ۵۶ منتشر شده است. قسمت اول آن به شرح تظاهرات روز عاشورا در تهران و شهرستانها اختصاص دارد و سپس پیام سیزدهمین نشست (نشست شریعتی) اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا به دانشجویان و محصلین مسلمان مبارز ایران (در تاریخ مهر ۵۶) ذکر گردیده است (اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان عهدنا از نیروهای فرمبست مذهبی تشکیل شده که در برابر تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان عکس العمل های ارتجاعی نشان داده اند) . در قسمت دیگر نامه سرگشاده دانشجویان مدرسه عالی کمپوتر به نخست وزیر درج گردیده است. در این نامه دانشجویان نسبت به انحلال مدرسه توسط شورای گسترش آموزش عالی. اعتراض نموده و اعلام کرده اند: درحالیکه تعطیل کلاسها عکس العمل منطقی دانشجویان در برابر اعمال خلاف قانون بسولین و با رعایت حفظ نظم و آرامش بوده، نمی بایست چنین رفتاری از جانب مقامات و پلیس صورت میگرفته است (۱) . در بخشهای دیگر خلاصه ای از اعلامیه یک گروه مذهبی در مورد سفر کارتر به ایران درج گردیده که ضمن آن به ارتباط مستقیم این دیدار با وابستگی همه جانبه رژیم مزدور شاه به امپریالیسم اشاره شده است. مقاله دیگری نیز از دانشجویان مبارز مسلمان " تحت عنوان " بازتاب سفر کارتر به تهران " درج گردیده که ضمن آن پس از محوم کردن وابستگی سیاسی و اقتصادی ایران به آمریکا، چند خنجر در مورد تظاهرات دانشجویان بنسبیت ورود کارتر آورده شده است.

۲۵۰ نفر میرسید در مسیر شمر العماره ، میدان سپه ، امیر کبیر و سرچشمه
بتظاهرات پرداخته و پس از درگیری با گارد در انتهای خیابان امیر کبیر
پراکنده شدند . حدود ساعت ۱۲ و ۱ بعد از ظهر ، گروه سوم دانشجویان
بیان که نزدیک به ۲۰۰ نفر بودند ، تظاهراتی برپا کردند . بعلاوه جو پلیسی
منطقه . تظاهرات این دسته تا اوم نداشت و با دخالت پلیس قطع شده و
مجدداً شروع گردید . ضمن درگیری با مأمورین ، دانشجویان یک قبضه سلاح
را از مزدوران صادره کردند . تظاهر کنندگان پرچمهای سفیدی در دست
داشتند که روی آنها به خط قرمز نوشته شده بود : " ما خواستار بازگشت
رهبران امام خمینی هستیم " ، " ما خواستار آزادی زندانیان سیاسی هستیم " ،
" ما خواستار آزادی مجاهدان کبیر آیه الله طالقانی و آیه الله منتظری هستیم " ،
" مبارزه با حجاب در دانشگاهها از برنامه های ضد اسلامی رژیم است " ،
" تمام طرحهای دولت دروغ است " .

شعارهای دانشجویان در تظاهرات فوق عموماً بطرفداری از آیه الله خمینی
بود .

قسم - ساعت ۱۱ صبح در دسته از عزاداران ضمن حرکت از میدان آسفا
بسوی حرم ، شعارهای مذهبی را قتل کرده و بدادن شعارهایی نظیر " مرگ
بر انقلاب سفید " ، " درود بر خمینی " ، " مرگ بر حکومت یزیدی " و . . .
پراختند و وارد حرم شدند . با دخالت مزدوران گارد . تظاهر کنندگان از
درجنوبی صحن بطرف خیابان ارم و سپس بسوی سه راه بازار حرکت نمودند و به
دادن شعار پرداختند . با شلیک تیرهای هوایی پلیس ، تظاهرات پس از
یکساعت خاتمه یافت .

شیراز - عده ای که پیشاپیش آنها دختران مذهبی حرکت میکردند و
اسامی ۷۲ تن شهدای کربلا را بر سر دست گرفته بودند . در میان جمعیت
عزادار با دادن شعارهای ضد رژیم به تظاهرات پرداختند . تظاهر
کنندگان پس از طی خیابان احمدی وارد میدان احمدی (میدان شاه چراغ)
شدند .

آنروز در شهرهای فسا ، لار و کازرون نیز تظاهراتی در گرفت .

اصفهان - صبح عاشورا عده ای در بازار و خیابان مسجد سیب
تظاهراتی برپا نمودند . تظاهر کنندگان که پلاکاردهایی را با خود همراه
داشتند ، با

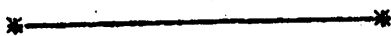
تجف آباد - در اطراف باغ ملی (محلّی که دسته‌ها معمولاً صبح عاشورا در آنجا تجمع میکنند) ، عده‌ای بتظاهرات پرداخته و شعار "درد بر زمین و منتظری" (۱) پراکنند. در این جریان میان مأمورین و تظاهرکنندگان درگیری بوجود آمده و طی آن رئیس‌شهریانی و نیز تعدادی از مردم مجروح میگردد.

شاهرو - روز عاشورا در اطراف میدان مرکز این شهر، تظاهراتی صورت گرفت. تظاهرکنندگان فریاد میزدند: "ظلم و ستم بقا ندارد و...". تظاهرات مردم زفول - آقای کیاوش (سخنران مذهبی) در ایام محرم بدعوت یکی از مساجد زفول به آنجا رفته بود. ولی توسط "نبوی" مجتهد مرتجع معروف زفول که ساواکی نیز هست از سخنرانی او ممانعت بعمل می‌آید. در نتیجه آقای کیاوش پس از بازگشت به قم، فرد دیگری بنام آل اسحاق را بجای خود به زفول میفرستد. آل اسحاق طی سخنرانیهای خود به افشای ماهیت ارتجاعی نبوی می‌پردازد. در شب سوم سخنرانی که صادف با شب هشتم محرم بود، پس از پایان سخنرانی مردم دسته‌جمعی بسمت منزل نبوی حرکت کرده و ضمن دادن شعارهای ضد رژیم و دستشام به نبوی مرتجع، شیشه‌های منزل و اتوبیبل بنز نیم میلیون تومانی را و را خرد می‌کنند. تظاهرکنندگان سپس در شهر برآه افتاده و به شعار دادن می‌پردازند و شیشه بانکهای مسیر را با سنگ خرد می‌کنند. در بین راه یکی از تظاهرکنندگان هر روز شانه دیتران رفته و برای مردم سخنرانی می‌کند. روز بعد نیز گروه‌های کوچکی از روشنفکران و دانشجویان (مذهبی و غیرمذهبی) ضمن برپا نمودن تظاهرات در خیابانها به شعار دادن و شکستن شیشه‌های بانکها می‌پردازند. روز عاشورا حدود ۵۰۰۰ نسخه اعلامیه در نقاط مختلف شهر بخصوص در مسیر دسته‌ها پخش و پدیوار نصب میشود.

علیرغم کوشش پلیس در جمع‌آوری اعلامیه‌ها، بسیاری از مردم موفق به دیدن و خواندن اعلامیه‌ها شدند.

خبر دیتری حاکیست که در این سه شب از ساعت ۱۱ بعد از حکومت نظامی اعلام شده و هر کس که در خیابان دیده میشود. توسط نیروهای مزدور پلیس به کلانتری جلب میگردد. همچنین گفته میشود که برای کنترل شهر از

نیروهای پاپس سایر شهرستانها مانند اهواز و شوشتر استفاده شده است .
 تظاهرات مذهبی در شوشتر و الیگودرز - در ایام عاشورا
 گروه های مذهبی در شوشتر و الیگودرز دست به تظاهرات زدند . در شوشتر
 که توسط واحد های ژاندارمری اداره و کنترل می شد (تمام نیروهای شهر بانی
 طبق خبر قبلی به رزول رفته بودند) ، یک مسجد محاصره و حدود ۲۵۰ نفر
 دستگیر شده اند . در الیگودرز نیز در جریان یک تظاهرات خیابانی ۲۷ نفر
 دستگیر شده اند . تظاهر کنندگان در هر دو مورد شعارهایی در مورد باز
 گشت آیه الله خمینی میداده اند . از وضع دستگیر شدگان اطلاعی در دست
 نیست .



بناسبت نزدیک شدن عاشورا ، علامه ای با سرآغاز " گل یوم عاشورا ،
 گل ارض کربلا ، گل شهر محرم " (هر روز عاشورا ، هر زمین کربلا و هر ماه محرم
 است) ، انتشار یافته است . علامه بدنبال مقدمه ای کوتاه راجع به انقلاب
 حسینی . شعری با عنوان " محرم " که رفیق شهید سعید محسن آنرا در زندان
 سروده است ، آورده و سپس با شعارهای ذیل خاتمه می یابد : " ننگ و نفرت
 بر رژیم یزیدی شاه " ، " برقرار باد جهاد مسلحانه خلق " ، " پرشکوه
 و افرشته باد پرچم سرخ انقلاب توحیدی حسین " .

*

*

*

روز ۱۲ دیماه ۱۳۵۵ ، در روزنامه جیره خوار اطلاعات مقاله ای تحت عنوان "ایران و استعمار سرخ و سیاه" منتشر شد که در آن اتهامات و اهانتها سی به آیت الله خمینی نسبت داده شده بود . این اقدام کتیف و شرم آور که موجب بروز اعتراضات شدیدی در میان توده های خلقی در گوشه و کنار ایران گردید ، در شهرستان قم از شدت بیشتری برخوردار بود که با دخالت مردم ویران وحشی رژیم شاه و کشتار درها و مجروح ساختن صدها تن از مردم غیرور و هیاز سرکوب گردید .

روز بعد از انتشار مقاله کدائی در روزنامه مردم در اطلاعات ، روحانیون مبارز ابتدا مقاله فوق را در مطبوعات علمی بر روی دیوار نصب نمود و سپس کلاسهای درس را تعطیل کردند .

ساعت ۹ صبح مردم به سمت منزل علماء و مراجع تقلید راه افتادند تا در مورد نحوه موضعگیریشان در برابر این اقدام ضد خلقی کسب تکلیف کنند . آنها ابتدا به سمت منزل آیت الله گلپایگانی حرکت کردند که در بین راه مردم حمله جدیدی ۱۰۰۰ مردم بر بانوم بدست قرار گرفتند که قصد متفرقی کردن جمعیت را داشتند . علیرغم این حمله ، جمعیت به مسیرش ادامه میداد و به منزل آیت الله میرسد . آیت الله گلپایگانی ضمن محکوم کردن اقدام رژیم بر علیه آیت الله خمینی ، درباره تغییر مبدأ تاریخ نیز میگوید : " ماه مجلسین تلگراف کردیم ولی آنها توجهی نکردند " . جمعیت سپس به جانب منزل آیت الله شریعتی اری حرکت میکنند که در راه مجدداً با تعدادی از مردم رژیم که بوسیله سرهنگ جولادی ، معاون شهرداری قم و سروان افاضلی رهبری میشوند ، درگیر گردیدند . مردم ویران مردم را وحشیانه و بیخند کشت و مریض و مساخته و حتی گفته میشود با تراکتوری که مجهز به تیغه بولدوز بود و مردم حمله کرده و عده زیادی را مجروح کردند . بهر حال علیرغم آنکه مردم ویران پامیس مریض میشوند مردم را متفرقی سازند ، ولی آنها بطور پراکنده در منزل آیت الله حضور پیدا میکنند . پس از مدتی آیت الله برای مردم سخنرانی می کند و ضمن صحبت اخبار ضحکمه را محکوم کرده و میگوید : " ظم در دست ما نیست ، آنها هرچه بخواهند میکنند " . آنگاه مردم به خانه های خود مراجعت کرده و ساعت ۳ بعد از ظهر دستفروخته در منزل آیت الله مرفقی جمع میشوند و پس از سخنرانی آیت الله ، مردم

از آنجا بمنزل آیت الله حائری میروند که آیت الله از صحبت امتناع میکند !
 مردم در موقع خروج از مسجد ، در خیابان با راه بندان و حمله شدید
 پلیس مواجه میگردد . در جلو مدرسه خان يك افسر و يك پاسبان یکی از طلاب
 را مضروب میکنند . طلبه ای که از طبقه دوم ساختمان این صحنه را مشاهده
 میکرد ، هدف گلوله قرار گرفته و بروی سنگفرش خیابان سقوط میکند و شهید
 میگردد . طلاب دیگر با سنگ به پلیس حمله میکنند و گلاهِ همان افسر را که
 از سرش افتاده بود با نفت به آتش میکشند و بسختش پرتاب می کنند .

صبح روز بعد ۱۹ دی ، مردم دوباره جمع شده بسمت خانه علامه طباطبائی
 حرکت میکنند . پس از سخنرانی آیت الله طباطبائی و بیزدی ، مردم که عده -
 شان بیش از چهل هزار نفر بود ، بطرف منزل آیت الله روحانی رفته و سپس
 از شنیدن سخنرانی وی ، در صفوف فشرده و منظم ، بسوی بازار قم حرکت
 میکنند و از آنجا ساعت ۱ بعد از ظهر بمنزل آقای وحید خراسانی رفته ، بعد
 از شنیدن سخنرانی ، داماد آقای خزعلی بسمت مدرسه امیرالمؤمنین بحرکت
 در می آیند . مردم پس از استماع سخنان آقای ناصر مکارم شیرازی بمنزل آیت
 الله نوری رفته و سخنان وی را شنیدند و سپس بقصد منزل آقای مشکینی از خیابان
 ارم بسمت خیابان صفائیه حرکت کردند . در این ضمن شیشه های چند بانک و
 دفتر حزب رستاخیز نیز شکسته شد . پلیس مزدور که تا کون چندین بساط
 جسته و گریخته بمردم حمله کرده بود با گماندهای کمی از تهران ،
 ابتدا با باتومهای بلند وحشیانه بسوی مردم بیدفاع حمله برده و با ضربات
 باتوم و شلیک تیرهای هوایی مردم را به دستجات مختلف پراکنده نمودند و وقتی
 دیدند باین ترتیب نمیتوانند کاملاً مردم را متفرق نمایند ، مردم بیدفاع را به
 رگبار گلوله بستند و در این برخورد حتی زنان و کودکان را نیز بی بهره نگذاشتند !

تعداد شهدا^۱ این فاجعه را از ۵۰ تا ۲۵۰ نفر ذکر کرده اند که با توجه
 به شواهد و گزارشات متعدد در قم ۷۰ - ۶۰ کشته درست تر بنظر میرسد . گفته
 میشود که در خیابان رژیم بلافاصله شروع به جمع آوری اجساد می نمایند و در شهر
 حکومت نظامی اعلام میگردد (۱) . اجساد شهدا به بیمارستان کامکار منتقل

(۱) - در این گیرودار عده ای از مردم موفق میشوند ، تعدادی از اجساد
 شهدا را بمنزل مراجع برده و به علما نشان دهند تا شاید
 آرشیف اسناد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 www.peykar.org

مشهور و صبح فردا در جواب عده ای که خواستار اجساد بستگان خود بودند،
 بیهانه اینکه اجساد بهتران منتقل شده از تحویل آن خود داران مینمایند .
 در این واقعه خونین تعداد زخمیها به صدها نفر میرسد . تعدادی از بیماران
 در رستگاریها بدستور سروسپردگان شاه جلازاد از پذیرفتن مجروحین خود داری میکردند
 و آنهایی را هم که می پذیرفتند ، پلیس مزدور با زیر پا گذاشتن ابتدائی
 ترین حقوق انسانی ، مانع از رساندن خون از سوی بستگانسان بدانها میگردید .
 چه بسا مجروحینی که بدلیل عدم پذیرش بیمارستانها و یا نرسیدن خون یسه
 آنها ، بشهادت رسیدند .

بدنبال فاجعه قم از طرف محافل و گروهها و عناصر مترقی و آزادخوار ،
 رژیم آدامکش شاه یکبار دیگر مورد محکومیت قرار گرفت . ما در زیر به گوشه ای
 از موضعگیریهای این مجامع و عناصر اشاره میکنیم :
 علما و وعاظ تهران . طی اعلامیه ای اعمال رژیم را محکوم نموده و ضمن
 شمردن جنایات رژیم در قم اعلام کردند که روز ۲۹ دیماه پس از نماز مغرب و
 عشا در مساجد بیاس احترام بشهادت ای قم . مجالس بزرگداشت و ترحم منعقد
 می باشد .

اعلامیه ای باضای ۱۲۱ تن از علما و وعاظ منتشر شد که در آن ضمن
 محکوم کردن مقاله مندرج در روزنامه جیره خوار اطلاعات ، تظاهرات مردم
 قم را تحسین نموده و عکس العمل وحشیانه و ضد انسانی مقامات رسول را در
 مقابل این تظاهرات محکوم کردند .

اعلامیه ای باضای بازاریان تهران منتشر شده که در آن آمده است : " پیکار
 دیگر ملت ستمدیده ایران . با تمام وجودش ، پستی و درنده خوئی رژیم
 دست نشانده پهلوی را لمس کرد . بهترین فرزند ان خلق مسلمان ایران در
 قم با ندای " خمینی ، خمینی " و " مرگ براین حکومت یزیدی " در خون خود
 غلطید . و بشهادت رسیدند و پیاره ای اسپر شدند . اما کلوله دشمن نتوانست
 فریاد حقشان را در گلو خفه کند . فریادی که از گلو خونین مردم آزاده تبریز ،
 شیراز ، مشهد ، اهواز و سایر شهرستانها پر شکوهتر طنین افکند و پشت

← این آقایان که چشم و گوششود را ببری اینهمه جنایات رژیم فرو
 می بندند و حاضر نیستند حتی در قبال چنین گشتاری از مردم بیگناه یک
 اعتراض جدی به رژیم شاه مزبور بکنند ، پیدا اشود . که گویا هنوز چنین

دشمن خدا را بلرزده در آورد. اعلامیه می افزاید: "یکبار دیگر سارده اند پنهان سارده گزین، چهره، درخشی رژیم را عیان دیدند، تا باز هم نگویند گرسنه هاید شده است" و در آخر نیز اعلام داشته اند که از روز چهارشنبه ۲۸ دیماه تا آخر هفته بازار را تعطیل مینمایم، تا "صمدا با همه ملت داغدید" ایران فریاد اعتراض خود را بلند کنیم تا شاه و حزب سر نیزه اش بداند که فریاد حق با گلوله خاموش نمیشود."

اعلامیه ای باضای ۳۰ تن از اساتید قم منتشر شده که در آن چنین آمده است: "جمعیت بهنگام حرکت بطرف منزل برخی دیگر از اساتید، با آنکه در کمال نظم و آرامش بودند، ناگهان مورد حمله کماندها و مامورین مسلح دولت قرار گرفتند و آنان بدون کمترین بهانه ای آتش بروی مردم بی گناه گشودند به کوچک و بزرگ رحم نکرد، حتی کودکان و نوجوانان را مورد یورش و حمله خود قرار دادند و اولین فدایی یک کودک سیزده ساله بود... و در بنجای دیگر می نویسد "تا روزهای بعد در قسمت عده شهر، حتی به عابرین بدون جهت حمله نموده، آنان را مشروب می ساختند. اعلامیه ادامه میدهد: "آیا اینست معنای آزادی و دموکراسی و طرفداری از حقوق بشر که هیئت خات که از آن دم میزند؟ آیا اینهمه جنایت و خونریزی را که در این چند روز مامورین مسلح مرتکب شدند چگونه توجیه می نماید؟ آیا حمله مسلحانه و به آتش بستن عده های بیگناه که با کمال نظم و آرامش در حرکت بودند، طرفداری از حقوق بشر است؟ آیا فضای باز سیاسی همین است که اگر کسانی به مطالب غیر واقعی روزنامه اعتراض کنند، برابر گلوله قرار گیرند؟ آری... اعلامیه دیگری با عنوان پیام ۱۹ دی انتشار یافته که متن کامل آن در خبرنامه "درج گردیده است.

آنچه در این حرکتها و برخوردها جلب توجه می کند و واقعا جای تاسف است اینست که در تمام این مدت که مردم مبارز قم جهت ابراز انزجار از رژیم سرسپرده شاه و در عین حال کسب تکلیف، بمنزل علما و مراجع تقلید میرفتند هیچیک از این مراجع، موضع صریح و روشنی اتخاذ نکرد و حاضر نشدند بنه معرفی عاملان اصلی جنایت و افشای آنان پرداخته و اعتراض جدی بزرگنامه رژیم جنایتکار شاه و حامیان امپریالیستش که این کشتار خونین بدست او یا شان

← همچنین پیدا نشده و قطعا هم پیدا نخواهد شد.

و مزدوران آنان صورت گرفته بود بنمایند . جالب اینجاست که علیرغم خبردار شدن این آقایان از ضرب و جرح و حتی شهادت افراد بیگناه ، باز هم موجبی برای حرکت و اعتراض اصولی آنان - فراهم نمی شود و حد اکثر آنچه از سوی آنان بیان علما صورت گرفت تنها تاسف آنان از بوجود آمدن چنین برخوردی و شکایت پدیدرگاه خداوند بود !

در این میان تنها مرجعی که به افشا و معرفی عاملان اصلی این جنایت یعنی شاه ، خائن رژیم مغرور او و اربابان امریالیستش پرداخت ، آیت الله خمینی بود . وی در اعلامیه ای که به این مناسبت انتشار داده است (۱) ، با اتخاذ موضعی دموکراتیک و انقلابی مشخصا خواستار ناهودی رژیم سرسپرده به امریالیسم میشود . آیت الله خمینی در عین حال که خواهان وحدت نیروهای انقلابی ضد رژیم ملت ایران میگردد ، چنین وحدتی را تنها در جهت "قطع ایاری اجانب و نب و عمال وابسته" آنها جستجو میکند . وی در پایان به "آنها که از چهارچوب قانون اساسی دم میزنند" ، "تذکر اکید" میدهد که بدین ترتیب موجود - دیت رژیم فاسد صحنه نگذارند .

اعلامیه مذکور مشخصا ماهیت متفاوت خرد بهر روزوازی انقلابی و دموکرات را از لیبرالهایی که سازشکارانه در صدر تنزل هر چه بیشتر پتانسیل انقلابی مبارزات توده ها میباشند ، نمایان میسازد . در اعلامیههایی که از جانب این عناصر بنام سهبت واقعه قم انتشار یافته و خلاصه ای از آنها ذیلا آورده میشوند ، مواضع متزلزل و فرصت طلبانه بهر روزوازی لیبرال که مبارزات حق طلبانه و خونین مردم ایران را وسیله ای برای نیل به اهداف ضد خلقی شان قرار میدهند ، بنسب خوبی انعکاس می یابد .

"جامعه" بازرگانان پیشه وران بازار تهران "وابسته به" اتحاد نیروهای جنبه ملی "طن اعلامیه ای خواستار تعطیل شدن بازار ، در روز ۲۹ پناه (روز هفتم شهادی قم) می گردد و اضافه میکند : "ما از همه بازاریان آگاه می شویم که این تعطیل عمومی با نظم کامل و : انجام گیری تا کوچکترین فرصت اخلاکری و جاریته آفرینی برای دشمنان ملت باقی نماند" . ۲۷ پناه ۱۳۵۶

همچنین اعلامیه دیگری به امضا "اتحاد نیروهای جنبه ملی ایران" بنسب

(۱) - متن کامل این اعلامیه در ضمیمه آورده شده است : (خ . ن)

تاریخ ده هم بهمن پخش شده که در آن آمده است بعد از تعطیل شدن پارک زار بوسیله "جامعه" بازرگانان و پیشه وران . . . مامورین اتاق اصناف حجره ها و مغازه های پانزده نفر از مبارزین را بهبهانه های مختلف می بندند. اعلامیه ضمن محکوم ساختن این عمل، یادآوری می کند که یکپارچگی بازاریان توسط "جامعه" . . . نشاندهنده "ضرورت ایجاد اتحادیه های صنفی بر- ای سایر گروه های اجتماعی است.

کریم سنجایی نیز از طرف کمیته "ایرانی دفاع از حقوق بشر نامه ای به نخست وزیر نوشته و خواستار مجازات مسببین قم شده است .
"شیرید" ارکان دارودسته "کمیته مرکزی" . . . به مناسبت تظاهرات خونین مردم قم منتشر شده است که متن آن در خبرنامه "آ" آورده شد .



بدنبال حوادث خونین قم اعلامیه ای از جانب "جنبش مسلمانان ایران" انتشار یافته است. در این اعلامیه پس از اشاره به آنکه "آمریکا برای نابود ساختن زمینه های فکری و اجتماعی انقلاب سلححانه و تضمین منافع عظیم اقتصادی و استراتژیک خود در منطقه تغییراتی رونمایی در نحوه اداره مملکت را، خواهانست و اختلاف او با رژیم هرگز بیک درگیری که منافع و موقعیت او را متزلزل سازد منجر نمیگردد" به افشاکری رژیم مزدور شاه در زمینه وابستگی همه جانبه اش به امپریالیسم و صهیونیسم میرسد و اظهار میدارد: "سیاست تازه" آمریکا تعیین چند دلال عمده "سیاسی- نظامی" در هر منطقه از جهان است و شاه سگ به زنجیر بسته ای است که برای دیگر کشورهای وابسته به آمریکا مانند پاکستان و اردن و سومالی و عمان و . . . نیز دستور می گیرد. "اعلامیه بدنبال این مطلب اضافه می کند که شاه در مقابل همه این سرسپردگنها و . . . در فرونشاندن مبارزات مردم رنج دیده "ماشیوه" جد- یدی روی آورده و "بجای سرکوب مستقیم ملت که تا کون انجام میداد، اکنون با مهارت افراد و نیروها و صاحبان افکار مختلف را به جان هم می اندازد. " اعلامیه سپس به کشتار وحشیانه رژیم در جریان تظاهرات خونین قم می پردازد و اظهار میدارد که رژیم بدنبال این شیوه "جدید" به منظور بیان آوری قدرت همیشگی و نشان دادن این امر به مردم که حوادث اخیر جهانی تغییری در سیاست ترور و وحشت ناه ایجاد نکرده، اینچنین وحشیانه کشتار قنبرسم

را براه میاندازد .

۵

علامیه سپس اضافه میکند: "در شرایطی که جریانات روشنفکری و رفرمیستی عجز خود را از انجام هر اقدام موثر در چارچوب امکانات و باصطلاح آزادبهای داده شده ثابت کرده اند، ضعف آنها در ایجاد یک تشکل و اقدام موثر سیاسی و بسیج توده های نمرخس علیه استبداد و برای کسب آزادیهای قانونی آشکار شده است. راهی جز پیگیری و ادامه نبرد انقلابی با رژیم باقی نمیماند". علامیه در ادامه گفتار خود می افزاید که رژیم با راهنمایی سولیوان سفیر جدید آمریکا سعی در متلاشی ساختن شرایط ذهنی و روانی و پایگاههای ایدئولوژیک انقلاب مسلحانه دارد اما وضعیت آن ایجاب مینماید که اندک گاهشی در فشار و اختناق توده ها، خشمگین و در پیشاپیش آن نیروهای مترقی و آزادخواه را بسیدان اعتراض و عصیان سیاسی و اجتماعی وارد کند، که در صورت ادامه بسادگی می تواند به یک شورش و قیام عمومی تبدیل گردد و در چنین موقعیتی رژیم ناچار است شیوه های سرکوب و کشتار و قتل عام را دوباره زنده کند و در نتیجه علیرغم میل ارباب بار دیگر زمینه رشد روحیه انقلابی و حمایت از انقلاب مسلحانه در بین مردم فراهم میگردد .

علامیه در پایان خطاب به "برادران و خواهران مسلمان" چنین رهنمود میدهد که اقدامات نفاق افکنانه رژیم را برای از بین بردن وحدت فکری در بین نیروهای مسلمان مبارز و تجزیه پایگاه جنبش بی اثر سازند و با هر کوشش تفرقه آمیز و هرگرایش انحرافی که هدفش ایجاد تزلزل و تردید در ایمان راسخ آنها به جهان بینی و ایدئولوژی انقلابی اسلام است سرسختانه مبارزه نمایند. علامیه همچنین تاکید مینماید که مسلمانان میبایست با فشرده تر ساختن صفوف خود، فریب آزادیهای دروغین و ادعائی را نخورده و نیروها و سازمانهای خود را از دسترس دستبرد پلیس سفاک در امان نگاهدارند و هسته های تشکیلاتی مجزا و دور از چشم مأمورین دشمن پیشک نیروهای پیشرو مسلمان را پیش برده، در انشاع آگاهی انقلابی و اعتلاء روحیه انقلابی در بین توده های زحمتکش و نیروهای جوان و روشنفکر از هیچ کوششی باز نایستند و وحدت عمل و پیوند های خود را از طریق تکیه بر خطوط اصلی ایدئولوژی مشترک و خط مشی واحد مبارزه تعیین کنند .

علامیه همچنین از مسلمانان مبارز میخواهد که از بحثها و مناظراتی که موجب تزلزل و ایجاد شک و تردید و تفرقه در ایمان (۱) می شود بپرهیزند و بس

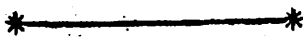
افزاید: " همانند گذشته مبارزه با رژیم را به هرگونه درگیری در منازعات گروهی واید نولوزیک مقدم شمرد و توطئه رژیم را برای سرگرم ساختن نیروهای مبارزه کنشکسهای جزه. خنثی و نقض بر آب سازید ، باتبلیفات مثبت و یکدک آگاهی دادن و تاکید بر روی مواضع فکری واید نولوزیک خط مشی جنبش ، زمینه را برای موفقیت اقدامات انحرافی ناموفق سازید "

اعلامیه با شعارهای زیر خاتمه مییابد: " پیروز باد وحدت و تشکل نیروهای انقلابی و اصیل مسلمان " " سرنگون باد رژیم خائن و ضد مردمی پهلوی " " دیماه ۱۳۵۶ "

" سازمان چ. فدخ " به پشتیبانی از تظاهرات خونین قم. اعلامیه ای منتشر نمود. این اعلامیه در ضمیمه آورده شده است. اعلامیه های از طرف روحانیون منتشر شده که در ضمیمه آورده شده است.



بدنبال تظاهرات باصطلاح ملی که از طرف رژیم برای مقابله با تظاهرات قم ترتیب داده شد ، مردم را از تهران (کارخانه ها و...) جمع کرده ویا اتوبوسهای شرکت واحد به قم بردند. یکی از این اتوبوسها که کارگران و مردم زحمتکش اطراف ورامین را حمل میکرد ، در جاده تهران-گرسار (جاده قدیم خرابان) سز یکه پیچ واژگون شد و عده ای زخمی گردیدند. ظاهرا قرار بود همان روز (احتمالا ۲۰ دیماه) به فتوای عده زیادی از روحانیون ، طلاب دست به تظاهرات و اعتراض بزنند. که رژیم پیشدستی کرده ، بسته اقدام ضد آن دست زد.



بازتاب تظاهرات خونین مردم قم در شهرهای مختلف

تبریز- طبق اخبار رسیده ، بازاریان تبریز بعنوان اعتراض به وحشیگریهای رژیم بدست یک هفته بازار را تعطیل میکنند و روز ۲۹ بهمن نیز میخواستند به مناسبت چهلمین روز درگذشت شهید ای قم مراسم عزاداری بپایانیند ، که رژیم مانع میگردد. (شرح کامل این جریان را در همین شماره ملاحظه خواهید کرد.)

اصفهان- بازاریان اصفهان بعنوان اعتراض بازار را تعطیل کرده و به عزاداری می پردازند.

شیراز - بازاریان شیراز نیز بمناسبت وقوع فاجعه قم ، بازار را بسته و با انجام تظاهراتی به وحشیگریهای رژیم اعتراض می کنند .

کازرون - روز ۲۹ بهمن ، مردم کازرون مغازه ها را تعطیل کرده و در خیابانها بتظاهرات می پردازند . در این تظاهرات مردم با مزدوران رژیم درگیری پیدا می کنند . مزدوران بسمت مردم بیدفاع تیراندازی کرده و حداقل چند نفر از تظاهرکنندگان شهید میشوند (بنابقولی ۶ نفر) . این جریان در تمام منطقه انعکاس پیدا می کند .

دزفول - روز ۲۹ بهمن . بمناسبت چهلمین روز شهید ای قم ، تظاهرات وسیعی در این شهر برپا شده و مردم قصد داشتند مجسمه شاه خائن را پائین بیاورند ، که با دخالت مزدوران رژیم موفق نمی شوند .

نجف اشرف - آیت الله خمینی و آیت الله خوئی طی اعلامیه های مدت یک هفته در سطح حوزه علمی و نماز جماعت را بعنوان اعتراض به وحشیگریهای رژیم تعطیل اعلام کردند . متن اعلامیه در ضمیمه آورده شده است .

زنجان - در دهه آخر ماه محرم ، در مسجد " آقاهاشم " زنجان ، یک روحانی جوان بنام غفاری نژاد (پسر آیت الله غفاری که در زندان وزیر شکنجه آد مکشان شاه به شهادت رسید) ، مجلس سخنرانی داشت . مجالس وی عموم ما با استقبال محصلین ، بازاریان و دانشجویان همراه بود . بعد از پایان ماه محرم بعزت ناتمام ماندن بحث ، قرار میشود تا چند روز دیگر نیز سخنرانی ادامه یابد . در طی مدت سخنرانی سه بار او را به شهرتانی احضار کرده و تذکر داده بودند که در صحبتهایش از حد خود خارج نشود . وی نیز هر سه بار در این مورد به افشاگری پرداخته و مسئله را روی منبر مطرح می سازد و میگوید : " بمن میگویند تو مردم را تحریک میکنی ، در صورتیکه من حقیقت را می گویم " تا اینکه خبر تظاهرات قم به زنجان میرسد و روحانی مزبور در سخنرانی خود ضمن صحبت از تظاهرات میگوید : " چرا پایستی مردم بی گناه و مردمی که حق خود را می خواهند و خواستار بازگشت آیت الله خمینی هستند به مسلسل بسته شوند " . وی سپس به تفصیل به شرح جریان قم پرداخته و به وحشیگریهای رژیم حمله می کند . بعد از اتمام سخنرانی ، یکی از شنوندگان پشت میز گرفته و میگوید : " چرا شما نشستهاید ، در تمام شهرها غوغا برپاست . مگر شما مسلمان نیستید ؟ مگر آنها تئیکه در قم کشته و شهید شدند ، برادر شما نبودند ؟ " و

تظاهراتی را که در بعضی شهرها روی داده بود بازگو میکند و می گوید: «بندید به فتوای مراجع تقلید، کاسبی حرام است و فردا مغازه ها باید تعطیل باشند». فردای آنروز تمام کسبه بازار مغازه خود را می بندند. از طرف شهرداری عده ای از بازاریان و محصلین که به مغازه های باز رفته و صاحبان آنها را وادار به تعطیل می کردند، دستگیر می کردند. مامورین همچنین بوسیله رنگ، به در مغازه های بسته علامت میزنند تا بعد صاحبان آنها را بیازجوئی بکشانند. روز بعد حدود ساعت ۱۰ صبح، مردم مغازه ها را باز کرده و به سرکارشان باز می گردند. اشخاص دستگیر شده هم بعد از مختصری تنبیه بدنی، آزاد میگردند.

در ضمن دانش آموزان سال ششم بعضی از دبیرستانهای زنجان نیز همزمان با تعطیل بازار اعتصاب کرده و به کلاسها نمیروند. همانروز پیه ارتش و شهرداری آماده باش داده میشود و مقابل هر کلانتری بجای یک مامور، دو مامور مسلح می گمارند. بدنبال این جریانات مسجد "آقا هاشم" از جانب ساواک و شهر - بانی تعطیل شده و برنامه سخنرانی آقای غفاری لغو میگردد. روز پنجم صفر (۲۵ دی)، هنگام غروب ماموری را در جلوی مسجد می گمارند و به هرکس که میخواهد وارد مسجد شود می گویند مسجد تعطیل است و سخنرانی برگزار نمی - شود. با نزدیک شدن ساعت سخنرانی (۸^{۱۰}/_{۱۰}) پیه ریج بر تعداد جمعیتی که عصبانی و ناراحت در مقابل مسجد اجتماع کرده بودند، افزوده میگردد و چندی نمی گذرد که همه با هم به فرستادن صلواتهای بی دریغ به جانب خیابان پهلوی زنجان حرکت می کنند. در این هنگام تعداد تظاهرکنندگان حدود ۸۰۰ نفر بود که با پیوستن عده ای دیگر از مردم در طول مسیر، عده آنها به ۱۰۰۰ نفر می رسد. تظاهرکنندگان در طول مسیر به دادن شعارهای "خمینی با یسد برگردد" و "مسجد باید باز شود" می پردازند و ضمن آن شیشه های دوسینما و نیز بانک عمران را می شکنند. جمعیت سپس بمرکز شهر بازگشته و اینبار شروع به دادن شعارهای "مرگ بر شاه خائن" و "درود بر شهید ای قم" می نمایند. شهرداری با اینکه در حال آماده باش بود، چون انتظار چنین عکس العملی را نداشت، تا ساعت ۹ قادر به مقابله نمی شود و مامورین در این ساعت در راه بازگشت تظاهرکنندگان با آنان درگیر می گردند. جمعیت متقابلاً عکس العمل نشان داده و زن و خورد های پراکنده ای صورت میگیرد. ولی با شلیک تیرها

و پاشیدن آب بوسیله ماشینهای آتش نشانی مردم متفرق می گردند .

در این تظاهرات . . . ۸۰ نفر توسط مأمورین دستگیر میشوند و در شهر حکومت نظامی برقرار می گردد . مزدوران پلیس تا ساعت ۱۲ شب عرکس را که در خیابان میدانند به سرسریخته و گنگ زنان به شهرتانی می برند . به گفته بسیاری از مردم ، بیشتر اشخاصی که دستگیر شدند ، از رهندرانی بودند که در تظاهرات شرکت نداشتند . دستگیر شدگان را بعد از ایراد ضرب و فحاشی و توهین یک شب با پای برهنه در صحن شهرتانی روی برف نگه میدارند و روز بعد همه را آزاد می سازند . روحانی مزبور نیز همان شب مخفیانه از شهر خارج میشود .

شهر زنجان دارای جوی مذهبی بوده و عناصر مبارز مذهبی آن در قالب هیئت ها و محافل از تشکک نسبی برخوردارند . سخنرانیهای افشاگرانه آقای غفاری و یک روحانی دیگر (در ماه رمضان) در پاکیری تظاهرات اخیر زنجان تاثیر قابل ملاحظه ای داشته است .

* * *

عکس العمل افشار مختلف مردم در مورد مبارزات خونین قم

نه کارگری ۲۴ ساله ، ماهر ، کم سواد ، دارای ۱۵ سال سابقه کار و دستمزد روزی ۷۰ تومان ، ماهر (دارای دو فرزند) و تا اندازه ای مذهبی در مورد جریان قم چنین می گفت (۱) : " تا آنجائی که من خبر دارم ، از طرف دولت (حزب

(۱) - این رفیق کارگر بعلمت ارتباطش با محاند مذهبی ، از آگاهی های

ضد رژیم برخوردار است . وی در مورد مبارزات دانشجویان چنین می گفته است : " واقعا دانشجویان این چیزها را خوب می فهمند . اگر اینها نباشند ایران از بین می رود " . رفیق کارگر همچنین می گفت : " آنهاست که تروریست میشوند ، همه از این دانشجویان هستند . اینها بخاطر مردم خودشان را بکشتن میدهند " . وی با خشم و نفرت نسبت به غارتگری رژیم می گفت : " همین دانشجویان حساب کرده اند که از پول نفت در ماه به هر ایرانی ۱۵ هزار تومان میرسد و باید این پول به امثال ما داده شود ، ولی دولت هم آنرا می خورد . اگر این پول را بجا میدادند دیگر من الآن بیسواد نبودم ، خانه مان بفل شد آب و فاضلاب شهر

نبود و مجبور نبودم که از شهر خود بتهران بیایم و . . . "

آرشیو اسناد بعازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

رستاخیز) به قم آمده و علنا به آقای خمینی بد و بیراه می‌گفتند که خمینی خارجی است، ایرانی نیست و... آیت‌الله شریعتمداری و گله‌پایگانی و خوئی از این موضوع ناراحت شدند و آخوندها و طلبه‌ها هم بعد از آمدند، اما پلیس‌ها میریزند. ارتشی‌ها هم به کمک آنها آمده و با مسلسل به جان آخوندها و مردم می‌افتند و... فلان فلان شده‌ها هر که را دم دستشان بوده کشتند. بیشتر از ۲۰۰۰ نفر در این جریان کشته شدند.

یافتاجر بازار که وضع کم و بیس مرفهی داشت در رابطه با تظاهرات مردم قم می‌گفت: «دوران حکومت پسر رسیده است، چرا که اگر پایه‌های آن قوی بود، هر چند مردم اعتراض می‌کردند، دولت کاری بآنها نداشت، در صورتیکه الان کوچکترین اعتراض را با بیرحمانه ترین نحوی پاسخ می‌دهد و بهترین نمونه آن عکس العمل رژیم در جریان قم است که...» و نفر را بهلاکت رساند. او همچنین می‌گفت: «مهندس بازرگان چند سال قبل گفته بود که ما در قبال فرزندان خود مسئول هستیم و آنها فردا می‌گویند چرا ما در مقابل جهر و ستم سکوت کرده و حرفی نزده‌ایم. این است که ما باید دست به اعتراض بزنیم، تا فردا لعن نشویم».

دو کارگر دیگر در عین آگاهی از جنایات رژیم مزدور، نظرات محافظه کارانه‌ای داشتند. یکی از آنها که حدود ۵۰ سال سن داشته و روستائی و بیسواد بود و هیچگونه مایملکی جز نیروی کارش نداشت می‌گفت: «بیشرفها می‌زنند مردم را می‌کشند. کار، کار آخوندها است (وی چند ان پایبند مذہب نبود). اگر اینها روی منبر حرفی بر علیه دولت نزنند، مردم که خونشان بچوئن نمی‌آید. آخر مگر میشود با دولت هم طرف شد؟ تنها ارتش میتواند دولت را نابود کند. از من و امثال من کاری ساخته نیست. مقابل توپ و تفند که نمی‌شود ایستاد.» وی سپس در مورد اعمال وحشیانه رژیم در ۱۵ خرداد چنین می‌گفت: «از ده ما، مردم همه بصورت دسته‌ای بزرگ روانه تهران شدند. بین راه همه فریاد می‌زدند. وای امام زمان ما را کشتند، وای خمینی ما را کشتند. در این ضمن یک ماشین ارتشی جلوی آنها را گرفت، ولی مردم برنگشتند و مرتب می‌گفتند: ما امام زمانمان را میخواهیم. ما خمینی را می‌خواهیم. در اینموضع همه را به مسلسل بستند. ۵ نفر همانجا کشته شدند و بقیه را هم لخت و پار کردند. کارگر مزدور با استناد به این مطالب می‌خواست ثابت کند که این دوره هر که حرف بزند، سر خودش را بر باد داده است».

کارگردیگری که متاهل ، باسواد ، دارای دو سال و نیم سابقه کار و دست مزد ۴۲۶ ریال در روز بود (اوسیرست بود) میگفت : " این آخوندهای فلان فلان شده تقصیر دارند . آنها مردم را تحریک میکنند و به کشتن میدهند . مگر با دولت هم میشود حرف زد " . این کارگر از وضع نسبتاً مرفهی برخوردار بود (علاوه بر داشتن خانه و چهارپایا (گاو شیرده) در روستا ، صاحب یک وانت بار بود که با آن کار میکرد .

یک کارگر مذهبی ، با سواد ، متاهل و روستائی ، تحت تاثیر شایعات ساواک تظاهرات قم را در رابطه با اعتراض علیه آزادی زنان تعبیر و تفسیر مینمود . وی نظریه بسیار عقب مانده ای در مورد زنان کارگرداشت و میگفت " اگر زنها در کارخانهها کار نمیکردند ، الان حقوق ما مردها و برابر حقوق فعلی بود . زنها کار میکنند ، در حالیکه مردها باید بیکار بگردند و با مزد کمی استخدام شوند . بعلاوه با کار کردن زنان ، فساد و فحشا هم بیشتر میشود " وی در این رابطه از تظاهرات قم که بنظر او اعتراض به آزادی زنان بوده است ، استقبال میکرد . وقتی بوی درباره علت واقعی تظاهرات و مبارزات مردم توضیح داده شد ، در تصحیح حرفهای قبلی خود گفت " بدبختی از یک طرف ، گرانی کمربند از طرف دیگر ، آدم را وادار به این کارها (اعتراض بر علیه رژیم) میکند " .

*

*

*

خبری که در شماره ۱۹ " نوید " (اسفند ۵۶) درج گردیده ، حاکی از آنست که بدنبال کشتار وحشیانه مردم قم ، رژیم عده ای از علمای حوزه علمیه قم را بنقاط دور دست ایران تبعید کرده است . از آن میان آقایان شیخ محمد یزدی به بندر لنگه ، شیخ حسین نوری به خلخال ، ناصر مکارم شیرازی به چاه بهار تبعید شده اند . همچنین آیت الله محلاتی از روحانیون و مراجع تقلید شیراز بدنبال ابراز تنفر از اهانت رژیم به جامعه روحانیت و کشتار جمعی مردم قم ، دستگیر و به بندر بوشهر تبعید گشته است .

*

*

*

تکمیل خبر تظاهرات در کازرون به مناسبت مبارزات خونین قم

عصر روز ۲۸ بهمن اعلامیه ای از جانب روحانیون نجف به سردر مسجد بازار شهر نصب میگردد . مضمون اعلامیه فوق اعتراض به جنایات وحشیانه رژیم

در قم و اعلام تعطیل عمومی در روز چهارم شهدا بوده است. فردا آنروز
 اغلب منازلهای شهر تعطیل شده و در مقابل مسجد بازار نیز تظاهراتی
 صورت میگیرد. ضمن شعارها از این قبیل بوده است: "مرگ بر پهلوی"،
 "درد بر خینی" و... تعدادی از مزدوران شهرستانی بسوی تظاهراتکنندگان
 گان حمله ور شده و بسوی آنها تیراندازی مینمایند، ولی هجوم مردم با سنگ
 مأمورین را متواری میسازد. در مسجد دیگری واقع در بولووار کازرون، تظا-
 هراتی از جانب "سیف آبادها" صورت میگیرد که در پی آن زد و خوردی
 میان مزدوران رژیم و جمعیت تظاهراتکننده روی میدهد. در این درگیری
 روحانی محل هدف شلیک مأمورین قرار گرفته و بشهادت میرسد. این
 اقدام وحشیانه، بر خشم مردم دامن زد و متعاقب آن تظاهراتکنندگان
 بسوی مزدوران حمله ور میگردند. تهاجم یکپارچه جمعیت خشمگین به
 مأمورین، آنها را متواری میسازد و بدنبال آن تظاهراتکنندگان بر شهر
 مسلط میگرددند (۱). طولی نمیگذرد که با دخالت ارتش و با شلیک تیرهای
 هوایی از جانب عمال سر سپرده رژیم، تظاهرات متوقف شد و مردم پراکنده
 میگردند. گفته میشود که یک اتومبیل ارتش با بلندگو، در شهر حکومت
 نظامی اعلام میکرده است.

تظاهرات فوق بیشتر از سوی کاسبهای بازار، محصلین و جوانان شهر
 برپا شده بود و گفته میشود طی آن ۲ نفر بشهادت رسیده و ۷ نفر مجروح
 گشتند.

* * *

۱ - نفقه مشور که تعداد مأمورین پلیس در این شهر، هنگام وقوع تظاهرات
 بسیار اندک بوده است. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بدنبال شهادت دهها تن از مردم مبارز قم بدست قداره بندان رژیم جنایتکار شاه، آیت الله شریعتداری (۱) و تنی چند از روحانیون مرفق و بازاریها مبارز با انتشار اعلامیه‌هایی از مردم می‌خواهند که در روز ۲۹ بهمن (مصاف با چپ‌لشکر) قم) مغازه‌ها و محل کسب خود را تعطیل کرده و به عزاداری بپردازند. بدنبال انتشار وسیع اعلامیه‌های فوق در سطح شهرها و حتی روستاها، مردم تبریز یکدیگر را به برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری در روز شنبه ۲۹ بهمن ماه دعوت می‌نمایند. (۲)

پلیس مزدور شاه، چند روز قبل از ۲۹ بهمن به کسبه، بازار و اصناف اخطار می‌نماید که روز شنبه، کلیه مغازه‌ها میبایست باز باشد و در غیر اینصورت روی مغازه‌ها علامت خواهد گذاشت. پلیس همچنین به بازاریان اطمینان خاطر میدهد که کنترل کامل شهر را در دست خواهد داشت و هیچ اتفاقی روی نخواهد داد. علی‌رغم تلاش مذبحخانه، پلیس، صبح روز شنبه بازار بطور کلی و نیز اکثر مغازه‌های شهر بسته بودند. تنها بانکها و معدودی از مغازه‌ها (نانوا، نیشیا و...) به کار خود ادامه میدادند. مامورین پلیس متقابلاً از صبح کلیه مساجد را بسته و مهر و موم نمودند. آنها همچنین به‌ظهور ارباب مردم روی در مغازه‌هایی را که در اطراف بازار بسته بودند، علامت می‌زدند تا بعداً صاحبان آنها را به بازجویی بکشانند.

با تمام اینها، با آغاز روز شنبه، مردم تبریز قدرت نمایی بزرگی از خلسق

(۱) - متن اعلامیه، آیت الله شریعتداری در ضمیمه آورده شده است.

همانطور که از متن اعلامیه شهود است، آیت الله در مورد مسببین اصلی گستاخ و حشیانه، قم، یعنی رژیم مزدور پهلوی و واضح صریح و روشنی اتخاذ نمی‌نماید. گفته میشود که وی بدنبال تظاهرات خونین تبریز، مردم را به آرامش و باز کردن بازار دعوت نموده و اظهار داشته است که برخورد های خشونت آمیز حاصلی جز خونریزی و نفاقندارد. روشن است که آیت الله همان چند خط اعلامیه را نیز تحت تاثیر فشار تودمها و حفظ موقعیت خود نگاشته است.

(۲) - گفته میشود که از چند هفته قبل از شروع تظاهرات، مقامات آن

فراهم بوده است. روحانیونی از قبیل موسوی و خلیلی از قم به تبریز آمده و

صبح آنروز مردم دسته دسته بسوی مساجد رهسپار میشدند تا مراسم عزاداری برپا نمایند و به سخنرانان و عاظم گوش فرادهند . عده‌های با توجه به تجربه قم و مبارزات خونین گذشته (خرداد ۴۰ و ۴۰۰۰) به قه و قداره و دشنه مسلح بودند . عده تا دو مسجد محل تجمع مردم بود ، عده‌های که اکثر آنها را بازاریان و پیشه‌وران تشکیل میدادند ، در اطراف مسجد قزل واقع در دهانه بازار اجتماع کرده و پرچمهای سیاه‌رنگی را از دیوارهای مسجد آویخته بودند . گروه دیگری در اطراف مسجدی واقع در خیابان ثقة الاسلام تجمع کرده بودند . اکثریت این عده را توده‌های زحمتکش محلات فقیر نشین آن منطقه تشکیل میدادند .

تا حدود ساعت هصبت دسته‌های گوناگون مردم بدون هدف و برنامه خاص از این سو به آنسو رفته و در اجتماعات پراکنده بگفتگو میپرداختند . نقاط مهم شهر تحت کنترل مزدوران پلیس بود که همگی مجهز به اسلحه و بیسیم بودند . با اینهمه پراکندن اجتماعات مردم بحالت فزونی جمعیت عملاً برای مأمورین امکان پذیر نبود . حدود ساعت ۹ ، بدنبال نصب اعلامیه‌هایی بدیوار مسجد قزل ، بر تراکم جمعیت در این نقطه افزود میگردید . در این هنگام " سرگرد حقتناس " رئیس مزدور کلانتری ۶ به جمعیت نزدیک شده و میگوید : " در تمام طولیله‌ها را بسته‌ایم ، شما هم بروید " . وی به این گفته و قیحانه و توهین آمیز خود اکتفا نکرد و اعتراض پیرمردی را از میان جمعیت با سلی پاسخ میدهد . این اقدام بیش‌ترانه بر خشم مردم دامن زده و جمعیت بسور سرگرد مزدور حمله میکند . وی بطرف مردم شلیک مینماید که منجر به کشته شدن یک نفر میگردد (۱) . بدنبال آن مردم خشمگین ، سرگرد مزدور را بشدت ضروب کرده و ضمن دادن شعار در خیابانها پراخ افتادند . و مأمورین را از این منطقه متواری ساختند .

در رابطه با برگزاری مراسم عزاداری شهید ای‌قم به تبلیغ میپرد ازند . همچنین در مساجد شهر روحانیون تبریزی علیه رژیم دست به افشاگری میزدند . از جانب گروه‌های صنفی و مذهبی دانشجویی نیز بطور مداوم ، اعلامیه منتشر میشد . (۱) - خبر دیگری حاکی از اینست که حقتناس قصد پائین آوردن پرچمها را داشته که جوانها دشنه بوی حمله میکند و چند ضربه وارد می‌آورد . همچنین این جوان مورد اصابت گلوله سرگرد مزدور قرار گرفته و شهید میگردد . سرگرد حقتناس ، همان فردی است که مطابق خبری که در خبرنامه آمده بود

در طول راه گروه‌های پراکنده مردم به تظاهر کنندگان ملحق گردیدند و سیل خروشان از جمعیت در شهر حرکت درآید (۱). تظاهرکنندگان در میدان کوروش به بانکهای اطراف حمله کرده و آنها را به آتش کشیدند. جمعی دیگر پس از ورود به محوطه میدان و فراری دادن مأمورین، پاسگاه و پمپ‌های آن موزه‌های گشتی را آتش زدند و با دادن شعارهای "درود بر امام خمینی"، "درود بر امام ظالمانی"، "مرگ بر شاه" و "سیزدهمین شاه خائن دیر" بسمت خیابان شهناز شمالی و چهارراه شهناز حرکت درآیدند و در طول مسیر خود یک سینما را به آتش کشیدند و به چند مشروب‌فروشی حمله بردند. در ابتدای خیابان شهناز جنوبی تهاجم تظاهرکنندگان به کلانتری با رگبار مسلسل مأمورینی که از بام کلانتری بروی مردم آتش می‌گشودند، خفتی شده و جمعیت ناگزیر عقب‌نشینی اختیار کرد و بدنبال آن تظاهرات در خیابان پهلوی و شهناز شمالی ادامه یافت و ضمن آن چند بانک و سینما و مشروب‌فروشی مورد حمله قرار گرفته و به آتش کشیده شد. عده‌ای از مردم اجساد کشته‌شدگان چهارراه شهناز را از روی زمین برداشته و مجروحین را به خانه‌های اطراف حمل نمودند. اجساد که روی زمین میماند، توسط مأمورین به سینمای نیم سوخته واقع در چهارراه انتقال مییافت.

گروهی دیگر از تظاهرکنندگان که از بلوار کوروش بسمت شهناز شمالی در حرکت بود در سه راه امینی به دسته اخیر ملحق گردید. در این نقطه تظاهرکنندگان به دو یا سه اتوبوس شرکت واحد که پر از مسافر بود حمله ور گشته و ضمن شکستن شیشه‌های آن از مسافران خواستند که زود تر پیاده شده و به آنها ملحق گردند. تظاهرکنندگان ب مسافران می‌گفتند: "مگر ننشید امروز روز عزاداری شهید ای قم است". در پی آن مردم پیاده شده و در جمعیت ادغام گردیدند و سیل عظیم مردم به طرف بانک‌ها و مراکز کهم شهر

← عده‌ای از دانشجویان دانشگاه تبریز را امیدارد که سینه خیز روی برف و خاشاک حرکت کنند. قساوت‌های او در سرکوب قیام ۱۵ خرداد نیز معروف است و مردم تبریز در این رابطه کینه خاصی نسبت به او دارند.

(۲) — با آغاز تظاهرات بسیاری از مردان شهرانی و ارتش لباس خود را تعویض نموده و با لباس شخصی بمیان تظاهرکنندگان رفتند.

حدود ساعت ۱۱ قریب صد تن از دانشجویان دانشگاه تبریز، در محوطه دانشگاه دست به تظاهرات زده و بدنبال آن بطرف خیابان پهلوی سرانبر شدند و بسمت مرکز شهر بحرکت در آمدند . در طول راه جمعی از مردم بجه آنها ملحق گردیدند . پس از عبور دانشجویان از خیابان پهلوی ، ساکین منطقه فقیر نشین جنوب این خیابان حملات پراکنده ای بر بانکها و ساختمان یک هتل که کارکنان خارجی کارخانه ماشین سازی در آن اقامت داشتند ، وارد آوردند .

بدنبال شکست مفتضحانه پلیس در کنترل اوضاع شهر ، گامیونهای ملو از سربازان مسلح به شهر سرانبر شدند و زد و خورد نابرابر بین خلق و ارتش تا نند ان مسلح آغاز گردید . تمام سلاحهایی که با استثمار خلق ما از امپریا - لیستهای غریب و سوسیال امپریالیسم شوروی برای استفاده در چنین روزهایی تهیه شده بود ، اکنون کار برد یافته و صرف ریختن خون خلق عیثد . از زره - پوشها و نذیرهای روسی گرفته تا تانکهای انگلیسی و امریکائی و مسلسل های اسرائیلی همه در خدمت رژیم بودند تا هر چه زود تر و خونبارتر شورش خلق ستدیده ما خوابانده شود .

مزدوران شهرنانی که خیابان پهلوی و نیز میدان را بشدت تحت محافظت و کنترل خود داشتند ، با تهاجم جمعیت تظاهر کننده عقب نشینی کرده و تنها بدفاع از کلانتری واقع در این خیابان پرداختند . در این ضمن زننها با چادر خود سنگ آورده و مردها بموی گامیونهایی که بمركز شهر سرساز میبردند ، پرتاب میکردند . دانش آموزان و برخی از معلمین مدارس نیز کسه اکنون تعطیل شده بودند ، به خیل عظیم تظاهر کنندگان پیوستند . کسرت جمعیت باندازه ای بود که طنین شعار آنها خیابانها را بلرزه میآورد . در این گروه که مسیر آنها بسمت خیابان آبرسانی و سپس جنوب شهر بود ، تعدادی زن نیز شرکت داشتند . جمعیت هنگام رسیدن به پادگان دو گروه شد . دسته ای از تظاهر کنندگان سپس از رسیدن به خیابان اصلی براه خسود ادامه داده و بانکها و هتلهای سر راه را بزییر حمله گرفتند . این گروه از تظاهر کنندگان در طول مسیر خود با یک گامیون سرلنژ و نیز اتومبیل پلیس

مواجه شدند . مزدوران بعضی دیدن جمعیت دور زده و از منطقه گریختند . جمعیت پس از قطع خیابان پهلوی به خیابان شاهپور رسید و بدنبال آتش زدن ساختمان بومه های اجتماعی واقع در این نقطه ، وارد خیابان شمس الاسلا گردید . در این خیابان دو تانک ارتش از روبرو و با سرعت بسوی مردم هجوم آوردند و در پی آن جمعیت با سرعت در کوچه های اطراف پراکنده شد . در این حمله وحشیانه مزدوران ، دو کودک محصل در زیر چرخهای تانک له شدند . بسیاری از مردم ضمن فرار از مهلکه مجروحین را با خود حمل نمودند (۱) . از مراکزی که رژیم توانست آنها را از آسیب محفوظ بدارد ، اسفانده ای بود . رائی بود که جنب یکدیگر قرار داشتند . بانک ملی (شعبه اصلی) و بانک سپه نیز آسیبی ندیدند . کلانتری ۴ چند ساعت در اشغال مردم بود و پس از این که ارتش ضد خلقی مجهز به تانک و مسلسل به کلانتری حمله میکند ، مردم دست از اشغال آن بر میدارند . در میدان پنجم ، دفتر حزب رستاخیز تبریز مورد حمله دسته بزرگی از تظاهرکنندگان قرار گرفت و بنحو ناپودکنده ای به آتش کشیده شد . بنا به قولی ۱۳ اتومبیل پارک شده ، ناپود گردید . در یکی از خیابانها ، یک افسر شهربانی با اتومبیل پژو خود سعی میکرد در مقابل جمعیت خشمگین بگریزد . وی با سرعت و بصورت زیگزاگ حرکت نمود ، اما مردم به سمت او حمله ور شده و پس از پیاده کردن افسر مزدور ، وی را بنسبت ضروب میسازند و عده ای دیگر ماشین وی را به آتش میکنند . در این جریان تعدادی از مردم مجروح گردیدند . اخبار رسیده حاکی از آنست که آنروز تنها هرکنندگان کاخ جوانان و کارخانه پیسی کولا را نیز مورد تهاجم قرار داده و سوزاندند ولی در حمله به شهربانی ناموفق مانده و با دادن چند نکتسه

(۱) - یکفکر که در این جریان مجروح شده بود چنین تمریف میکند : پس از آنکه به علت خونریزی بیحال شدم ، چند نفر هرگدا سعی کردند مرا به خانه ببرند . سپس مرا روی موتری نشانده و به خانه ای بردند . وقتی بهسوس آدمم ، تمام اعضای خانواده در بوم جمع شده بودند . آنها زخم مرا پانسمان کرده و لباسم را عوض نمودند و برای اینکه جراحت سرم مشخص نباشد ، گلاهی بر سرم گذاشتند . صاحبخانه از آیه الله شریعتی ارتش بد میگفت و او را سازشکار و محافظه کار میدانست ، اما از آیه الله خمینی و آیه الله طالقانی جانبدار وی میکرد .

عقب نشینی اختیار کردند .

گفته میشود که حوالی ظهر ، خبر شورش به کارخانه های اطراف شهر رسید و بدتبال آن تعدادی از کارگران مرخصی گرفته و عازم شهر گشتند . همچنین شایعست که تظاهر کنندگان به چند کارخانه تلفن کرده و تهدید می نمایند در صورتیکه کارخانه ها تعطیل نشود ، آنها را در هم خواهند ریخت . این تهدید موثر واقع میشود و تعدادی از کارخانه ها از جمله " ایسرم " و " پلبرینگ سازی " حوالی ظهر تعطیل میگردد .

خبر نیمه موثقی حاکی از اینست که بعد از ظهر شنبه ، جمعی از تظاهر کنندگان بقصد آزاد ساختن زندانیان سیاسی به محاصره زندان تبریز می پردازند ، ولی با حمله ارتش پراکنده میگردد .

همچنین گفته میشود پس از حمله مزدوران ارتش ، مردم به مناطق اطراف تبریز هجوم می آورند . تظاهر کنندگان در امازاده عیثال زینال با حمله به تقویت کننده تلویزیون که مجاور امازاده قرار داشته است ، هکلی آنرا متلاشی میسازند .

آنگروز تا عصر صدای مسلسل و تله تیر شنیده میشود . مأمورین پلیس ضمن زد و خورد بی محابا از گاز اشک آور و مسلسل استفاده میکنند و هر جا تظاهر کننده ای را دستگیر میساختند ، وی را وحشیانه و تا حد مرگه ضروب میساختند . گشتی های ساوا کوشهریانی نیز از درون اتوبوس بسوی مردم تیراندازی می کردند (۱) . خبر دیگری حاکی از اینست که در طول تظاهرات پلیس

با هلیکوپتر و از بالا مردم را هدف مسلسل و گاز اشک آور قرار میداد . عصر آنروز کلیه بیمارستانها از مجروحین پر بود و تعداد زیادی از مردم مقابل بیمارستانها برای دادن خون جمع شده بودند . دانشجویان دانشگاه پزشکی بنتهایی با با استادان به خانه ها سرکشی میکردند و مجروحین را مداوا مینمودند .

روز بعد از تظاهرات (یکشنبه ۳۰ بهمن) ، مردم مطلع میشوند که اجساد

(۱) - یک پیکان که سرنشینان آن ضمن حرکت روی مردم آتش گشوده و عده ای را مجروح ساخته بودند ، مورد حمله تظاهر کنندگان قرار گرفته و به آتش کشیده شد . عده ای دیگر از مردم سرنشینان آنرا بشدت ضروب ساخته و احتمالاً موفق گشتند اسلحه های آنها را حاداره نمایند .

شهدا را به ترمینال تبریز انتقال دادند . از اینرو دستجمعی به آنسو حرکت می کنند ، ولی در طول راه با تهاجم مزدوران پلیس مواجه میگردند . در این درگیری تعداد زیادی از مردم بشهادت میرسند .

نکاتی در حاشیه : نظماً هسرات تبریز - بیشتر آنهایی که در تظاهرات پر شور تبریز شرکت داشتند از ائتلاف متوسط و پائین شهر بودند . شاگردان مغازه های شهر و بازار ، بازاریان (بخصوص صنف کفاشان که از سوابق مبارزاتی در تبریز برخوردارند) ، رفکران ، قالیباغان تبریز (که اغلب به کلاسهای شبانه بتحصول مشغولند) ، آموزگاران ، دانش آموزان و دانشجویان به همراه جمعی از دستفروشان و . . . در جریان تظاهرات عمدتاً نقش فعالی را ایفا مینمودند . کارمندان ادارات شرکت مستقیم در مبارزات مردم نداشته و بیشتر شاهد وقایع بودند .

در جریان تظاهرات ، شعارها بنحوی نامنظم و بدون برنامه ریزی تهیه میگردید و هرکس شعاری را شروع مینمود ، بقیه با وی همراهی میکردند . افرادی که در پیشاپیش تظاهرکنندگان در حرکت بودند ، نزدیک هر بانک به سایرین علامت میدادند ، بدنبال آن جمعیت شیشه های بانک را خرد کرده و اسناد و مدارک و تصویر شاه را میسوزاندند . تظاهرکنندگان پس از اتمام کار دست زد ، هورا می کشیدند و سپس براه خود ادامه میدادند . ضمن تظاهرات ، مردم اکثراً از دانشجویان و آموزگاران کسب تکلیف مینمودند .

تظاهرکنندگان برای به آتش کشیدن هد فهای خود با سطل بطرف پمپ های بنزین حمله میکردند . آنها برای سوزاندن دفتر حزب رستاخیز ، نکمای پارچه را به بنزین آتشته کرده ، و آن را بدور سنگی می پدیدند و پس از مشتعل کردن آن ، بطرف دفتر حزب پرتاب مینمودند .

تعداد زیادی از پارکومترهای کنار خیابان توسط جمعیت از جا کنده می شود که بعدها بچه ها ، چرخ دنده ها و پولهای آنها را بر میدارند . دو پمپ ۱۳ و ۱۱ ساله یکی از چرلفهای راهنمایی را که روی زمین افتاده بود . برداشته و بعنوان بازی لوله ، آنرا بطرف سربازان مسلح میگیرند و چنین وانمود میکنند که این چراغ اسلحه است ، سربازان بطرف بچه ها شلیک کرده و آنها را میکشد . دختری سرخود را از پنجره منزلشان بیرون آورده و صحنه زد و خورد را تماشا میکرد که مورد اصابت گلوله قرار گرفته و کشته میشود .

رژیم مزدور ، ارتش ضد خلق خود را با استفاده از گرد انهای مرافقه ،

رضائیه ، عجب شیر و . . . تکمیل کرده بود .

* گفته میشود پاسبانی که بر خلاف دستور در سرکوب تظاهرات شرکت نداشت ، مافوق خود را با شلیک گلوله معدوم نمود .

* ————— *

روز یکشنبه ۱۴ اسفند بمناسبت بزرگداشت شهدای قم و تبریز تراکتهائی در نقاط مختلف تهران (میدان عشرت آباد ، خیابان شهباز ، نواب ، آمیزشکی و . . .) پخش گردید . همچنین گفته میشود در روزهای ۱۹ و ۲۰ اسفند در خیابانهای فرعی منشعب از خیابان شهباز تعداد زیادی از نشریات نوید پخش شده است . ضمناً طی همین هفته شایعه پاشیدن اسید بصورت زنها و حمله به آنها در نقاط مختلف شهر شنیده میشود . گفته میشود که روز ۲۰ اسفند به چند تن از محصلین دختر دبیرستان نورخس و شهناز پهلوی اسید پاشیده اند و زنی را در خیابان آیزنهاور با چاقو ضروب نموده اند . ظاهراً ساواک با پخش این شایعات قصد دارد ذهن مردم را از جریان اصلی مبارزات منحرف سازد .

* * *

مناسبت تظاهرات خونین تبریز اعلامیه‌ای با اضا " گروهی از جوانان مسلمان مذهبی شهر مذهبی قم " انتشار یافته است که ضمن آن " حرکت انقلابی مردم مسلمان تبریز " در رابطه با تجلی رشد آگاهی مردم و تلاش پیگیر روحانیت مرفقی و دانشجویان مبارز و گروههای پیشتاز مسلمان بیان گردیده است .

اعلامیه سپس با تأیید کلیه جناحهای ضد رژیم ، راه آیت الله خمینی را اصولی ترین و عملی ترین شیوه مبارزه دانسته و بدنبال آن متذکر گردیده است که حرکت گهی و انقلابی در ایران حرکت اسلامی میباشد و تنها انقلاب اسلامی قادر است که تا آخرین لحظه پایدار و مقاوم باشد .

در پی مطلب فوق اعلامیه به دو نکته اشاره کرده و چنین مینویسد :

الف - اخیراً اعلامیه‌هایی تحت عنوان نوید ارگان حزب توده از طرف ساواک و مارکسیستهای فروخته شده به ظاهر در جهت حمایت از جنبش مردم با اهدا فد مشخصی منتشر میشود رژیم با این عمل خود خواهان شناختن چهره‌های مبارز در ایران و سپس دستگیری (با هو و جنجال و تبلیغات) و

خیانت به اینان است و نیز خواهان لکه دار کردن جنب اسلامی و جد ائسی
توده های مردم از مبارزه و اختلاف ما بین مبارزین است اما مردم ایران بخوبی
حزب ظفیر توده را میشناسد و بزودی حیل و مکر نشریه نوید بر ملا میشود
و ما کید الکافین الافی ضلال

ب- پس از کشتار وحشیانه رژیم در شهر مذهین قم گروهی از جوانان مسلمان
قم دست به عملیاتی زدند. از جمله انفجار ساختمان حزب رستاخیز و حمله به
کلانتری شاه ابراهیم و بخاطر مسائلی چند از انتشار بیانیه در این مورد خود-
داری کردند با کمال تأسف چریکهای فدائیان خلق در دو اعلامیه توضیحی
این عملیات را بخود نسبت دادند ما با احترام به کلیه رزمندگان در ایران
به این نکته توجه داریم که تهضت های مارکسیستی در ایران با تمام ثمرات و
اثرات مثبت خود همیشه در مواقع حساس لطمه ها و ضربه های کاری بس-
جنبش زده اند و در این هنگام که حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران از طرف
دستگاه های تبلیغاتی رژیم به حرکت مارکسیست اسلامی متهم میشود، این
بیانیه های نادرست کوششی در جهت تأیید و روغن رژیم است (۱).

در قسمتی دیگر از اعلامیه لزوم مبارزه قهر آمیز و مسلحانه علیه رژیم و
امپریالیسم و در رابطه با آن از میان بردن کلانتریها، بانکها، مراکز
فساد و فحشا، و نابودی ادارات حزب رستاخیز مورد تأیید گروه تزار گرفته
است.

* * *

در رابطه با مبارزات پر شور مردم تبریز اعلامیه هایی انتشار یافته که در
ضمیمه آورده شده است.

* * *

صبح روز یکشنبه ۷ اسفند ۵۶، تظاهراتی در خیابان ۲ متری خانی-
آباد فلاح برپا گردید که ضمن آن تظاهرکنندگان بدان شعارهایی نظیر
"مرگ بر شاه" و "درود بر خمینی" پرداختند و تراکتهایی پخش نمودند.
روی تراکتهای شمارهای ضد رژیمی و مذهبی نوشته شده بود. تظاهرکنندگان

(۱) - اعلامیه ای که رفقای فدائی در پی این عملیات انتشار داد مانند،
ما را از هر گونه توضیحی در مورد ادعاهای فوق که صرفاً جهت کسب وجهه

که تعدادشان به ۴۰-۳۰ نفر میرسید، در طول مسیر خود شیشه های بانک صادرات واقع در خیابان خانی آباد فلاح را شکستند. در این ضمن مزدوران پلیس شهرستانی سررسیده و سعی در پراکنده کردن جمعیت و دستگیری رهبران تظاهرات مینمایند. در این جریان کلیه تظاهر کنندگان متواری شده و کسی دستگیر نمیگردد. گفته میشود که اهالی محل از تظاهرات استقبال کرده و در فرار تظاهر کنندگان و جلوگیری از بازداشت آنان تلاش نموده اند.

* * *

حدود ساعت ۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۷ اسفند ۵۶، تظاهراتی در خیابان امامزاده حسن، نزدیکی دوراه قیام برپا گردید. تظاهرات فوق که همزمان با برگشت کارگران از کارخانه و تعطیل مدارس صورت گرفت، ۱۰-۱۵ نفره ای نسبتاً وسیع داشته و با استقبال و حمایت مردم روبرو بوده است. چنانکه گفته میشود در این جریان جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ نفر از ۸ متروی شهرداری بسوی میدان فلاح در حرکت بوده اند که سرانجام با رسیدن مزدوران رژیم پراکنده میگردد. تظاهر کنندگان ضمن دادن شعار پلاکاردهائی نیز حمل میگردد که از مضمون شعارهای نوشته شده روی آن اطلاعی در دست نیست. یکی از شعارهائی که ضمن تظاهرات داده میشد، "زنده بساد کارگر" بوده است. در این جریان شیشه های چند بانک صادرات که در مسیر واقع شده بود، از سوی تظاهر کنندگان شکسته میگردد. خبر فوق، انعکاس نسبتاً وسیعی در میان کارگران داشته است (۱) و این امر عمدتاً به سبب آن بود که تظاهرات در یکی از مناطق توده ای کارگر-نشین برپا شده بود.

* * *

(۱) - چند رفیق کارگر ضمن بحث پیرامون تظاهرات فوق و تأیید آن میگویند که این جریان بخاطر بازپس گرفتن حقوق کارگران بوده است.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آیت الله خمینی در پاسخ به تلگرامهای تسلیتی که بمناسبت فوت دکتر شریعتی برای وی ارسال شده بود در خرداد ۵۶ نامه ای خطاب به یک فن از اعضاء انجمنهای اسلامی نوشته و ضمن آن بوجود عناصر مرموزی که در مدد تفرقه افکنی بین انجمنهای اسلامی میباشند، اشاره نموده است.

آیت الله خمینی طی این نامه از طبقه جوان روشنی بین در خارج و داخل خواسته است که در زیر پرچم اسلام یکدل و یکصد از حق انسانیت و انسانها دفاع نمایند (۱).

* * *

در پاسخ به تسلیتهای مردم ایران بمناسبت فوت پسر آیت الله خمینی . در اعلامیه از جانب وی منتشر گشته است . آیت الله در اعلامیه اول چنین مینویسد :

(۱) - ناکید بروی حفظ وحدت میان روشنفکران پیشرو مذهبی که بسوی مارکسیسم گرایش دارند و افسار واپس گرا از جمله مواضع بالنسبه مترقیانه ایست که اخیرا از سوی آیت الله خمینی بدفعات انفاذ گردیده است . آیت الله در یکی از سخنرانیهای خود بتاريخ ۶ مهر ۵۶ ، خطاب به طلاب چنین فرمود :

... این افراد (روشنفکران مترقی مذهبی - خ . د .) اصحاب برهان نیستند ، اصحاب بیانند . مایلند بیان قشنگ بکنند و ماعدای ایمن دنیا را ادراک نمیکنند و لذا آیات را بفکر خودشان برزندگی دنیا تاویسل میکنند . منتها زندگی بی طبقه مرفه اگر ممکن باشد " آیت الله سپس با اشاره به اینکه اسلام هم عدالتخواه و هم عدالت پرور است و هم تعدیل طبقات میکند بطور عقلانی ... " ، به طلاب چنین هشدار میدهد : " بنابراین نه آنها حق دارند به کسیکه مشغول تحصیل علوم اسلامی است و ... بگویند این ریشها و عمامهها بدرد نمیخورد ... و نه شما حق دارید حرفهایی را که اینها در دفع ظلم و بسط عدالت اجتماعی زندند ، تخطئه کنید " .

" ما با گرفتاری عظیم و مصیبت‌های دلخراشی مواجه هستیم که باید زکری از مصائب شخصی نکنیم ، لکن این تظاهرات عظیم در این فرصت جواپی قوی و عطی ریاضه سرایشی های چندین ساله این عنصر نالایق بود . . . ایمن تظاهرات برای این شخص نبود ، اظهار تنفر از دستگاه جبار و فرانسدم حقیقی و رأی عدم اعتماد بر دستگاه جنایتکار بود . "

اعلامیه اضافه میکند : " من ناچارم اعلام خطر بزرگی بگم و ملت را از انفعال و خدعه اجانب و اعمال آنها نجات دهم . این مسامحه اخیر دولت که نویسندگان را مجال نوشتن و گویندگان را مجال گفتن داد ، حيله بزرگی است برای تطهیر شاه و وانمود کردن آزادی ابدائی و جنایات را بگردن دولت که آتی بیش نیست انداختن . نویسندگان نیز نمیتوانند در این محیط خفقان و ارباب هسته مرکزی جنایات را که شخص شاه است معرفی کنند و شاید نویسنده گانی از خودشان باشند که در بین نویسندگان با شرف خود را جاسازند و به دولت حمله کنند و بعضی جنایات را ذکر کنند و اذهان ساده و زود باور را منحرف کنند . در حالیکه تمام گرفتاری ملت ایران در این پنجساله سال سلطنت غیر قانونی بود ما جنایتکار پهلوی از شخص آن پدر و ایمن پسر سیاه روی بوده است . اینها بودند و هستند که دستشان تا مرفق در خون ملت مظلوم فرو رفته . آن پدر که قتل عام مسجد گوهرشاد و اهانت به مرقه مطهر ثامن الحج علیه السلام کرد و این پسر قتل عام پانزده خرداد را مرتکب شد . . . " اعلامیه سپس یک به یک جنایات شاه خائن و پدر جنایتکارش را برشمرده و اضافه میکند : " اکنون میخواهند این شخص را تطهیر کنند تا به جنایاتش ادامه دهند . میخواهند با آزادی محدود در چهارچوب توجه دادن جنایات را به دولتها ، قلوب ساده را آرامش دهند و اذهان صاف را منحرف کنند و هسته مرکزی جنایتها و خیانتها را فراموش کنند . . . " آیت الله خمینی سپس به آزادیهای فرمایشی شاه اشاره کرده و میگوید : " اکنون با همه کثافتکارها ، چون بحسب اقتضای وقت و بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در تنگنا قرار گرفته ، در صد است که با آزادیهای محدود به معنی ، خود را از بحر که خارج و مقام خود را مستحکم کند و محیط را مهیا برای اجازه بقای حکومت خود نماید و بار دیگر حمله سبانه را با وضعی فجیع تر و دردناکتر شروع کند و بر حرث و نسل رحم نکند . " در پایان توصیه

میشود که " اشخاص متعدده و ارزنده‌ای که ابتکار عمل در دست آنهاست ، از معرفی خود شدیداً احتراز کنند و از تجربیات سابق پند بگیرند " .

در اعلامیه دوم ، خطاب به دانشجویان ^{از پیشتر} دفاع چنین آمده : " من به این جنبش بیداری عمومی که در کشورهای اسلامی عموماً و در ایران خصوصاً پدید آمده و به این تنفر و انزجار عمومی از دستگاههای ظلم و وحشیگری و استعمار استعمارگران امیدها دارم . این بیداری تنفر عمومی موقت و زودگذر نیست و تا پایان دادن بدستگاههای جباران و خاتمه دادن به ظلم ستعماران ادامه دارد و بدنبال ظلم بیحد دستگاههای جبار و محرومیت روز افزون ملت‌های ستمدیده ، انفجاری است که قدرتهای دست‌نشانده‌ای را که برای در بنده کشیدند ملت‌ها و چاپیدن مخازن آنها گماشته‌اند . در کام خود فرومیبرد و انتقام الهی از ستعماران گرفته میشود " . بدنبال آن آیت‌الله خمینی از همه مسلمانان می‌خواهد که با برادران داخل کشور دست بپیوند دهند و برای رفع اختلافاتی که رژیم پیوسته بدان دامن می‌زند ، کوشش کنند . در ادامه ، مطالب فوق ، آیت‌الله از فرصت طلبانی سخن می‌گوید که اخیراً سر برون آورده و از دهان مردم رنجیده را از شاه (هسته مرکزی فساد) منحرف و ریاکارانه به دولت متوجه مینمایند . اعلامیه در این رابطه چنین مینویسد : " زمانیکه زندانها از مدافعین اسلام و آزادپخواهان مملو بود ، زمانیکه تاریخ اسلام به تاریخ ارتجاعی شاهنشاهی و مجوس‌گرانی برگردانده شد یکگفر از ایشان نفس نکشید و جوانان روحانی و دانشگاهی با پشتیبانی ملت از کشاورز و کارگر تا بازاری‌جان خود را به کف گرفتند و از حق خود دفاع کردند . آیت‌الله سپس هشدار میدهد که " ملت ایران و تمام طبقات روحانی و غیره باید با کمال احتیاط و روشن بینی ابتکار عمل در دست بگیرند و این چند نفر منفعت طلب را مأیوس کنند و باید شاه و داورستان بداند که چه در ملاقات با رئیس جمهور آمریکا موفق پس تجدید نوکری و تشبیت مقام غیر قانونی بشود یا نشود ، ملت ایران او را نمی‌خواهد و دست از مبارزه‌اش برنمیدارد تا انتقام جوانان به خون آغشته خود را بگیرد و اسلام و احکام آنرا از دست این دودمان نجات دهند " .

*

*

*

متن عربی و فارسی نامه یاسر عرفات به آیت الله خمینی (بمناسبت فوت فرزند آیت الله) ، اخیراً طی اعلامیه‌های پخش گردیده است .

یاسر عرفات در نامه خود (بتاریخ ۲۰ دیحجه ۴۷ برابر با ۱۰ آذر ۵۶) پس از اظهار تأسف و ابزاز تسلیم از "شهادت مرحوم سید مصطفی خمینی" و نیز ستودن استواری آیت الله خمینی در راه حق و بر علیه ستمگران ، چنین مینویسد : "امید بسیار داریم که قلب بزرگتان که فلسطین و جنبش انقلابی ، بخش عظیمی از آنرا در بر گرفته ، با مدد ایمان و جهاد علمی و عملی بر این مصیبت فائق آید . اطمینان کامل داریم که شما راه پیشینیان نیکو منش را ادامه خواهید داد ، راه مجاهدان نیکو ، راه خدا و انسان را و از اندیشه و عمل و دعای خویش آن مقدار نثار فلسطین و جنبش انقلابی آن خواهید کرد که گامان را در راه بازگرداندن میهن و مقدرات آن و در راه آزاد و پاک کردن بیت المقدس از آرایش استعمار و صهیونیست استوار و پایرجا دارد ."

آیت الله خمینی طی اعلامیه دیگری به یاسر عرفات پاسخ داده است که متن کامل آن ضمیمه است .

* * *

اعلامیه‌های در رابطه با جریان حمله عطال ساواک (۱) به مردمی که در باغ کاروانسرا سنگی کرج روز عید قربان اجتماع کرده بودند ، پخش شده است . اعلامیه پس از مقدمه‌های افشاگرانه راجع به شاه و سفر اخیرش به آمریکا و امتیازهای که طی آن به کارتر داده است (از جمله تثبیت بهای نفت) به شرح چگونگی واقعه میپردازد و در پایان اضافه می کند : " بطور قطع این اولین و آخرین اقدام ضد مردمی حکومت دست نشانده شاه خائن نمی باشد ، زیرا خود بهتر میدانند که این خوضریزیها و جنایات مبارزات بی امان خلق مستعدیده"

(۱) - خبری که بدست ما رسیده ، حاکی از آنست که بر طبق برنامه‌ای که از قبل تنظیم شده بود ، حدود ۸۰ نفر از درجده اران (استوارو . . .) پادگان ونک با لباس شخصی در اجتماع فوق شرکت کرده و به همراه برخی عناصر مزدور ساواک بمردم حمله ور میگردند . به این عده هشدار داده شده بود ، که

فرماندها نشان نیز نباید از موضوع مطلع گردند . هر وی طبقه کارگر

ایران را تشدید خواهد کرد و تظاهرات گسترده ای که از روز ۲۴ آبان در تهران و شهرستانها بر علیه حکومت خائنانه شاه و اربابان او ادامه دارد، خود دلیل گسترش مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمان ایران می باشد. شاه خائن و اربابان خارجی او باید بدانند که مشتهای گره کرده مبارزین خلق تا پیروزی کامل پیوسته پوزه های آنان را بنخاک خواهد مالید و نقشه های خائنانه آنها را عقیم خواهند گذاشت.

اعلامیه سپس با شعارهای زیر خاتمه می یابد:

پیروز باد مبارزات بی امان خلق قهرمان ایران
مرگ بر حکومت ضد مردمی شاه خائن

* * *

اعلامیه ای با اضا^۱ علی تهرانی (۱) و بصورت دستنویس پخش گردیده است. نویسنده در اعلامیه مزبور ابتدا بشرح اختناق و فشار حاکم بر جامعه ایران میبرد از و تبلیغات رژیم را در زمینه آزادیهای گوناگون سیاسی مکتبی و روح توصیف می نماید. وی در این رابطه به تبعید آیت الله خمینی اشاره کرده و خواستار بازگشت او به وطن می گردد. تهرانی موارد گوناگونی از جو پالیسی حاکم بر ایران را در رابطه با سانسور و منع انتشاراتی کتابها (از جمله کتب آیه الله خمینی) بگفته است. تعدد تعدادی از مجامع سب تبلیغ دینی و مانع از تشکیل جلسات عده ای از واعظان و مبلغان مذهبی و... را شرح میدهد.

وی در رابطه با مانعیت رژیم از برگزاری مراسم ختم پسر آیه الله خمینی در مشهد چنین مینویسد: "مگر چه میشد اگر مردم در روز جمع میشدند و چند سوره از قرآن را قرائت میکردند و برای بزرگداشت از آن مرحوم و تسلیت به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، کوبنده ای چند کلمه ای با آنها صحبت میکرد؟ این کارها علاوه بر آنکه کمال فشار و اختناق سیاسی را میرساند، دلالت بر نادانی و ناشایستگی اینها حتی در حفظ نظام استبدادی مورد نظرشان دارد."

(۱) - نویسنده کتابهای مذهبی نظیر انفال، اقتصاد اسلامی، امر به

معروف نهی از منکر و...

آرشیو اسناد سازمنا پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

تهرانی سه‌به‌پاره این نارسائیهای اقتصادی از قبیل گرسنگی ، بی‌پوشی ، شاک ، بی‌مسکونی و . . . اوضاع نابسامان کشاورزی و دامداری می‌پیدا کرد و اعلامیه را چنین پایان می‌دهد : " بار خدا یا ما را توفیق ده بیدار و آگاه شویم و با خدا کاری و مجاهدات انسانی و ایمانی از شر این اهرم‌فشان پیش از آنکه منابع طبیعی رو بپایانمان تمام شود برهیم و با باقیمانده ناچیز منابع طبیعی مان بوضع کشاورزی و دامداری و صنعتی‌مان رونق دهیم و از مرگ سیاهی که در انتظار اکثر ما و فرزندان ماست برهیم و در نتیجه وعده حتی خود را " و مزید آن ضمن علی الدین . . . و اراده می‌کنیم که منت گذاریم بر آنها که خوار و برده شدند و قرار دهیم آنها را وارث‌ها و جایگزینان ستمگران و براه کنندگان " بدست ما وفا کنی آمین یا رب العالمین

۲۴ ذی الحجه ۱۳۹۷ - مشهد مقدس

علی تهرانی

تهرانی در این اعلامیه علاوه بر اتخاذ موضعی ضد کمونیستی ، نگرشی عقب‌مانده و واپس‌گرا نسبت بمسائل جنبش و مسائل سیاسی روز دارد .

* * *

فلسطین الثورة (انقلاب فلسطین) - ارگان سازمان آزاد ییخستین

فلسطین - در مقاله ای بتاريخ ۲۵ وائویه ۱۹۷۸ و تحت عنوان " پیسرای آزادی امام خالقاتی و سایر زندانیان " ، زندگینامه مبارزاتی آیه الله طالقانی را درج کرده است . مقاله ضمن ستایش از مبارزات پیگیر امام محمود طالقانی مینویسد که وی در دوران دیکتاتوری رضا شاهی چندین بار بزندان افتاد و از سال ۱۳۲۰ در دوره حکومت محمد رضا شاه فعالانه در مبارزات جنبش ملی ایران شرکت داشت . پس از کودتای اهریالیستی سال ۱۳۳۲ ، طالقانی با شرکت فعالانه در جنبش مقاومت ملی " به مبارزانش ادامه داد و وی در سال ۱۳۴۰ در تاسیس " نهضت آزادی ایران " شرکت کرد و در سال ۱۳۴۲ همراه با سایر رهبران نهضت آزادی بازداشت و به ده سال زندان محکوم گردید . پس از گذشت ه سال که در اسارت بسر برد ، آزاد شده و به مبارزه اش علیه رژیم ادامه داد . وی بعلاوه دفاع از جنبش انقلابی مسلحانه بخصوص سازمان آزاد ییخستین فلسطین در سال ۱۳۵۳ ، مجدداً توسط رژیم دستگیر شد و تا اکنون در زندان بسر میبرد .

ازادی طبقه کارگر

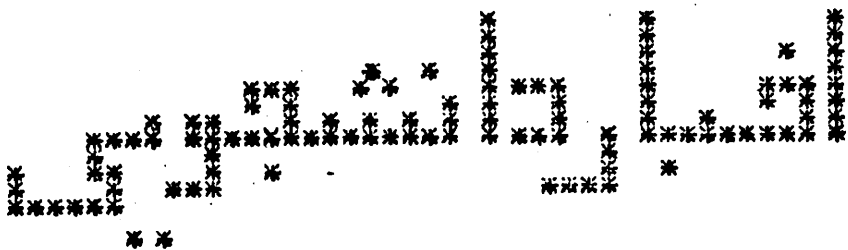
مقاله مزبور در دنباله مطلب می‌افزاید که آیه الله طالقانی در زندان به

افشا، ماهیت واقعی جنایات رژیم و مبارزه علیه آن میرد از دوازدهم کوششی برای پرده برداشتن از چهره کثیف رژیم، فروگذار نمی‌نماید. وی باین طریق توانسته است تأثیرات سازنده ای بر همکاران و اطرافیان خود چه در زندان و چه در تبعید بگذارد. آیه الله طالقانی همچنین از نخستین مبارزانی است که برای افشا، صهیونیسم و وابستگی همه جانبه رژیم به آن بپاخاسته و حمایت بیدریغ خود را از جنبش مسلحانه فلسطین بمجرد آغاز آن اعلام نموده است. وی علیرغم ممانعت‌ها و تلاشهای رژیم مزدور پشستیا، نی بیدریغ خود را از مسافعی خلق فلسطین هیچگاه قطع نکرد. آگستون "امام محمود طالقانی" به گناه دفاع از منافع مردم و مبارزه بر ضد ظلم به ۱ سال زندان محکوم شده است.

مقاله در پایان به نیروهای انقلابی سراسر جهان توصیه مینماید که بر ضد رژیم شاه و برای آزادی طالقانی و سایر زندانیان کوشش کنند و سپس با شماره‌های ذیل خاتمه مینماید:

"درد بر مبارزین پولادین، امام طالقانی و تمام مبارزان
و زندانیان در ایران"

* * *



اخبار مربوط به اعتصابها، تظاهرات و فعالیت‌های دانشجویان
دانشگاه پلی تکنیک

در اوایل آبان، ترجمه‌ای از "مانیفست حزب کمونیست" با امضای دانش-
آموزان کشور که بصورت دست‌نویس پستی گسیل شده بود، در این دانشگاه پخش
گردید.

روز ۴ آبان، اعلامیه‌های زیر در دانشگاه پخش شد: مقاله دست‌نویس
"شعارهای وحدت" و یک نسخه از "برای تشکیل جبهه...". انشعاب‌یافته
فدائیه‌ها (این مقاله در کنار هم گذاشته شده بود)، فاعیه چند تن از رفقای
مجاهد (در دانشگاه‌های سال ۵۰)، اطلاعیه "هاج سید جوادی" در ساره
سفر شاه به آمریکا و اعلامیه‌ای راجع به برگزاری چهل‌مین روز رگ‌زشت و کنش‌ریختی
در بیروت (با امضای دانشجویان مسلمان) همراه با عکسهای مختلفی از این
تجمع.

روز ۸ آذر، اطلاعیه‌ای راجع به وقایع کاروانسرا سفکی بوسیله دانشجویان
مذهبی به دیوار سفک سرریس نصب گردید. (۱) نگهبانی که قصد کندن این
اطلاعیه را داشت، با اعتراض و حمله دانشجویان متواری شد. بد نبال این جر-
بان دانشجویان شیشه‌های سفک را خرد کرد و بعد از کس شعاردان‌ها در حالت کار
پراکنده شدند. ضمناً رهن روزها (اوایل آذر) اعلامیه‌ای راجع به اعتصابات و تظاهرات
ات اخیر دانشگاهها از طرف دانشجویان پستی تکنیک پخش گردید که ضمن آن از ا-
نشجویان خواسته شده بود، تظاهرات خود را هم‌زمان مردم مپبرند (۲)

روز ۹ آذر اعلامیه‌ای راجع به روز دانشجویان (۶ آذر) از طرف دانشجویان مبارز
مسلمان پخش گردید.

روز ۷ دی اعلامیه‌ای دست‌نویس، در مورد حمله به چاپخانه ۲۰ شهر پور پخش گردید.

(۱) - در پایان این اطلاعیه نوشته شده بود: "دانشجویان مورد انتقام خود

را از پامیس درخیم خواهند گرفت" ولی روی این جمله را چسب زدند.

(۲) - به طور کلی اعتقاد به کساندن سطح فعالیت‌های دانشجویان از معدود و صنفی

به سیاسی و امنکاس هرچه وسیع‌تر آن در میان اقشار گوناگون خلقی، مهتریند ستا-

ورد حرکت رشد یابند. جنبش دانشجویی است که تظاهرات اخیر خیابانی دانشجویان

پان پخویی متجلی گردید. اظهار نظرات پراکنده مفرض نسجم تنی چند از دانشجویان

پارسی ← پلی تکنیک که در مجموع حاکی از وجود یک جریان مترقی و رو رشد در میان ما - دانشجویان آگاه و پیشرو این دانشکده می باشد که عموماً در همین رابطه قابل تحلیل است. یکی از دانشجویان معتقد بود که وظیفه گمنامی دانشجویان ایجاد همبستگی میان دانشجویان کلیه دانشکده ها و هماهنگی هر چه بیشتر فعالیتهای آنانست. وی می گفت چون تحقق این امر در سطح دانشکده ها عملاً امکان پذیر نیست می بایست سازمانها - ی غیر از دانشجویی (ظاهراً منظور سازمانهای پیشتاز است) به تشکیک میان دانشجویان کمک کرد و آنرا در جهت منافع عموم زحمتکشان سوق دهند. نظیر این اظهار نظر را زهم از دانشجویان شنیدم. هدف است که سازمانهای انقلابی دانشجویان را از پایداری بردارند و اقدامی جهت متشکل نمودن آنها صورت نمیدهند.

چند تن از دانشجویان می گفتند: "باید هر چه زودتر فعالیتهای صنفی را

به مرحله سیاسی کشاند و آنرا از داخل دانشکده ها به بیرون و میان مردم برد. بطوریکه خواستهای آنان نیز مطرح گردد و بدین ترتیب آبروی از دست رفته دانشجویان (بعد از اعتصابات شرکت واحد) دوباره بدست آید، مردم به قدر آگاه اطمینان بیشتری بیابند."

یکی دیگر از دانشجویان می گفت: "کار صنفی وقتی ارزش خود را بدست می آورد که بتواند به کار سیاسی ارتقا یابد. از این جهت بیشتر دانشجویان فعال در امور صنفی در تظاهرات و پخش اعلامیه شرکت فطال دارند." دیگری عقیده داشت: "با پخش اعلامیه های دانشجویی در خارج از دانشکده ها میتوان به تشکیک دانشجویان و همچنین جلب اعتماد مردم کمک کرد."

در کنار این نقطه نظرات پیشرو و مترقیانه با جریانهای انحرافی و نظرات متفاظه کارانه و لیبرالی بسیاری دیگر از دانشجویان نیز روبرو هستیم. عده ای از دانشجویان پلی تکنیک عقیده دارند که بهترین راه برای پیشبرد اهداف سیاسی، همبستگی تمام دانشجویان است و ما بدون آنکه از ایدئولوژیهای مختلف ترسی داشته باشیم. بایست به تشکیک نمایندگان این ایدئولوژیها کمک کنیم. در جریان عمل بهترین تئوریها نضج گرفته و ایدئولوژیهای غیر علمی محکوم به زوال میگردند. در رابطه با این نقطه نظر است که در کتابخانه دانشجویی کتابهای آل احمد و شریعتی و... گذاشته شده است. پایان پارسی "

در روزهای اول دی، دانشجویان پلی تکنیک قسمتی از نامه "چریکهای فدائی خلق ایران" خطاب به "کانون نویسندگان و شاعران" را دستنویس کرده و در سلف سرویس دانشگاه گذاشته بودند.

روزه دی ترجمه مقاله ای از اشپنگل در سلف سرویس دانشگاه پخش گردید. در این مقاله مطالبی در مورد اوضاع ناپسندان اقتصادی و سیاسی ایران (روی کار آمدن آموزگار، وضع نفت، چگونگی صادرات و واردات و بودجه نظامی) درج گردیده است.

روز ۶ دی اعلامیه ای که بشرح تظاهرات دانشجویان در روز عاشورا پرداخته بود، پخش گردید.

روز ۷ دی ماه اعلامیه هائی مبنی بر لزوم تحریم کلاسها بظهور اعتراض به ورود کارت به ایران در دانشگاه پخش گردید. همچنین اعلامیه ای دستنویس در مورد حمله دانشجویان به چاپخانه ۲۵ شهریور (که خلاصه متن آن در قسمت آخر اخبار دانشجویی خواهد آمد) و نیز اعلامیه گفت و راسیون جهانی - کمیته ملی در لندن - در دانشگاه گذاشته شد. اعلامیه فوق ضمن شرح تظاهرات دانشجویان

ایرانی در سفر شاه به آمریکا تاکید نموده است که شرط همبستگی جنبش دانشجویی در خارج از کشور، مرز بندی مشخص با نظرات سران حزب توده است، در دانشگاه پخش گردید. دانشجویان برای خواندن اعلامیه های منور یکدیگر را خبر میکردند.

روز ۱۰ دی بدنبال شکست تظاهرات سه روز قبل، دانشجویان از پنج ساعتان مختلف، بانسختن شیشه ها و ادب شعارهای سیاسی دستبه تظاهرات میزدند. مضمون شعارها از اینترابود است: "مرگ برکاتر"، "مرگ پرتشاه"، "مرگ برای حکومت امپریالیستی فاشیستی"، "یامرگ یا آزادی" و... در این روز رئیس و معاون دانشگاه در محلهای مختلف حضور یافته و مذبحخانه برای آرام ساختن دانشجویان تلاش مینمودند، ولی در همه جا با فریاد های "مزدور" و اعتراضات شدید دانشجویان روبرو شدند و اجبارا ساکت میشوند. پس از پایان تظاهرات رئیس مزدور کار در دانشگاه بیان را در گروههای (نفی از دانشگاه بیرون کرد) این کار و ساعت بطول انجامید.

در جریان این تظاهرات کسی دستگیر نگردید.

تظاهرات و اعتصابات بنامست مبارزات خونین مردم قم - از تاریخ ۲۴

دی تا اول بهمن بدست یک هفته کلیه کلاسها تعطیل بوده و همین امتحانی برگزار نکردید.

صبح روز شنبه ۲۴ می ماه، همزمان با آغاز امتحانات، شایعه^۱ شهادت ۳۰ نفر در قم، اعلام عزای عمومی از جانب علمای قم، در این شهر و تعطیل شدن بازار و اردو ارس قم، پخش گردید. آنروز اعلامیه های مختلفی راجع به جریانات قم، در این دانشگاه میخسند شد. در اعلامیه های که از طرف "دانشجویان مبارز دانشگاهها و اردو ارس عالی" انتشار یافته بود پیشنهاد تعطیل کلاسها به مدت یک هفته بعنوان حمایت از مبارزات مردم قم، مطرح گردید بود.

ساعت ۱۲، تظاهرات دانشجویان از سلف سرویس آغاز گردید. معده^۲ زیاد از این دانشجویان در این تظاهرات شرکت داشتند. گارد مزدور، در دانشجویان را مورد حمله قرار میداد. لیکن با مقاومت آنان مواجه شده بود. رگیزی و خورده شدیدی میان دانشجویان و مأمورین روی می داد. سرانجام دانشجویان مأمورین را مجبور به فراری کردند و مأمورین جیب حامل گارد را نیز مورد حمله قرار می دادند. در اثر رسیدن نیروهای کمکی گارد دانشجویان متفرق شده بود. دانشگاه های مختلف میروند و از دانشگاه های هرق، مکه، نیک، ساختمان سلف سرویس و کتابخانه، دانشگاه به مأمورین گارد حمله می کردند و بعد از رگیزی مجدد، دانشجویان بتدریج از دانشگاه میخسند. در این جریان عددی از افراد گارد مجروح شده و گویا یک نفر از دانشجویان نیز دستگیر میگردد. این تظاهرات در حدود ساعت بطول انجام میداد. در طول مدت تظاهرات، دانش آموزان در بیستان البرز که جنب دانشگاه ملی تکلیک قرار دارد با سروصدا و هتوکردن پلیس از دانشجویان حمایت می کردند. آنروز همچنین امتحانات دانشگاه به عملاً بحال تعطیل درآمد و همین امتحانات برگزار نشد. اوضاع این دانشگاه تا شنبه اول بهمن ماه متشنج بود و اجرای امتحانات نیز متوقف ماند. مقابل مزدوران گارد به ضرب و شتم دانشجویان پرداخته و کارت دانشجویی کسانی را که بد آنها مظنون بودند می گرفتند. از هفته اول بهمن اوضاع بتدریج بحالت عادی برگشته و امتحانات انجام می گردید. اما امکان کار مزدوران گارد به ضرب و شتم دانشجویان و گرفتن کارت های دانشجویی (البته باشد که کمتر از گذشته) میبرد اختفت.

۹ بهمن (روزیکه احتمالاً امتحانات پایان میرسد) مأمورین گارد مانع ورود دانشجویان بداخل دانشگاه شدند. هرست به اعمال وحشیانه ای بردند (۱) که گویا در یکی از همین برخوردها بین یک نفر از دانشجویان و چند تن از مأمورین گارد رگیزی و خورده بوجود میآید.

(۱) - رئیس گارد (میرکرد) میخواست به اداریک در خرمند همین راجزور از سوسن بر-

روزشنبه ۲۹ بهمن (اولین روز تشکیل کلاس بعد از تعطیلات ترم). اعلامیه‌ای پخش شد که ضمن آن از دانشجویان خواسته شد مهود که بعنوان احترام و هبستگی باشند - ای قم کلاسها را تحریم کنند تعداد زیادی از کلاسها تشکیل نشد. حوالی ظهر نیز با - د بود شهید ای قم یک قیفه سکوت اعلام کردید .

روز یکشنبه ۳۰ بهمن نیز کلاسها تعطیل بود. ظهر در سلف سرویس چند اعلامیه توزیع شد دانشجویان مدعی پخش شد. یکی از اعلامیه‌ها از طرف حوزه علمیه قم انتشار یافته بود که ضمن آن چهارمین روز شهید ای قم (مصادف با سالروز شهادت د و تن از " مجاهدین قه‌فاطی و موحدی - " د ززند ان) اعلام شد و از مردم خواسته شده بود که د و مجلس ختم شهید اد رقم شرکت کنند .

اعلامیه د یگر از جانب " پیام انقلاب " (۱) د رمورد مبارزات مردم قم منتشر شده بود. اعلامیه مزبور ضمن حمایت از مبارزات خلقی مردم کشور ما، از تشکیل یک حکومت اسلامی جانبداری نمود و بیا شعارها، یخدا امپریالیستی پایان می‌یابد .

روز دوشنبه ۱ اسفند، اعلامیه د دانشجویان د انشگاه تهران د سلف سرویس نصب گردید . د رایین اعلامیه پس از اشاره به ضرورت اداره امور صنفی بدست خود د انشجویان و ضمن تأکید روی قانونی بودن این امور، حمایت روشنفکران و نویسندگان از فعالیتهای صنفی د انشجویان اعلام شده بود . د انشجویان طی این اعلامیه خواسته‌های زیر را در برابر مقامات د انشگاه تهران مطرح کرده بودند :

۱- اداره امور صنفی بدست خود د انشجویان .

۲- آزادی کلیه د انشجویان د ستگیر شده .

۳- ثبت نام کلیه د انشجویان اخراجی و لغو فشار بر والدین د انشجویان برای ثبت نام فرزندان .

اعلامیه مذکور با آیه‌ای از قرآن خاتمه می‌یابد .

مدتی پس از نصب این اعلامیه، رئیس مزد و کارگاه همراه با تعدادی از مأمورین وار د سلف سرویس شد مهود ازیرا کند ه کردن د انشجویان، اعلامیه را از دیوار می‌کند . د انشجویان که از این همه و تاحات مزدوران بخشم آمده بودند، سلف سرویس را به هم ریخته و پس از آن به مأمورین کارگاه (د ر خارج از سلف سرویس) حمله و می‌شوند . بدنبال این امر مزدوران کارگاه متواری شد مهود انشجویان د محوطه د انشگاه د دست به تظاهرات می‌زنند . مأمورین د رحالیکه کاملاً قدرت عمل را از دست دادند بودند بنحوی پراکنده

← داشته‌ها و او را بازرسی می‌نمایند . د انشجویان بعضی اطلاع از این وضع جلوی

به نبال دانشجویان می‌دویدند. پس از بدترین رئیس و معاون دانشگاه به محوطه آمدند و دانشجویان تظاهر کردند مراکه اکنون بطور پراکنده و در هر گوشه به شعار دادن مشغول بودند آرام می‌کردند. آنروز تا بعد از ظهر وضع دانشگاه مشتعل بود و تقریباً هیچ کلاسی تشکیل نشد. شعارهای مطرح شده در این تظاهرات عبارت بود از: "درود بر فدائیان" "درود بر مجاهد" "مزد و بربر و گمشو" ...

به نبال این جریان لیستی از اسامی دانشجویان فعال صنفی در دست کار قرار گرفت و بموجب آن ۳ نفر مدت یک هفته و نفری مدت یک ترم از تحصیل محروم شدند. گفته میشود که قرار بود ۶۰ نفر مدت یک ترم از تحصیل محروم گردند ولی بسبب مخالفت استادان این تصمیم عملی نشد. همچنین شایعست که کار به دانشگاه فشار می‌آورد که چنانچه "دانشجویان اخلاک‌گرا" از تحصیل محروم نگردند، بازداشت خواهند شد. مقامات دانشگاه نیز منظور جلوگیری از بازداشت دانشجویان، آنها را محروم مینمایند (اینهمه حسن نیت چگونه تعبیر می‌گردد؟)

روز چهارشنبه ۱۱ اسفند، بمظهور بررسی مسائل دانشجویی جلسه‌ای با شرکت تعداد زیادی از دانشجویان برگزار گردید. معاون امور آموزشی دانشگاه نیز در این جلسه شرکت کرد و اشت و روی سخن دانشجویان بیشتر با وی بود. ابتدا در مورد دانشجویی که از طرف ارتش ویدون گنکورید برافته شده بود و اکنون به درخواست ارتش از دانشگاه اخراج شده بود صحبت شد (دانشجویان مدعی هستند که این مسئله تأکید شد). سپس مسئله اخراج کار و بخصوص نگهبانانی که از طرف دانشگاه در نقاط مختلف مستقر شده‌اند مطرح گردید. دانشجویان همچنین خواستار لغو محرومیت تحصیلی دانشجویان اخراجی شدند. سوئی لیند مقابل تمام این درخواستها به ادعای ابهامی غیر منطقی اکتفا کرده و مسئله اجبار و عدم مداخله مقامات دانشگاه را مطرح میساختند.

روز و شنبه ۱۸ اسفند ساعت ۵/۰۰ صبح حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان دست به

← در اژدها حاکم کرده و به هر کس نسر کرد و اعتراض به او کرد اختفتند. او نیز با گشتن کتابهای دختر دانشجویی، وی را به داخل راه می‌دهد. آنروز چند تن دیگر از دانشجویان نیز که وسایل کوهنوردی را از دانشگاه خارج می‌کردند مورد بازرسی مأمورین کار قرار گرفتند و مرکز کار فرستاده شدند.

← (۱) - متن خلاصه شده اعلامیه‌های از این گروه تحت عنوان "بیانیه سیاسی در باره شرایط کنونی ایران" در زین نامه شماره ۴ درج گردیده است. گروه مزبور ضمن این بیانیه، تفصیلاً مواضع ایدئولوژیک سازمان را توضیح می‌دهد و می‌گوید که ساختن

تظاهرات زدند. (به پشتیبانی از قیام خونین مردم تبریز) باد خالت مزدوران کار
 د انشجویان که به سنک و آجر مجهز بودند، در داخل ساختمانها موضع گرفته و
 اقدام بمحله می نمایند. مأمورین نیز بدستور فرمانده، گارد متقابل اوسپله، سنک به
 د انشجویان جمله ور میگردند. د انشجویان بعد از چند بار محله به گارد، یکباره به
 ور ریخته و با توسل به سنک، چوب، پایه‌های چغندلی و... مأمورین را متواری میگردانند
 و سپس مجدد ابد داخل ساختمانها برگشته و متناوباً محله به مأمورین را از سر می
 گیرند. سرانجام با رسیدن نیروهای کمکی پلیس، د انشجویان پراکنده گشتند. د راین
 جریان چند تن از مأمورین گارد بشده متضروب گشتند. خون شکارهایی که د انشجویان
 ضمن محله به مأمورین گارد میدادند عبارت بود از: "خلق پامی خیزد، جلا د خون
 میریزد"، "د رود برفد ائی، د رود بر مجاهد"، "مزد ور پروگوشو"، "یامرک یا آزا
 دی"، "مرک بر این حکومت پلیسی" و "پلیس تو بیگانه" فرماندهات مزدور است."
 بدنبال رسیدن نیروی کمکی پلیس و پراکنده شدن د انشجویان، مأمورین گارد بد داخل
 ساختمانها حمله کرد و د انشجویان را با اعمال زور و بطور تک نفری مجبور میگردند شعار
 "جاوید شاه" بد دهند و سپس آنها را از انشکه به بیرون میگردند. خشونت وحشیانه
 مأمورین نسبت به د انشجویان و محله، آنها به کلاسهای درس موجب اعتراض استادان
 د آن بهر رئیس د انشکه، گردید. وی نیز بناچار وساطت کرد و مواز فرمانده، گارد خواست
 که خشونت کتبی بخرج د هد. مزدوران گارد قبول کردند بشرط آنکه د انشجویان بر
 علیه شاه شعارند دهند، دست از اعمال وحشیانه خود بردارند و د انشجویان نیز
 بد برفته و بجای آن شعار "مرک بر این حکومت فاشیستی" را میدادند.

د جریان این تظاهرات بعد های از د انشجویان بشدت متوجروح شد و به بهارستان
 انتقال یافتند. بعد ازی د یگرنیزه ستگیر شدند که از آن میان، نفرزابه د اد گستری
 تحویل د اد هوستیه را آزاد نمودند. بازرسی بدنی از د انشجویان نیز تا چند روز بعد از
 تظاهرات ادامه داشت. د راین جریان بعد های از استادان نیز مورد حمله قرار گرفته و
 مضروب گردیدند.

روز سه شنبه و چهارشنبه و... اسفند، استادان د انشکه به بعنوان اعتراض به
 حمله، مزدوران گارد به د انشجویان و استادان، از تشکیل کلاسها خودداری کردند
 و طی جلسه ای تصمیم گرفتند تا وزارت علوم به این جریان رسیدگی کند، از شرکت د رکلا
 سها خودداری نمایند. متعاقب این جریان د انشکه به تقریباً تعطیل شد و مواز ورود د
 انشجویان معاونت بعمل میآید.

اعتصابات ، تظاهرات و . . . دانشجویان دانشگاه تهران

* در ترم اخیر ، دانشجویان اغلب دانشگاه‌های تهران ، فعالیتهای صنفی خود را مجدداً آغاز نمودند . در اکثر موارد دانشجویان خود اتاق مناسی را شناسائی کرده و قفل آنرا شکسته‌اند و فعالیت مورد نظر خود را (کتابخانه ، اتاق کوهنوردی و . . .) در آنجا دایر کرده‌اند . این اقدام دانشجویان غالباً (باستثنا دانشگاه علوم که در این رابطه میان دانشجویان و مامورین گارد درگیری بوجود آمد) با عکس العمل خشنی از جانب مقامات دانشگاه مواجه نبوده است .

اعتصاب و فعالیتهای دانشجویان دانشگاه تهران

بدنبال بسته شدن کتابخانه دانشجویی این دانشگاه و اقدامات دانشجویان ، بیان به‌منظور بازپس گرفتن آن ، این مرکز صنفی فعالیت خود را مجدداً آغاز نمود ، ولی با محرومیت ۱۷ تن از دانشجویان به مدت ۱۰ الی ۳۰ روز ، تشکیل کلاسها تحریم شده و کتابخانه نیز بعنوان اعتراض به این مسئله ، از جانب دانشجویان تعطیل اعلام گردید . دانشجویان بدنبال این اقدامات خواهان لغو محرومیت دوستان خود گردیدند . روز دوشنبه ۱۰ دی دانشجویان قصد داشتند با رئیس دانشگاه پیرامون این موضوع صحبت نمایند ولی با عدم حضور وی در دانشگاه مواجه گشتند . در این ضمن مامورین گارد محوطه را محاصره کرده و وارد ساختمان شدند . یکی از افسران مزدور گارد دانشجویان را یکی یکی بیرون کرده و تحویل قماربندان گارد میداد و آنها نیز پنحوی و وحشیانه دانشجویان را مورد ضرب و جرح قرار میدادند . بدنبال اقدام وحشیانه مامورین ، دانشجویان تصمیم به لغو برنامه امتحانات گرفتند ، ولی مقامات دانشگاه بکمک گارد مانع عملی شدن این تصمیم گشتند ، وعده‌های در امتحانات شرکت نمودند . متعاقب این جریان یکی از دانشجویان مزدور عضو اتحادیه فرمایشی دانشجویان را که خود در امتحانات شرکت نموده و دیگران را نیز تشویق به این عمل می‌نمود ، بسختی تنبیه کردند . درین آن دانشجویان اعلامیه‌ای پخش نمودند و ضمن توضیح دلایل خود برای ضرورت ساختن دانشجویی مزدور تعدادی دیگر از دانشجویان وابسته را نیز تهدید کردند . اقدام قاطعانه دانشجویان مانع شرکت پاره‌ای افراد متزلزل و محافظه کار در امتحانات گردید و بااستثنا افراد ارتشی و اعضای اتحادیه فرمایشی ، کسی در امتحانات شرکت ننمود .

من اعلامیه توضیحی دانشجویان در خبرنامه ؛ درج گردیده است .
 و انشکده علوم اجتماعی و تعاون - بدنبال بسته شدن کتابخانه
 دانشجویی این دانشگاه ، از ابتدای ترم جدید تشکیل کلاسها توسط
 دانشجویان تحریم گردید . متعاقب این جریان ، اساسی تعدادی از
 دانشجویان در لیست سیاه قرار گرفته و عده ای نیز اخراج شدند .
 این امر نارضایتی و اعتراض دانشجویان میگردید . طی اقداماتی که
 دانشجویان در این زمینه بعمل میآوردند ، ظاهر ا جریان لیست سیاه (اساسا
 می دانشجویان که قرار بوده از آنها ثبت نام بعمل نیاید) منقusi شده و
 دانشجویان اخراجی نیز باز گردانیده میشوند ولی مسئله کتابخانه همچنان
 لاینحل میماند . با عدم تشکیل کلاسها در ترم علیرغم اعلام امتحان از
 جانب دانشگاه هیچ امتحانی برگزار نمیگردد .

ضمنا روز دومی یکی از دانشجویان ساواکی دانشگاه علوم اجتماعی و
 تعاون در محوطه کبوی دانشگاه توسط دانشجویان بمبختی تنبیه گردید .
 شایع است که دانشجویان در جیب این شخص اسلحه پیدا کرده اند .
 دانشگاه کشاورزی کرج - اخیرا در این دانشگاه
 قشربات حزب توده بطور مده اوم و در سطح
 وسیعی پخش میگردید . این امر دانشجویان
 خوابگاه این دانشگاه را واداشت که " توده ای ها"
 را شناسایی کرده و پس از
 نظر داشتن اعمال
 آنها ،

فعلالینتشان گردند .

ارشید استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

د انشکده فنی

از آنجائمه تنها ، نفر از انشجویان این د انشکده ، امتحانات ترم اول را برگزار ترم قبلی از طرف د انشکده ه منحل اعلام شد هوبه ثبت نام ترم جدید پدید آورد اختهاند . اما از انشجویان سال اول که از ان امتحان خود د اری کرده ه بودند ، ثبت نامه عمل نیامد ه و اعلام شد ه است که این عده ه می بایست همراه والدین خود بد انشکده ه مراجعه و ثبت نام کنند . همچنین حد اقل ۳ نفر از انشجویان بمدت سه ترم اخراج شده ه اند که احتمالاً به سرپازی فرستاد ه میشوند .

مقامات د انشکده ه همچنین طی جلسه ای با حضور والدین د انشجویان سال دوم ، ثبت نام این گروه از انشجویان را موکول به تعهد پدید روماد رها مبنی بر حضور نر زنده ان شان د و کلاسها و برگزاری مرتب امتحانات نمودند .
د ر هفته اول اسفند ماه د انشجویان بعنوان اعتراض به معانعت د انشکده ه از ثبت نام عده های از انشجویان ، نزد رئیس د انشکده ه رفته و از او میخواستند که از کمیته د انشجویان ثبت نام بعمل آورد و در غیر این صورت استعفا دهد . وی نیز قول میدهد د ز این مورد تلاش کند .

ضمناً از آغاز ترم جاری مراکز نشی د انشجویان مجدداً فعالیت خود را آغاز نمود ه اند . گویا د انشجویان خود مبادرت به باز کردن این مراکز نمود ه و سوء لید د انشکده ه نیز از آن معانعتی بعمل نیآورد ه اند .

د انشکده ه اقتصاد

ترم اول این د انشکده ه منحل اعلام شد ه و از انشجویان (باستثناء د انشجویان سال اول) ثبت نام مجدداً بعمل آمده ه است ، بدنبال این جریان د انشجویان مکرراً به رئیس د انشکده ه - مشکوّه - (که برای سومین بار د رطول یکسال عودت شده ه است) مراجعه کرد ه و خواستار ثبت نام د انشجویان سال اول شده ه اند . اما وی بیبهبانه اینکجه تازگی به مقام ریاست منصوب شده ه و از جریاناتی که میگذرد بی اطلاع است از خود سلب مسوولیت مینماید .

ضمناً تعد ادی از انشجویان این د انشکده ه نیز بدنبال تظاهرات و اعتصابات اخیر د انشکده تهران ، از تحصیل د رند انشکده ه محروم شده ه اند .

د انشجویان بمنظور تهابال نظریه ر امون مسائل فوق جلسه ای تشکیل میدهند و ضمن آن تصمیم میگیرند که تاروشن شدن وضع د انشجویان اخراجی و د انشجویان سال اول که بگفته ه مقامات د انشکده ه جز د انشجویان بشمار

نمیروند (۱) ، از حضور در کلاسها خودداری نمایند . در این تصمیم کلیه کلاسها تعطیل میگردند . مضامین این جریانات استادان دانشکده اقتصاد یاد انشجویان همراعی نشان داده اند . ظاهرا بین رئیس جدید دانشکده و استادان اختلافاتی وجود دارد که منجر به بروز دو دستگی میان آنان گشته است .

اخبار مربوط به اختصایات ، تظاهرات* و . . . دانشجویان دانشگاه صنعتی

روز شنبه ۳ دی تعداد زیادی اعلامیه از جانب جبهه ملی ، انشعابین‌نهادی و نشریه نوید (ارگان د اردوستانه گیتته مرکزی حزب توده) پخش شد .

روز ۲۰ دی تظاهراتی در دانشگاه صنعتی بمناسبت مبارزات مردم قم در ترفرت و شعارهایی در این رابطه داده شد .

روز چهارشنبه ۲۱ دی بمناسبت شهادت یکی از دانشجویان (حسن بصیرزاد) روزندان ، تظاهرات گسترده‌ای برپا میگردند . در جریان این تظاهرات دانشجویان پوستر بزرگی از دانشجوی شهید را در حالیکه در قسمت بالای آن تصویر تنگی که از لونه آن خون میچکید ، نقش بسته بود ، از طبقه دوم ساختمان مجتهدی آویزان میکنند . با ورود ماشین ریوگارد به محوطه دانشجویان که با جمع آوری مقدار بزرگی سنگ و آجر و . . . خود را آماده کرده بودند ، به ماورین گارد حمله و میگردند . در این جریان ماشین گارد سونگون میشود . بدنبال آن دانشجویان از ساختمان بیرون آمده و شروع به شعار دادن مینمایند . مضمون شعارها تماما سیاسی و برخلاف گذشته است . سرانجام با مداخله گارد دانشجویان پراکنده میشوند .

تظاهرات بمناسبت قیام خونین مردم قم - روز شنبه ۲۴ دی ، دانشجویان دویارچه بزرگ را از طبقه چهارم ساختمان مجتهدی آویزان میکنند . روی یکی از آنها کاریکاتور شاه با نقش پرچم آمریکا در بالای سر آن تصویر شده و زیر آن این جمله نوشته

(۱) - دانشجویان سال اول این دانشکده در جریان اختصایات مردمی اول سرک کت فعال داشته اند . ظاهرا همراهی کامل این دانشجویان برای مقامات دانشکده غیرمنتظره بود و روی این اصل تصمیم به ارجاع آنها گرفته اند اما برخلاف تصور آنها همین امر موجب ایجاد تشکک و وحدت نسبی میان این گروه و سایر دانشجویان گشته است و اقدامات تفرقه آميز مسولین جهت جدائی آنان از دانشجویان سایر لهای بالا عمدتا با شکست مواجه شده است .

(۲) - وی دانشجوی رشته متالورژی دانشگاه صنعتی بود و ظاهرا یکسال تحت شکنجه مزدوران ساواک قرار داشته است .

شده بود: " شاه قاتل مردم قم است ". روی پارچه دیگری بزرگ قرمز پسند
تصویر آیت الله خمینی نقش بسته بود. دانشجویان بدنبال این اقدام پسند
ماشین کاره حمله کرده، ضمن خورد کردن شیشه های آن بهاداری شعارهای
سیاسی برداختند. راننده اتومبیل کار در این جریان متواری گردید. تظاهرات
هرات خشمگینانه دانشجویان سرانجام با مداخله کار پایان میگردید. روز بعد
تیم از جانب دانشگاه محل اعلام میگردد.

گویا اخیراً ثبت نام مجدد از دانشجویان بعمل آمده، امتحانات از ۲۲
بهمن ماه آغاز شده است.

روز شنبه ۲۹ بهمن ماه نیز بمناسبت چهلمین روز شهید ای قم، دانشجویان
به مدت یک هفته اعلام اعتصاب کرده، کلیه امتحانات لغو و بدنبال آن دانشجویان
تظاهرات برپا نمودند.

* * *

اخبار مربوط به اعتصابات، تظاهرات و... دانشجویان دانشکده
علم و صنعت

۲ دی، بدنبال پخش اعلامیه ای بعنوان اعتراض به ورود کاپتر، تشکیل
کلاس در روزهای ۱۰ و ۱۱ دی تحریم شد. از روز ۱۲ دی ماه مجدداً کلیه
کلاسها تشکیل گردید.

اواسط دی ماه اعلامیه های زیر در دانشگاه پخش شد:

۱- اعلامیه کارگری اردیبهشت ماه سازمان مجاهدین خلق ایران - ۲-

پیام دانشجوی سازمان چریکهای فدائی خلق - ۳- اعلامیه توضیحی بستک
گروه مبارز دانشجویی که در میدان تلفخانه نارمک دست به تظاهرات زده، طی
آن پرچم آمریکا را به آتش کشانده بودند (متن کامل این اعلامیه در خبرنامه
داخلی شماره ۴ درج شده است) .

در ماه آذر نیز اعلامیه " توضیحی چریکهای فدائی خلق درباره انفجار شهر
داری شهر ری، ارقامی از روزنامه کیهان (در مورد افراد بیخاتمان)، نشریه
" دانشجویان اسلامی خارج از کشور " و همچنین اعلام مواضع " گروه تشعبه " .
پخش شده بود .

تظاهرات دانشجویان بمناسبت نظام خونین مردم قم - روز شنبه ۲۴ دی

اعلامیه ای درباره جریانات اخیر قم و شهادت عده ای از مردم پخش شدند و

بدنهای آن بیت از... نفر از دانشجویان تظاهرات گسترده ای برپا نمودند .
 (بنا بقولی تعداد تظاهرکنندگان از مرز ۲۰۰۰ نفر گذشته بود) ضمن تظاهرات
 هرات دانشجویان با مامورین گارد درگیر شده و به زد و خورد با آنها پرداختند .
 در این جریان تعدادی از مزدوران گارد مجروح شدند و بدنهای آن مامورین
 بناچار عقب نشینی کردند . گروه دیگری از دانشجویان پس از شکستن شیشه
 های ساختمانها ، به اتاق رئیس دانشکده حمله کرده ، کلبه وسایل آنها از بین
 بردند . معاون مزدور دانشکده نیز توسط این گروه از دانشجویان ضروب
 گردید . بدنهای عقب نشینی مامورین به مرکز گارد دانشجویان داده تظاهرات
 را به خیابان کشانده و تا حدود خیابان سیمتری نارمک پیش رفتند و در آنجا با
 رسیدن نیروهای کمکی گارد شهرتانی پراکنده گشتند .

در جریان این تظاهرات حدود ۲۰ تن از دانشجویان (بقولی ۶۰ نفر) دستگیر
 شدند . این عده را به مرکز گارد برده و بشدت ضروب ساختند . با نگاه برای
 آزادی هریک از دانشجویان بازداشت شده ، مبلغ ۱۰۰ هزار تومان وثیقه
 تعیین نمود . غیر از چند نفر که با دادن وثیقه آزاد شدند ، بقیه هنوز در
 زندان بسر میبرند .

شایعاتی مبنی بر گشته شدن دو تن از دانشجویانی که در جریان زد و
 خورد مجروح گشته و به بیمارستان انتقال یافته بودند ، وجود دارد .
 تظاهرات فوق که با همکاری دانشجویان مذهبی و غیر مذهبی سازمان یافته
 و رهبری شده بود (۱) ، از دامنه گسترده ای برخوردار بود . بطوریکه از آن
 بعنوان شدیدترین برخورد اعتراض آمیز و متشکل دانشجویان علم و صنعت در
 چند ساله اخیر نام میبرند .

شکل گیری چنین تظاهرات گسترده ای علیرغم وجود برخی زمینه های نامسا-
 عد (۲) در این دانشکده که اثرات منفی و بازآرنده خود را بکرات نشان

(۱) - در جریان تظاهرات شعارهای مذهبی نیز داده میشد .

(۲) - در دانشکده علم و صنعت ، دانشجویان مذهبی از اکثریت قایل
 ملاحظه ای برخوردارند و در میان آنان دانشجویان مرتجع نیز نسبتاً زیاد
 می باشند ، بطوریکه در پاره ای امور صنفی ، دانشجویان مذهبی از جانب
 مقامات دانشکده و در مقابل دانشجویان غیر مذهبی آگاه و فعال ، حمایت
 میگردند . این اختلاف سبب بروز تاهاهنگی همزمان زیادی در فعالیتهای

داده است، حاکی از اعتلای روزافزون شرایط انقلابی و رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر مبارزات دانشجویی در سطح دانشگاههای ماست. دانشجویان مبارز علم و صنعت در جریان این تظاهرات نشان دادند که بسیج توده های دانشجویی از طریق فشرده گردانیدن هرچه بیشتر صفوف دانشجویان پیشرو و تکیه بر ضرورت همکاری و وحدت میان آنان در عمل مشخص و در چهارچوب جنبه های دموکراتیک جنبش دانشجویی، عملاً امکان ناپذیر خواهد بود. بعلاوه ضرورت وجود سازماندهی و رهبری متشکل برای یافتن صحیح ترین شیوه های مقابله با عناصر مزدور دشمن ایجاب مینماید که دانشجویان در جریان بیان مبارزه دموکراتیک خود موثراً اختلافات ایدئولوژیک و مسلکی را کنار گذاشته، بچاره یکپارچه با دشمن برخورد کنند.

* * *

تظاهرات دانشجویان دانشگاه ملی بمناسبت تظاهرات خنجر در قم

بمناسبت بزرگداشت شهدای قم، تظاهرات نسبتاً پررنگی در دانشگاه ملی در گرفت. در جریان این تظاهرات میان مامورین گارد و دانشجویان درگیری و زد و خورد بوجود آمد که طی آن تعداد زیادی از مامورین به همراه دو انسور گارد مجروح گشته و اتومبیل گارد و کیوسک نگهبانی به آتش گشته شد. گفته میشود که دانشجویان مجسمه شاه را نیز پائین میآوردند. در این جریان عده زیادی از دانشجویان مجروح میشوند.

بدنبال این واقعه مامورین گارد به داخل ساختمانها حمله ور گشته که مبادرت به ضرب و شتم وحشیانه دانشجویان و استادان مینمایند. در دانشگاه دندان نیز شکی مزدوران گارد حتی تعدادی از بیماران را نیز مضروب مینمایند. مامورین سپس دانشجویان را در دسته های مختلف وارد می کنند که شعاعاً و جانبدارانه شاه بدهند.

متعاقب اعمال وحشیانه مزدوران رژیم در دانشگاه ملی، استادان از شرکت در کلاسها خودداری مینمایند.

← صنفی و سیاسی دانشجویان میگردد. علاوه برآن در میان دانشجویان غیرفردی نیز پراکندگی فراوان است. گروه تأثیر عملاً روس سازشکارانه ای رادربا براندانشگاه در پیش گرفته و در گرداب محافظه کاری در غلطیده است. نطایش ماه در مانع میسر شد که از جانب این گروه در این شهر درآمده در این زمین ضمیمه در دفتر آن بود که ترس از فزاید آن تحریم گردید.

تظاهرات دانشجویان کوی دانشگاه بمناسبة قیام خونین مردم تبریز

روز شنبه ۲ اسفند ، ساعت ۸ بعد از ظهر در رستوران کوی دانشگاه تهران ، بمناسبة قیام خونین مردم تبریز ، سه دقیقه سکوت اعلام گردید . این برنامه در عمل چندان موفق نبود و در ابتدا ای آن که صدای همسازان جانب‌عدای ازاد دانشجویان شنیده شد ، بعد از آن بخیال اینکه دانشجویان قصد برپا کردن تظاهرات را دارند ، فرار کردند . مامورین گارد که در اطراف رستوران مستقر شده بودند بعد از اتمام سکوت ویراکنده شدن دانشجویان عدای راه‌دون دلیل گرفته و ضروب می‌نمایند .

روز پنجشنبه ۴ اسفند ، بمناسبة هفتمین روز شهادت شهید ای تبریز ، با پخش دستنوشته‌هایی در کوی ، اعلام گردید که دانشجویان چراغ‌کلیه اناقها را از ساعت ۲۰ / ۷ الی ۳۰ / ۷ خاموش نمایند . این برنامه بطور کامل اجرا نشد . روز شنبه ۶ اسفند ، بعد از ساعت ۸ صبح تظاهراتی در کوی ، برپا گردید . مضمون شعارها عبارت بود از " درود بر امام خمینی " ، " درود بر شهید ای تبریز " و . . . در جریان این تظاهرات که مدت کمی ادامه یافت ، شیشه‌های کیوسک نکهبانی ، در ورودی رستوران جدید التاسیس کوی که هنوز افتتاح نشده بود ، خرد گردید .

تظاهرات دانشجویان دانشگاه تبریز بمناسبة مبارزات مردم قم

روز شنبه ۴ / ۲۴ ای ، تظاهرات گسترده‌ای در دانشگاه صورت می‌گیرد . در جریان این تظاهرات میان دانشجویان و مامورین گارد زد و خورد و درگیری بوجود می‌آید . این درگیری مدت ۵ / ۳ ساعت بطول می‌انجامد . وطنی آن عدای ازاد دانشجویان مجروح شده و یک نفر از آنان که گلوله‌اش شدت و خیم بود به بیمارستان منتقل می‌گردد . شعارهای دانشجویان در این تظاهرات عبارت بوده از : " درود بر خمینی " ، " مرگ بر شاه جلاذ " ، " درود بر شهیدان راه حق " و . . .

همانروز در حدود ۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه ، که برای جلوگیری از شناسایی خود توسط عوامل مزدور رژیم ، نقاب بر چهره داشتند ، ضمن دادن شعارهای " درود بر خمینی " و " مرگ بر شاه جلاذ " ، تظاهراتی در بازار راسته تبریز برپا کردند و از مردم خواستند که بعنوان اعتراض به کشتار مردم توسط رژیم شاه جلاذ ، بازار را تعطیل کنند . بازاریان نیز به حمایت از خواسته‌های دانشجویان ، بازار را تعطیل میکنند ، لیکن افراد پلیس مزدور دخالت

کرده و در راس آنها سرگرد حق شناس* مردور باچند نفر از افراد پلیس بازاریان را وارد می کند که مفازه هایشان را بازکنند. جو بازاری در آنروز بشدت پلیسی بود و افراد پلیس در میان مرتبا در بازار گشت می زدند.

روز یکشنبه ۲۵ میماه، دانشجویان تظاهراتی سر بازار گرجیه ها یکجایار - بر گزار کردند و به بانک صادرات حمله کرده همیشه های آنرا خرد نمودند. روز دوشنبه ۲۶ میماه. ۳ نفر از دانشجویان که نقاب بر چهره داشتند در میدان محله " حکم آباد " دست به تظاهرات زده و به دادن شعارهایی از قبیل " درود بر خمینی "، " مرگ پسر شاه خائن " و... پرداختند. مردم بدور داد دانشجویان جمع شده و اعمال آنها را تأیید میکردند. تظاهرات چند لحظه قبل از رسیدن افراد پلیس و بدون آنکه کسی دستگیر شود، خاتمه یافت.

روز دوشنبه ۱ بهمن که مصادف با روز اربعین بود، دانشجویان در مقابل دبیرستان " امیرخیزی " به تظاهرات پرداختند و شعارهایی بر علیه شاه خائن و به طرفداری از آیت الله خمینی دادند. در جریان تظاهرات، اعلامیه ای نیز در محل پخش گردید.

خبرهایی که بدست ما رسیده، حاکی از اینست که گویا بازار تبریز بمنظور اعتراض به حوادث خونین قم بدت یک هفته تعطیل بوده است.

* * *

تظاهرات خیابانی دانشجویان به مناسبت مبارزات خونین مردم تبریز

روز سه شنبه ۹ اسفند تظاهراتی حوالی میدان غار از جانب دانشجویان صورت میگردد. نیم ساعت بعد از اتمام تظاهرات و پراکنده شدن تظاهرکنندگان، تظاهرات دیگری در همان نقطه توسط دانشجویان مذهبی بر پا میگردد. پلیس که اینبار از آمادگی قبلی برخوردار بود، به محاصره تظاهرکنندگان پرداخته. تعدادی از آنان را دستگیر میسازد. خبری که روز ۱۰ اسفند در روزنامه های جیره خوار رژیم درج گردیده بود، احتمالا مربوط به همین جریان است.

* * *

گزارش مربوط به فعالیتهای دانشجویان در کرمان و فارس

در زلزله ای که در منطقه زرنند کرمان رخ داد ، دهات زیادی بکلی ویران گردید و حدود ۲۰۰۰ نفر از اهالی کشته شدند . علت کشته شدن این عده بیشتر وقوع زلزله در شب ، عدم استحکام خانه ها و دیر رسیدن کمکهای اولیه بوده است . بدنبال این حادثه تعداد زیادی از افراد ارتش ، کارگران نوب آهن و معادن زغال سنگ و نیز اعضای شیروخورشید سرخ در این منطقه مستقر شدند . کمکهای شیروخورشید مبنی بر دایر کردن چند بیمارستان سیار و رساندن پتو ، چادر و مواد غذایی (۱) با تبلیغات گسترده ای همراه بود و بیشتر بصورت صدقه داده میشد .

در نیمه دوم دیماه (چند روز بعد از وقوع این حادثه) ، گروههایی از دانشجویان برای کمک به زلزله زدگان ، باین منطقه رفته ، در آن مستقر گردیدند . گروهی از آنان بنام " صاحب الزمان " که از دانشجویان مذهبی (و بقول افراد غیر دانشجو) تشکیل شده بود ، از امکانات مالی خوبی برخوردار بودند . این کمکها عمدتاً از طرف بازاریان تهران و سایر مناطق جمع آوری شده بود . کمکهای این گروه بصورت خیرات بوده ، شیوه پخش آنها بسیار نادرست و تاثیر کمکهای دولت صورت میگرفت . ظاهراً میان افراد این گروه بر سز نوع برخورد با مردم اختلافاتی وجود داشته است .

گروه دیگری که غیر مذهبی بودند ، " گروه دانشجویان " نامیده میشدند . افراد این گروه را دانشجویان دانشگاههای تهران ، صنعتی و احتمالات تبریز و شیراز تشکیل میدادند . این گروه که بودجه کمی در اختیار داشتند در برآورد نیازهای ضروری مردم فعالانه شرکت مینمودند و ضمن آن به مردم توصیه میکردند که در مقابل سهل انگاریهای دولت سکوت نکنند و مضرانه خواهان دریافت نیازمندیهای خود گردند . این دانشجویان در گروههای سه الی چهار نفری

(۱) - یکی از باغداران شام و یک نفر از بازاریان تهران ، چند کامیون پرتقال به منطقه فرستادند ، ولی تنها یک کامیون بدست مردم میرسد و بقیه چنانکه تمامی اهالی نیز از آن باخبر بودند ، در کرمان و زرنند حراج شده ، بفروش میرسد .

بهمراه يك تن از افراد هر خانوار اقدام به حفرتجاه ، ایجاد مستراح و در آوردن اثاثیه خانه از زیر آوار مینمودند . بعلاوه لیستی از وسایل هر خانوار آنچه که بدان نیاز داشتند تهیه کرده و سعی در فراهم نمودن آنها میکردند . در آن نشجویان در جستجوی اجساد نیز شرکت داشتند .

در میان دهات زلزله زده ، ژاندارمری چند پاسگاه دایر نموده و در ابتدا از رسیدن هرگونه کمک ملی به منطقه جلوگیری میکردند است ، ولی بعد بانسروج کار گروه " صاحب الزمان " ، دانشجویان نیز وارد منطقه میشوند . چندین بار محل چادر دانشجویان از طرف ژاندارمری تعویض شده . بطور شبانه روز يك ژاندارم کنار چادر آنها کشیک میداده است . علاوه بر آن مرتب بدانشجویان اخطار میدهد که محل را ترك نمایند . مردم منطقه باشاعده اینگونه برخورد ها از دانشجویان علت را جویا میشوند و میپرسیدند : " شما که با ما خوب هستید چرا با شما دشمنی میکنند " . يك پسر بچه به دانشجوئی میگفت : " آنها (ژاندارمها) میگویند شما کمونیست هستید " . دانشجویان در مقابل سوالات مردم در این زمینه غالبا توضیحاتی در حد امکان بآنها میدادند .

سرانجام مامورین با گرفتن کارت و تهیه لیست از اسامی دانشجویان ، به آنها التیماutom میدهند که در عرض یکروز منطقه را ترك نمایند و هدیه طریق دانشجویان را اخراج میکنند .

کمک به سیلزندگان فارس - دانشجویان بمنظور کمک به اهالی سیلزده فاترس گروههایی را به منطقه میفرستند ، ولی بعد از روز اقامت ، بدنبال دستوری که از طرف مقامات شیراز میرسد ، مامورین ژاندارمری دانشجویان را از منطقه بیرون میکنند . همزمان با این جریان دسته دیگری از دانشجویان به منطقه میرسند که از طرف ژاندارمری بازداشت شده و به شیراز فرستاده میشوند . این عده را همانروز یا روز بعد آزاد میکنند .

چند خبر در باره دبیرستانها

اخیرا (از اوایل بهمن ماه ببعده) نمایشگاههای متعددی از کتابهای علمی و مذهبی در دبیرستانهای تهران دایر شده است . در نمایشگاه کتاب دبیرستان رهنما (واقع در خیابان ضریه) کتابهای نظیر نقش شخصیت در تاریخ اثر پلخانف ، مبانی علم اقتصاد اثر نیکو تین و کتب مربوط به تکامل انسان و تحول جامعه و . . . چشم میخورد . در این مجموعه ، دانش آموزان به معرفی و نقد

چند کتاب پرده‌آخته و در مقاله‌ای تحت‌عنوان "سخنی با دوستان" با نثری ساده و روان، قوانین دیالکتیک را بیان نموده بودند. چند نمایشگاه دیگر نیز از این قبیل در دبیرستانهای نقش جهان، هدف و این سینا دایر گردیده است.

* * *

خبری از دانشگاه شهید

گفته میشود، بتازگی دانشجویان علوم دانشگاه شهید، رئیس مزدور دانشگاه را تا حد مرگ مضروب نموده‌اند. وی هفته‌ها در بیمارستان بسر میبرد. است.

* * *

تظاهرات دانشجویی به حمایت از اعتصاب کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور

کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور در مهرماه ۵۶ بمنظور افزایش دستمزد خود، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که بمدت یک هفته طول کشید، باشکست آن و اخراج ۵۵ نفر از کارگران مبارز خاتمه یافت. روز و شنبه ۲۸ آذر ماه، در حدود ۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، بمنظور حمایت از اعتصاب بحق طلبانه کارگران، در محل چاپخانه تظاهراتی ترتیب دادند. این تظاهرات در رأس ساعت ۶ که همزمان با خروج کارگران از چاپخانه بود، شروع شد. ابتدا شعار "کارگران اتحاد" داده شد و سپس در نفر از دانشجویان بیان شعارهائی را بطور مشخص داده و دیگران تکرار می کردند. این شعارها عبارت بودند از: "ما دانشجویان حامی کارگران هستیم"، "کارگر، دهقان، دانشجو"، "مرکز بر شاه کارگر کش"، سپس یکی از دانشجویان سخنرانی کرد. بطور کلی اشاره او به کمی دستمزد و کمبود و گرانی ارزاق عمومی و مسکن و سیاست نظامیگری شاه خائن و... خریدهای هنگفت اسلحه برای سرکوب جنبشهای خلقی بود. دانشجویان سپس اعلامیه هائی را که تهیه شده بود، در صحن چاپخانه پخش کرده و تابلوهائی ثنونی را که بر روی آنها اصول انقلاب فرمایشی شاه نوشته بود، شکستند و در حالیکه شعار میدادند به طرف خیابان شهباز رفته و پس از پخش اعلامیه متفرق شدند. این تظاهرات با استقبال کارگران مبارز مواجه شد و آنها از پشت پنجره ها و در اطراف دانشگاه، دانشجویان، به شعارها و سخنرانی دانشجویان با اشتیاق گوش میکردند. متن اعلامیه دانشجویان که در دانشگاهها پخش شده است:

"تظاهرات دانشجویان به نشانه همبستگی با کارگران قهرمان"

محل چاپخانه: خیابان شهباز - خیابان گوته

تاریخ اجرا: ۶ بعد از ظهر ۲۸ آذر

این چاپخانه که بزرگترین چاپخانه کشور است و در حدود چند هزار کارگر دارد تقریباً سه ماه پیش دستخوش اعتراضات و اعتصابات پر شور کارگری شد. سازمان خدمات اجتماعی که کارفرمای چاپخانه است، درخواست کارگران را با تعطیل چاپخانه بمدت یک هفته و اخراج حداقل ۵۵ نفر از کارگران جواب داد. در این شرایط ما دانشجویان به حمایت از کارگران در فضای ما بین درب خارجی و درب داخلی کارخانه جمع شده و دست به تظاهرات زدیم و

مواجهه با عکس العمل پر شور کارگران شدیم . این اقدام با توجه به شرایط زیر صورت گرفت :

۱ - مارکسیسم به ما می آموزد که همیشه این " عامل درونی " یک پدیده است که حرکت آنرا معین میسازد و محامل خارجی " میتوانند شرط تحول باشند نه اساس آن . کارگران قبلا خود دست به مقاومت و اعتراض زده بودند و واقعیت روزمره زندگی سرسپردگی مقامات کارخانه و رژیم شاه را بدانشان نشان داده بود . از اینرو اقدام ما دانشجویان بعنوان " یک عامل خارجی " تنها با توجه به این زمینه داخلی میتواند موثر باشد .

۲ - این اقدام در " لحظه مناسب " صورت گرفت یعنی هنگامیکه کارگران به نتیجه کار خود و شکست مقاومتشان رسیده بودند . اگر اقدام ما ، قبل از موقع ، مثلا قبل از روشن شدن نتیجه اقدام آنها به عمل می آمد بدون شک باعث امیدگی آنها می شد . ولی در این حالت آنها دچار شکست و احتمالا سرخوردگی شده بودند و اقدام ما از این لحاظ بعنوان همدردی با آنان نتیجه مطلوب داشت .

۳ - اقدام ما از جمله شعارهای ما از ساده به پیچیده تکامل یافت . در اول شعارهای ساده مانند " کارگران اتحاد " و " کارگر ، دهقان ، دانشجو " همراه با صحبت راجع به مشکلات اقتصادی کارگر از قبیل کرایه مسکن و گرانی ارزاق داده شد . بعدا به شعارهای پیچیده سیاسی مثل " مرگ بر شاه کارگر کن " گسارده شد .

۴ - در آخر کار ، تابلوهای نقوشی که در جلو کارخانه نصب شده و شعاریهای انقلاب سفیدی را بر خود داشت بنحوشایسته ای خرد کردیم . غرض از این عمل ، علاوه بر نشان دادن لزوم قهر در مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم ، اثر تبلیغی بعدی آن در کارگران شیفتهای بعد بود . زیرا تابلوها را نمی توانند بلافاصله تعمیر کنند . ما این تز سازشکارانه و تسلیم طلبانه را رد می کنیم که میگوید : " شکستن شیشه به هر عنوان و در هر شرایط اثر نامطلوب دارد " . اگر این عمل به موقع خود و همراه با اعمال و شعارها مناسب انجام گیرد ، نه تنها مطلوب است بلکه لازم هم می باشد .

مهمترین ضعف ما ، عدم تمرکز بجه ها در لحظه مناسب بود که نیرویک بود باعث به خطر افتادن اقدام ما و حتی شکست آن گردد . و اینک متن اعلامیه دست نویس که در خود کارخانه و در خیابان کوفته همراه با دادن شعاری

«مرك بر شاه كارگر كش» تونج گرديد :

كارگران قهرمان چاپخانه ۲۵ شهريور

شاه كارگر كش به دروغ خود را حامی كارگران جا می زند اما شما خود دیدید كه چطور هواهر قاچاقچی او اشرف كه رئیس چاپخانه شما است تقاضای برحق شما را برای اضافه دستمزد با حمله مامورین آه مكن سازمان امنیت جواب داد . این است معنای كارگر پرستی شاه جلال ، رفقای كارگر شاه نوكر سرمایه داران امریکائی و ایرانی است . از او نترسید . تاریخ ثابت کرده است كه اگر كارگران متحد شوند قدرت سرمایه داران را خرد خواهند كرد . شما كارگران چاپخانه بودید كه اولین اتحادیه كارگری واقعی - نه دولتی - ایران را در ۶۰ سال پیش در تهران مخفیانه تاسیس كردید . شما ثابت کرده اید كه آگاه ترین قشر از طبقه انقلابی كارگران ایران هستید . درود بر شما . دشمن شما دولت است و دوست شما سازمانهای مخفی كارگری مانند سازمان چریكهای فدائی خلق و با - زمان مجاهدین خلق ایران كه دوستی خود را نسبت به كارگران با رگبار مسلسل علیه دشمنان شما و با كشته شدن در راه آزادی طبقه كارگر ثابت کرده اند . درود به آنها . مادران شجویان نیو بدین وسیله حمایت خود را از شما كارگران قهرمان اعلام میداریم .

«گسترده تر باد پیوند روشنفكران خلق با توده خلق»
(پایان متن اعلامیه)

تظاهرات دانشجویان به حمایت از كارگران اعتصابی چاپخانه ۲۵ شهريور
واقعاتی نظیر آن ، قبل از هر چیز بیانگر تكامل و اعتلای جنبش دانشجویی و نشانه این امر است كه پیشروترین اقشار دانشجویی به آن درجه از درك و بینش ماركسیستی دست یافته اند كه با آگاهی از ضرورت پیوند نزدیک و فشرده با مسائل روزمره ، اقتصاد خلقی ، بهره كارگران ، مبارزات خود را از محدوده تنگ روشنفكرانه (۱) بیجان توده ها برده و از این طریق در حفظ و تعمیق دستاورد های مثبت جنبش دانشجویی بكوشند .

اما نکته ای كه در اینجا حائز اهمیت است و بسادگی نمیتوان از آن گذشت ، حاكمیت نقطه نظرات انحرافی و خرد بهره و زوایا و چگونگی تظاهر مشخص آن در اندیشه و عمل دانشجویان است كه عموماً در چهارچوب بینش مشی چریکی ، تحلیل و تبیین میگردد . نقطه نظراتی كه دانشجویان را كارگر قلمداد میکند و در مداری بالاتر سازمانهای چریكهای فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران

را " سازمانهای مخفی کارگری " مینماید و سپس برای اثبات حقانیت سازمانها و پیوندشان با طبقه کارگر، رگبار مسلسل و تعداد شهدای آنها را شاهد مثال میآورد. بیشک استنباطاتی اینچنین نادرست و انحرافی از مناسبات میان طبقات و از کیفیت يك سازمان پرولتری (که اصلی ترین وظیفه آن برقراری پیوندی ارگانیک با طبقه کارگراز طریق شرکت مستقیم و طولانی در پراتیک مبارزاتی و روزمره کارگران و نه توسل به عطیيات قهرآمیز جد از توده‌هاست) تاثیر مثبت عمل دانشجویان را در مستحکمی بسوی منافع توده‌ها محدود و مشروط میسازد. ادامه این نقطه نظر انحرافی کار نیز منجر میشود چنانکه در اعلامیه توضیحی که بدنبال این تظاهرات منتشر گردید، می بینیم که دانشجویان با ترسیم تصویری شکست خورده و مایوس از کارگران و مطلق کردن صرفا مکانیکی مفهوم شکست و پیروزی در محدوده تنگ مبارزات صنفی آنان، لحظه مناسب برای تظاهرات را تنها بعد از طی شدن پروسه اعتصاب و روشن شدن نتایج آن و آنهم در صورت شکست کارگران در تحقق خواسته های صنفی شان می پندارد و بدینگونه نه تنها منکر تاثیرات سازنده و نقش بغایت مهم جریان اعتصاب در شکستگیری و

رشد آگاهی توده‌یونی کارگران در مقابل طبقه سرمایه دار و بطور کلی جنبش خود بخودی در سراسر سیاهی آنان میگردد، بلکه با نگرشی صرفا پاترنال-لیستی نسبت به کارگران، خود را ناجی آنها می شمارد و وظیفه خود میدانند که با برپا داشتن تظاهرات در لحظه مناسب و تنها بعد از " شکست " کارگران، آنان را از غرقاب یاس و سرخوردگی نجات بخشد.

بیشک تحلیل مواضع نادرست دانشجویان در برخورد با مسائل و مبارزات افسار خلتی، بدون حرکت از این اصل که جنبش دانشجویی قبل از هر چیز تابع آن سلسله ضرورت های زیر بنائی و گریز ناپذیری است که منافع طبقاتی خرد و هموزواری موجد آنست، امری غیر ممکن خواهد بود. بنیوه در شرایطی که فقدان رهبری پرولتری در سطح جنبش، مبارزات دانشجویی بیش از پیش خصالتی

← (۱) - اقداماتی از قبیل برپا داشتن تظاهرات در چهارچوب دانشگاه، شکستن شیشه بانکها و مغازه ها و... بدون آنکه هدف و نتیجه شخصی از آن منظور شده و در ارتداد معینی با اصلی ترین نیاز توده‌ها تراز گیرد. هرگز از حیثه شور و شوق روشن فکرانه برای مبارزه فزاینده و تازنده و تاثیر پذیری از آن نیز همواره محدود به افسار معینی از خرد و هموزواری خواهد ماند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

اما آنچه نقش عوامل اجتناب ناپذیر زیر بنایی را در حاکمیت نقطه نظرات انحرافی موجود در جنبش دانشجویی را به حداقل میرساند ، چگونگی موضعگیری نیروهای انقلابی در قبال چنین انحرافات است . رفقای فدائی با تاکید بر وی جنبش دانشجویی بعنوان پای دوم جنبش در واقع نه تنها گامی در تصحیح مواضع دانشجویان در مبارزات خود برنمیدارند ، بلکه با مخدوش کردن مرزهای که جنبش دانشجویی را از مبارزات متشکل انقلابی و مخفی متمایز مینماید ، مشخصا بر انحرافات آنان صحنه می گذارند .

*

*

*

یکی از رفتارها در رابطه با اتحادیه دانشجویان * و عناصر دانشجویی عضو حزب رستاخیز، نظرات خود را برای ما ارسال داشته است. متن کامل نوشته رفیق از اینقرار است:

تا آنجا که از شواهد امر معلوم است این اتحادیه از راست ترین عناصر دانشجویی که ترکیبی است از عناصر روشنفکر بورژوازی و عناصر لومین و آنارشیست دانشجویی تشکیل شده است و مجموعاً میتواند سازمانی آنارشیستی و دست راستی وابسته به رژیم را بوجود آورد. از این جهت میتوان شاهد تحولی در دانشگاه بود که از یکطرف با نزول سطح مبارزاتی آن بدلیل رونق روزافزونی که در سطح جامعه از نظر اقتصادی مشاهده میشود و اقتصاری وسیعی از این نیروی تحصیل کرده را در خود جذب میکند، مواجهیم و از طرف دیگر شکل گیری هیئتهای ضد انقلابی و وابسته به رژیم که در حال حاضر زمینه برای رشد هم دارد. این هسته قبلاً نمیتوانست شکل بگیرد. جو داغ و نسبتاً بالای دانشگاه اجازه چنین کاری را نمیداد. ولی در حال حاضر میتواند رژیم هم بشایستگی از آن حمایت میکند. اینها در رابطه با تغییر و تحولات اخیر در سیستم اداری دانشگاه هم باید دید. هیچ بعید نیست که با شکل گیری تدریجی این گروههای ضد انقلابی و تشکل عناصر فاشیست و خرابکار بتدریج زمینه برای خروج گارد از دانشگاه فراهم آید. این حرفها را فعلاً با قاطعیت نمیتوان زد و باید منتظر تغییر و تحولات آینده بود، اما وقوع آن غیر ممکن هم نیست. در حال حاضر مجموع شرایط موجود (رونق اقتصادی - نزول سطح مبارزات دانشگاهها و...) میتواند موضوع زمینه مادی این امر را نشان دهد.

شکاف بین نیروهای مارکسیست و مذهبی دانشگاه هم روز بروز بیشتر خواهد شد. اخبار دانشجویی خبرنگارها نشان میدهد که مذهبیها ارتجاعیترین قشرهای مبارز دانشجویی را تشکیل میدهند. سطح خازل شعارها و محتملترین سیاریاتین آن نسبت به گذشته پخویی این افت را نشان میدهد. این گروهها احتمال جدا شدن عناصر مبارزتر و سرسختتر از دیگران زیاد است. نمودهایش در همین خبرنگارها قابل رویت است، اما این عده هنوز متشکل نیستند و شدت در اقلیتند. سیر حرکت دانشجویان مذهبی مرتجع

نشان میدهد که چه فرجام بد خواهند داشت . اگر نگوییم " اتحادیه دانشجویان دوم " را تشکیل خواهند داد ، مسلماً چیزی در همان حول و حوش خواهد بود .

از شیوه نگارش و مطالبی که در اعلامیه چپ ها آمده بر می آید که هنوز چقدر تحت تاثیر رفقای فدائیند . با همه اینها میتوان گفت که این عده سابقترین افسار مبارز دانشگاهند .

آنچه که قبل از هر چیز در نوشته رفیق بچشم میخورد ، اعتقاد به وجود اعتلاء و رونق اقتصادی رژیم و یا بعبارتی رکود شرایط عینی انقلاب در مرحله کنونی است . ارزیابی جنبش دانشجویی از دیدگاهی اینچنین نادرست ، طبیعتاً به این توهم نیز منجر میگردد که سطح مبارزاتی در دانشگاهها سیر نزولی خود را طی مینماید (۱) . حال آنکه گسترش روزافزون و اعتلای سریع جنبش های توده ای و در آن میان جنبش دانشجویی ما را از هر گونه استدلال پیرامون نادرست بودن این نظریه بی نیاز میسازد .

ارزیابی نادرست و بگلی غیر واقع بینانه رفیق از نقش اتحادیه دانشجویان نیز در همین رابطه قابل تحلیل است . آنچه در این نوشته بگلی از نظر دور مانده است ، شرایط اختناق و فاشیستی حاکم بر ایران است که شکل گیری یک جناح دست راستی را در میان دانشجویان (نظیر آنچه در ترکیه وجود دارد) محتمل نخواهد ساخت . چرا که در واقع هرگونه اتحاد دست راستی دانشجویان بمعنی سرسپردگی مطلق به رژیم مزدور حاکم بوده و ماهیت آن بقدری بر همگان روشن است که نیازی به پرده پوشی و استتار نیست . بعلاوه تشکیل چنین گروه های دست راستی موجب تشدید برخورد میان رژیم و اقشار خلقی گشته و در نهایت به زیان تمام خواهد شد . در

(۱) - در اینجا توضیح این نکته ضروریست که نوشته رفیق مدتها قبل بدست ما رسیده و احیاناً تاریخ آن قبل از آغاز تظاهرات گسترده دانشجویان در ماههای آبان و آذر بوده است . چرا که بنظر ما بسیار بعید بنظر میرسد که اعتلای روز افزون جنبش دانشجویی در ماههای اخیر از نظر رفیق پنهان مانده باشد . در راه آزادی طبقه کارگر

واقع باید گفت غرض از تشکیل چنین اتحادیه هائی بوجود آوردن ارگانهای بالنسبه لیبرالی است که بتواند با نفوذ خود در میان توده های دانشجویی شرایط را بنفع رژیم تغییر دهد .

نکته دیگری که در نوشته رفیق بچشم میخورد ، نقش تعیین کننده ایست که وی برای ارتجاع مذهبی در میان دانشجویان قائل میگردد . حال آنکه در مجموع دانشجویان مذهبی از مواضع مترقیانه ای در جنبش دانشجویی برخوردارند و مذهبهای مرتجع اقلیتی را شامل میشوند و نقش آنها در میان دانشجویان بهیچوجه عمده و اساسی نیست .

دکتر سیدعلی شایگان شیرازی اطلاعیه ای در تاریخ ۲۵ مرداد ماه ۵۶ ، منتشر کرده است . در این اطلاعیه تعویض کابینه نه یک اقدام اساسی برای تامین دموکراسی و حکومت مردم بلکه داری مسکن شمرده شده که ممکن است تغییراتی را هم بنفع دموکراسی همراه داشته باشد ، نویسنده همچنین تعویض کابینه را یک اقدام از طرف مناهعی دانسته که خود عامل وجود حکومت استبدادی در ایران هستند و متذکر گردیده که آزادپخواهان متوجه هستند که هر تغییری که منبج آن غیر ملت ایران باشد ، بنفع خود ایجاد کننده آن تغییر است ، نه مردم ایران و مردم باید متوجه باشند که اصل اساس هر تغییری مبارزات و جاننازیهای خود ملت است و هیچ قدرت خارجی نخواهد توانست آزادی و استقلال برای ملت ما بسوزات بیاورد و چنانچه زبانز اهل تحقیق است ، حق گرفتن است ، نه دادن .

اطلاعیه در پایان ، دموکراسی را حق انتخابات آزاد ، حق آزادی بیان ، حق آزادی اجتماعات ، حق آزادی عقیده ، حق اختیار مسکن و حق استفاده از محصول کار خود تعریف کرده است .

* * *

سرهنگ بازنشسته عزیز الله رحیمی ، اعلامیه ای بتاريخ ۱۱ مهر ماه ۵۶ ، منتشر کرده و طی آن پس از اشاره به اعتراضات و اقدامات فردی که در طول ماههای اخیر در مورد نقض قانون اساسی بعمل آمده است ، این اقدامات را ناکافی دانسته و تشکیل یک حزب واقعی از اجتماع آزادپخواهان و وجود یک رهبری را ضروری ، و آن را ابزار نیرومندی در دست آزادپخواهان برای مقابله با رژیم دانسته است . امیر رحیمی در پایان پیشنهاد خود را در معرض برخورد همگان قرار داده تا زمینه ایجاد یک مبارزه منظم و رهبری شسته فراهم آید .

* * *

دکتر مظفر بقائی کرمانی که از لیبرالهای سرسپرده آمریکاست ، طی نامه ای به جسد آموزگار نخست وزیر مردم ایران به تشکیل اتحادیه فرمایشی دانشجویان دانشگاه تهران اعتراض کرده و تظاهرات دانشجویان مذهبی در کوی دانشگاه و آتش زدن اتوبوس خوابگاه را به این اتحادیه نسبت داده

است! او نخست وزیر را در برابر این امر رسول ظمداد کرده و از وی خواسته است که مسببین و مجریان این حادثه را تحت تعقیب قرار دهد. در پایان جناب مظفر بقائی بمنظور کمک به نخست وزیر برای انجام این وظیفه پیشنهاد کرده است که یک صاحبه رادیو تلویزیونی بطور زنده با حضور نمایندگان حزب زحمتکشان ایران (ا) که جناب بقائی رئیس آن است، تشکیل شود!

* * *

هیئت اجرائیه حزب زحمتکشان ملت ایران (ا) برهاستادگتر مظفر بقائی نامه ای خطاب به دادستان کل کشور در ۲۸ دیماه نوشته است. بقائی در این نامه به باز شدن فضای سیاسی ایران و حرکات مردم اشاره کرده و میگوید این حرکات هرگز از شکل انتشار بیانیه ها، ترتیب دادن اجتماعات و ایضا تظاهرات ساکت و مسالمت آمیز تجاوز نکرد، ولی حکومت با براه انداختن آشوب و بلوا و شکستن شیشه و ایجاد آتش سوزیها و غیره، مستقیماً بوسیله مأمورین خود و غیر مستقیم بوسیله عوامل مزدور که در داخل گروهها ریخته کرده اند، سعی می کند که مبارزه قانونی و مسالمت آمیز مردم را بهانه ای برای حمله به مردم قرار دهد! بقائی در این نامه به حوادث قم اشاره کرده و سپس برای جور شدن قاضیه و پوشاندن نقش شاه جلال در سرکوب خونین تظاهرات قسم، مسولیت کشتار قم را متوجه اعضاء و رهبران خائن حزب توده که بخدمت رژیم درآمده اند، دانسته است. وی در اینبار می نویسد: "استیباط ما اینست که ضد مذهبی ها و فریب خوردگان بظاهر پشیمان د پیروزی که در مقامات حماس جا گرفته اند، این مقالات را (اشاره به مقالات مندرج در روزنامه های جیره - خوار رژیم که علیه آیت الله خمینی داد سخن داده اند) بمنظور تهییج مردم منتشر کرده اند. تا با ایجاد آشوب تصنعی کشتار براه انداخته و زهر چشم بگیرند! و هم اینها هستند که با نقشه های منظم ستونهای یک جامعه دمکرات را یکی پس از دیگری در هم ریخته و موفقی شده اند همه طبقات را بدشمنی بسا کب مقام (شاه جلال) سوق دهند. این لیبرال خود فروخته و مزدور در پایان به رژیم شاه جلال هشداد میدهد که اینک لحظات حماسی را طی می کنیم و بر سر یک دوراهی قرار داریم: " راه خشونت آمیز و قهرآمیز " که آخر الامر بازگشت به قهقرا و روزهای تاریکتر از گذشته را به همراه دارد و " مبارزه

مسالمت آمیز" و پیچیدگی تدریجی بسوی آزادبها ، بقائی سپری افزایش :
 " احساسات و غرور حکم به خشونت میدهد و عوامل حکومت آنها دامن میزنند ،
 ولی عقل و درایت حکم دیگری دارد : مقاومت منفی ، مبارزه ساکت و آرام و قاطع
 نونی !

این لیبرال مزبور که تا کون بارها و بارها وابستگی و سرسپردگی خود را
 به اربابان آمریکائی اش نشان داده ، اینبار نیز پس از سالها سکوت در برابر
 جنایات بیشرمانه و وحشیانه رژیم آریامهری ، هم اکنون که باصلاح زمینه را
 برای ظمفرسانی مناسبت تشخیص میدهد ، سر از لانه بیرون آورده تا یکبار دیگر
 چهره تسلیم طلب و سازشکار خود را بنمایش گذارد ، او با تلاشهای مذبحها -
 نه خود میکوشد که شیوه های کهنه و منسوخ مبارزه را که خلق ما بارها بی ثمری
 آنها در جریان مبارزه خود تجربه کرده است ، بعنوان شیوه اصلی مبارزه جا -
 بزند .

* * *

دکتر مظفر بقائی کرمانی ریاست حزب بااصطلاح زحمتکشان ملت ایران ، روز
 ۳ آذر نامه ای خطاب به ویلیام سولیوان سفیر اربابان امریکائی شاه جنایتکار
 در تهران نوشته است . بقائی ابتدا به مبهمان نوازی ایرانیان و اینکه بعلمت
 خصلت مبهمان نوازی از دشمنان خود هم استقبال میکنند (۱) اشاره کرده و
 سپس بنمایندگی از طرف ملت ایران میگوید : " ملت ایران در شرایط خفقان
 آمیزی که دستگاه حاکمه بر مردم تحمیل کرده است ، نخواهد توانست از حضرت
 جبهی کارتر استقبال و پذیرائی کند و حتی بهم آن دارد که دستگاه تانسون
 شکن با ایجاد تظاهرات ضد آمریکائی بخواند و نامرد کند که مبارزات آزادی -
 طلبانه مردم ایران ضد آمریکائی و ناشی از تمایلات مارکسیستی است . " و
 سپس با استناد به روزنامه " شاهد " در سال ۲۹ که از طرف خود او منتشر
 میشده ، سابقه خوش خدمتی های خود را به اربابان آمریکائی اش گوشزد میکند .
 او در سال ۲۹ به آمریکا درباره حاکمیت دیکتاتوری پرولتاریا - بقول خود او
 دیکتاتوری سرخ - در ایران هشدار میدهد و خطاب به " گریدی " سفیر سابق
 آمریکا می نویسد : " دیکتاتوری سرخ و سیاه برای ما یکی است ولیکن متوجه باشید
 که اگر در این کشور دیکتاتوری مستقر شود ، زمینه دیکتاتوری سرخ از دیکتاتوری
 سیاه مساعدتر است . حال میل ، میل شماس ، بقائی اکنون نیز شمیسن

هندار را به سفیر کونی امپریالیستها میدهند و اضافه میکند که: "ملت ایران میدانند که اگر پرده آهینین (منظور حکومت سوسیالیستی است) تیار کرانه های خلیج فارس پیشروی کند ، باین زودبها رنگ استقلال بخود نخواهد دید . " بقائی مزدور در پایان بار دیگر به سفیر آمریکا درباره یک انقلاب سوسیالیستی هشدار میدهد و می نویسد : " عدم احترام بقانون و تجا و ز به حقوق مردم از طرف دستگاه حاکمه ، ملت ایران را براهی میکشاند که چیز قیام بر علیه ظلم چاره ای نداشته باشد . سرانجام چنین قیامی تا معلوم است ، ولی در هر حال بنفع ملت ایران و دوستی ایران و آمریکا نخواهد بود . وی سپس از سفیر آمریکا میخواهد مفاد این نامه را به اطلاع کارتر سر دسته امپریالیستهای جنایتکار برساند و برای او " آرزوی پیروزی در جهاد منظور حفظ حقوق بشر " می نماید ! !

* * *

اعلامیه ای به امضا "خبرگزاری داخلی و با عنوان " امیرطاهری یا شهادت کیسوان تافته که من علوم " منتشر گردیده است . اعلامیه در ابتدا توضیح میدهد که : " از جمله زخمهایی که رژیم در پیگرد مجروح جامعه ما بخصوص در دولت هویدا بوجود آورد ، خریدن استعداد جوانها و بخت دست در آوردن این استعدادهاست . . . جوانهایی که همه راههای واقع گرایانه (!) مبارزه سیاسی را بمسخره میگرفتند و ظاهرا یک قدم از راه انقلاب سرخ عقب نرس نماندند ، عاقبت به چنان روزی افتادند که نه تنها گوشه انزوا و خاموشی اختیار نکردند ، بلکه . . . رسول پروریزی ها ، باهری ها ، خانلری ها و هدایتی ها از نسل اول این سقوط کنندگانند که قدمهای اول زندگی سیاسی خود را از حزب توده شروع کردند و سرانجام در پایان راه با آگاهی تمام و در برابر پول بد امن رژیم استعداد سقوط کردند . "

بدنبال این مقدمه . اعلامیه در اقسام ماهیت امیر طاهری به این فکجه اشاره میکند که وی در زمان دانشجویی توسط سناوک در کنگره راسیون نفوذ کرده و با گرفتن موضع افراطی اعتماد جوانان ساده لوح ایرانی را بچنگ میآورد . . . اعلامیه سپس میافزاید : " امیر طاهری بعد ها بعنوان مامور علمی سازمان امنیت و مشاور مطبوعاتی هویدا در راس هیئت تحریریه کیهان قرار میگردد و در راه تشدید اختناق و حفظ وضع موجود رژیم از هیچ کوششی خود -

* * *

علی اصغر حاج سید جوادی نویسنده و عضو " کانون نویسندگان ایران " در تاریخ ۲۷ آذر اطلاعیه ای تحت عنوان " برای اطلاع ملت ایران " منتشر کرده است . تلاش حاج سید جوادی در این اطلاعیه صرف این امر شده است که ثابت کند اعتراضهایی که در چند ماه اخیر از طرف افراد گروههای صنفی و سیاسی از جمله خود او بمنظور آزادی قلم و بیان و اجتماعات انجام گرفته است ، هیچگاه با خشونت و اختلال در نظم و امنیت (چه در اینجا وجه در موارد دیگر تکیه از ماست) جامعه همراه نبوده است . وی در اینجا مینویسد : " اصلا این افراد و گروهها اعتقادی به برهم زدن نظم و امنیت عمومی که در اساس ضوابط قانون اساسی قرار دارد ، ندارند و این راه را راه موثر و مفیدی برای وصول به خواستههای خود نمیدانند " حاج سید جوادی در موارد متعددی سعی میکند که این اتهام ، یعنی " اختلال نظم و امنیت عمومی " را از خود سلب کند ؛ وی خطاب به تمام مراجع صلاحیتدار بین المللی و مردم ایران مینویسد : " (من) با هیچ حزب و گروه خاص سیاسی هیچگونه رابطه ای ندارم و با هرگونه خرابکاری و توطئه علیه تمامیت و استقلال وطن خود ایران بشدت مخالفم " حاج سید جوادی سپس برای اثبات این ادعا و سلب این اتهام هرگونه بی نظمی و دادن شعارهای افراطی و حمله به موسسات امپریالیستی و بانکها را کار ایادی و عوامل رژیم میداند ؛ وی در این اطلاعیه تظاهرات پر شور و افشاگرانه دانشجویان مبارز دانشگاهها و اعتصابات و تحریم کلاسها را که بمنظور افشای جنایات رژیم شاه مزدور و امپریالیسم غارتگر آمریکا و اعتراض به حضور این امپریالیسم در ایران و افشای جنایات سادات ، ایمن جلال خلیف فلسطین و عرب و نوکر امپریالیستها و حمایت از مبارزات خلق فلسطین و نیز بمنظور اعتراض به اقدامات فاشیستی شاه در دانشگاهها و بستن مراکز فعالیتهای دانشجویان انجام گرفته بود ، به حساب عوامل و ایادی رژیم میکند ؛ حاج سید جوادی در قسمتی از این اطلاعیه مینویسد : " آیا هفتاد نفری که در دانشگاه و ورزش و تند رستی دست بتظاهرات زدند و انشجوی بودند یا از زمره همان مامورانی که نقاب بر صورت آنها برده انشگاه را آتش زدند (!) همان پلیسهائی که در لباس دانشجویان شیشه مفازه ها و موسسات داخلی و

خارجی را خرد می کنند و یا بر ضد آمریکا و علیه انور سادات شعار میدهند! آیا اینها همان مأموران نیستند که در نقش دانشجویان مارکسیست باید برای تکمیل پرونده ضد آمریکائی بودن مردم ایران، از مقدم کارتر رئیس جمهور آمریکا نیز، با فریاد های مخالف و با حمله به موسسات آمریکائی استقبال کنند؟! حاج سید جوادی در قسمت دیگر اطلاعیه خود چنین میگوید: " ترتیب صحنه های خشونت و شکستن شیشه های موسسات عمومی و هر هم زدن کلاسهای درس دانشگاهها و تظاهرات خصمانه علیه آمریکا و شعارهای افراطی و جلوگیری از اجرای برنامه های درسی دانشگاهها، بطور کلی ساخته و پودرخته نموده های پلیسی حکومت در جهت ساختن صحنه های مصنوعی وجود بی نظمی و تبلیغ سیاسی در ایران است. برای درجای دیگر شیوه های پلیسی خشونت و فساد رژیم را مساعدترین وسیله برای ایجاد افکار و گرایشات افراطی و بی اعتقادی به اصول میداند که رژیم استبداد بدروغ خود را طرفدار و مجری آن معرفی میکند .

حاج سید جوادی همچنین در اطلاعیه خود به خشونتهای پلیس رژیم اشاره کرده و می افزاید: " ملت ایران در زمینه سکوت و خاموشی ناشی از ترس و ناآگاهی سیاسی اکثریت، جز ظم و زبان روشنفکران واقعی خود سلاح دیگری برای مقابله با زور و خشونتهای باصطلاح قانونی حکومت که بنام نظم و قانون انجام میگیرند، ندارد! "

* * *

(۱) - با این توضیحات، جناب حاج سید جوادی بر تمام اقدامات و اعتراضات و تظاهرات دانشجویی در ماههای اخیر، که با اوج بیسابقه ای همراه بوده است، خط بطلان میکشد و آنرا ساخته و پودرخته دست عوامل رژیم میسازد. چرا که جنبش دانشجویی جز برپا داشتن تظاهرات افشاگرانه ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی، تحریم کلاسها و... نبوده است. لابد آقای حاج سید جوادی، جنبش دانشجویی را موکراتیک را فقط " شبهای شبیر و سخنوری"، نامه پراکنی ها و اعتراضات و اقدامات فردی میداند. اعتراضاتی که علی الاصول نباید کوچکترین خدشه ای بخاطر امپریالیست ها و بخصوص امپریالیسم آمریکا وارد سازد. اقداماتی که نمی بایست موجب بهم خوردن نظم و امنیت عمومی (که دیگر همه میدانند این نظم و امنیت

در جریان بازدید فرح از آمریکا ، روز پنجشنبه ۲۲ دیماه ۵۶ در حدود ۱۲۰ نفر از نویسندگان آمریکائی در مرکز هتل هیلتون - محل اقامت فرح - اجتماع کرده و خواهان برسمیت شناخته شدن کانون نویسندگان ایران و آزادی نویسندگان زندانی از جمله ویدا حاجبی تبریزی و زندانیان سیاسی و اجازه خروج دکتور سعیدی شده بودند . تظاهر کنندگان بسیار آرام حرکت کرده و شعارهای خود را بر روی سینه و یا در دست داشتند . در این تظاهرات هرات بسیاری از اعضای انجمن قلم آمریکا ، از جمله آرتور میلر رئیس سابق این انجمن و رضا براهنی ، شاعر ایرانی شرکت داشتند .

* * *

انجمن قلم آمریکا نامه ای برای کارتر ، سر دستانه امپریالیستهای غارتگر آمریکائی ، فرستاده و طی آن از وی خواسته است که به بازداشتها و سایر اقدامات خفگان آور که بر علیه اعضای کانون نویسندگان و دانشجویان و آزادی خواهان بعمل می آید ، اعتراض کند و همچنین از درخواست کانون نویسندگان مبنی بر برسمیت شناخته شدن خود حمایت کرده و از شاه خائن در جریان دیدارش از آمریکا بخواهد که نویسندگان زندانی را آزاد کند . انجمن قلم آمریکا نامه ای نیز برای آموزگار ، نخست وزیر مژور ایران ، نوشته و خواستار آزادی فعالیت کانون نویسندگان ایران و همچنین آزادی " به آئین " و محاب که عاطلین کیک زدن و دوتن از اعضای کانون نویسندگان - هما ناطق و نعمت مهرزاد - شده است . این نامه ها را ریچارد هوارد ، رئیس و عده ای از اعضای انجمن قلم آمریکا ، امضاء کرده اند .

* * *

" کمیته دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن " (کمیته پاریس) ، اعلامیه ای منتشر کرده و هدفهای خود را برشمرده است . این اعلامیه پس از اشاره به اوضاع داخلی و خارجی ایران می نویسد : " شرایط و امکانات جدید در داخل و خارج کشور ایجاد میکند که دامنه فعالیتهای گذشته در زمینه " دفاع از زندانیان سیاسی " به دفاع از حقوق بشری و دموکراتیک گمانی که در زندان بزرگتری بنام ایران بسر میبرند ، ارتقاء یابد " . اعلامیه بر این

← عمومی ، منافع جنبه گمانی را تأمین میکند (بشود)

اساس کلیه عناصر، گروهها و سازمانهای ایرانی را با حفظ شخصیت مستقل و مرام و شیوه خاص مبارزه خود، به اتحاد در پیشبرد و دفاع از حقوق بشر و آزادیهای دموکراتیک دعوت مینماید.

کمیته فوق هدفهای خود را چنین تعیین کرده است: دفاع از مردم ایران در تعیین سرنوشت کشور خویش و ایجاد حکومت مردم بر مردم از طریق انتخابات آزاد و عمومی با رأی مخفی و مساوی، دفاع از حقوق و آزادیهای مردم ایران در اثر برداشتن استقلال سیاسی - اقتصادی و فرهنگی، دفاع از حقوق و آزادیهای مردم سایر کشورهای جهان که مورد تجاوز رژیم سرکوبگر ایران قرار میگیرند و دفاع از کلیه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایران در زمینه اندیشه، دین، مرام، علم، بیان، مطبوعات، تظاهرات و تشکیل جمعیتها و مبارزه با هر گونه تجاوز به این حقوق و آزادیها.

*

*

*

کریم سنجابی رئیس کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر در تاریخ ۲۶ دیماه نامه‌ای به مدیر روزنامه کیهان نوشته و در آن به اظهارات وزیر امور خارجه درباره این کمیته پاسخ داده است و نیز گفته: «اورا مینی بر اینکه سازمان ملل متحد، نامه این کمیته خطاب به "والدهایم" را نمی‌پذیرد، سرود دانسته است. "کمیته ایرانی... سپس از اینکه وزیر امور خارجه نیز همانند سایر سازمانها و مقامات دولتی دست به نشر اکاذیب و تهمت و... می‌زند، اظهار تعجب میکند! و تأکید میکند که نامه کمیته به دهر کل سازمان ملل بهیچوجه ربطی به سالروزهای آزادی زنان و اصلاحات ارضی و تظاهرات اخیر قم نداشته است و بسیار مایه تأسف است که اعضا کمیته را به مخالفت با آزاد شدن زنان و اصلاحات ارضی متهم مینمایند. کمیته در پایان نخستین روز و وزیر امور خارجه را به یک صاحبه رادیو تلویزیونی در حضور خیرگزارها و نماینده سازمان ملل دعوت کرده است.

*

*

*

مهدی بازرگان ضمن اعلامیه‌ای خطاب به "محضر انور علمای اعلام و مراجع عظام دامت برکاته" به "شکوه و درد دل" از این "مملکت بی‌پناه و مایه" میبرد از و ندای "مزوزانه" تغلظ خواهی خود را بحضور پیشوایان دین و مأمورین دفاع از حقوق و عدل میآورد. وی سپس بذكر فضل و زید و مجاهدات

دیرینه آیت الله طالقانی در اشعه قرآن و ارشاد جوانان" پرداخته با اشاره به کبر سن و کمالت های عذیده آیت الله و شرایط دشوار زندان، برای وی اشک تمساح میریزد: سازمان مدعی امنیت... مدت مدیدی معظم له را بدون محاکمه در زندانهای طاقت فرسا اسیر کرده است، در حالیکه اظهار میشد، زندانیان سیاسی ایران تماما مارکسیست هستند. اخیرا نیز علیرغم ادعای دیگرشان محاکم ما قانونی و علنی است، آیت الله طالقانی را بدون اطلاع و حضور حتی افراد خانواده در دادگاههای نظامی - شاید بطبوع غیابی - به ده سال محکوم نموده اند.

مهدی بازرگان سپس با توسل به مبتذل ترین شیوه ها، کمونیستها را مورد حمله قرار داده و ماهیت مواضع ارتجاعی خود را بیش از پیش آشکار میسازد وی مینویسد: "آیا آیت الله طالقانی کمونیست بیدین بود یا جانی خرابکار؟ آیا کسانی که این مجتهد را بازداشت و محکوم کرده اند، کوچکترین صلاحیت قضائی و شرعی داشته اند؟".

* * *

اخیرا مهندس بازرگان بدنبال اتخاذ مواضع مرتجعانه و تسلیم طلبانه خود مبنی بر نفی جنبه های مترقیانه اسلام (۱) و مبارزه با مارکسیستها همگام با مبارزه علیه رژیم، اعلامیه ای با تفاق هم مسلک دیگرش مرتضی مطهری انتشار داده است. مضمون این اعلامیه انتقادات مغرضانه، چپ و راستی استزک که این حضرات به دکتر شریعتی وارد آورده اند. صرف نظر از نقطه نظرات و بطور کلی مواضع دکتر شریعتی در امر مبارزه علیه رژیم (که بحث آن در مقوله دیگری میگذرد)، آنچه را که نمیتوان منکر شد، موضعگیری قاطعانه وی به عنوان یک روشنفکر مرفق با ارتجاع مذهبی و همچنین با کرسی نشینانسی است که خود را در خیل روشنفکران مذهبی جا زده اند، و در این میان آنچه در اعلامیه این حضرات بوضوح نمایان است، حمله به دکتر شریعتی تنها از رویجه تخطئه همین مواضع مترقیانه میباشد که با عباراتی از قبیل "جنجال و اتلاف وقت" و "عنوان میگرد" بدنبال انتشار اعلامیه مزبور و سرانبر شدن سیل انتقادات از سوی روشنفکران مرفق مذهبی، مهندس بناگزی بر طنی اعلامیه دیگری (۲) از نظرات قبلی خود عقب نشینسی

من نضاید و بار دیگر مواضع ریاکارانه و سالوسانه^۴ یک بورژوا لیبرال تمام
عیار را به همگان من نمایند. در اعلامیه^۵ اخیر^۶ اعضا^۷ مرتضی مطهری
بچشم نمیخورد.

در بین آن معرف خاص و عام است که از مواضع گذشته^۸ش عقب نشینی نضاید.
بعلاوه مرتضی مطهری و دیگر شریعتی اختلافات دیرینه ای با یکدیگر داشته اند،
که بیشتر جنبه فردی داشته است تا مسلکی.

*

*

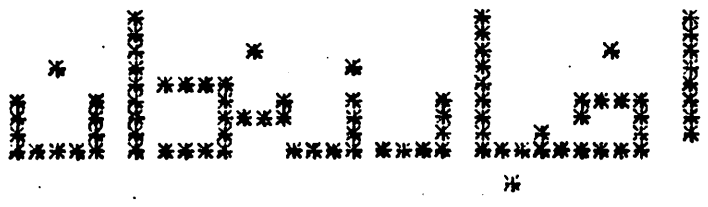
*

← (۱) - اظهار نظری مبنی بر اینکه تنها ۴٪ از آیات قرآن مربوط
به مبارزه است، نمونه بارزی در عقب نشینی مهندس از مواضع بظاهر
مترقیانه^۹ گذشته^{۱۰} خود میباشد.

← (۲) - متن کامل سرد و اعلامیه در ضمیمه آورده شده است.
آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

1387

+



چند خبر از زندان

✽ فردی بنام علی صادقی اهل خراسان (برادر دکترو صادقی جراح معروف طب باز در سوئیس که چند بار در ایران کنفرانس پزشکی داد) حدود دو سال قبل مخفیانه از مرز گذشته ، وارد ایران میشود . ولی توسط مأمورین ساواک دستگیر میشود . او به خانواده اش اطلاع داده که رژیم او را برای همکاری تحت فشار قرار داده است . در حالیکه او آری نکرده و تنها جرم او همراه داشتن پول زیاد و عبور مخفیانه از مرز است و در این رابطه به رژیم حمله میکند . (۱)

وی او خانواده اش خواسته است که از طریق خارج از کشور برای آزادی او اقدام کنند .

برادر وی نیز بعنوان اعتراض از شرکت در کنفرانس پزشکی در ایران خودداری کرد .

✽ گویا برادر نادر شایگان (۱۷ - ۱۶ ساله) که رژیم خبرگشته شدن او را اعلام نموده بود ، زنده است و با ساواک همکاری میکند .

از مادر شایگانها (رفیق فاطمه سعیدی) که در زندان قصر زندانی است ، نقل شده که او پسرش را ملاقات نموده و در این ملاقات ، نادر از رفقای فدائی بدگفته (ادعا کرده که از بیم میکردند ، شکجه ام میدادند و من آنها را گول میزد ، موبه سینما میرفتم و . . .) و همچنین گفته است که منتظرم بزرگتر شوم تا قیافه ام تغییر کند و بعد بیرون بروم .

بعد از یکی دو بار ملاقات رفیق فاطمه به او گفته که تو پسر من نیستی و دیگر به ملاقاتم نیا .

✽ در بازدید دوم هیئت صلیب سرخ ، برخلاف دفعه اول ، هیچگونه نقل و انتقالی صورت نگرفت .

طبق قرار داد ، این هیئت هر چند ماه یکبار از زندانها بازدید خواهند کرد و در صورت عدم اجرای خواستههایشان (در مورد بهبودی شرایط زندانها) و یا بهم خوردن قرار داد ، گزارشهای خود را منتشر خواهند کرد . مأموران ساواک می گفته اند که نحوه شکجه تغییر کرده و بیشتر شکجه روحی میدهند . ایستادنی و بیخوابی طولانی مدت اولترین شیوه شکجه

است (۱) - شایع است که این فرد در رابطه با حزب توده دستگیر شده است .

است.

* رفقای که اخیراً از زندان آزاد شده اند (پائیز ۵۶) ، در مورد دستگیریهایی که شیبوه کار ساواک ارتقا یافته و از شیوه های سابق پیروی نمی کند . دیگر بسیاری افراد را دستگیر می آند و آنقدر آنها را تحت نظر میگرد تا به سازمانهای مسلح راه پیدا کنند .

ساواک در زندان بشدت روی این موضوع تبلیغ میکند و بدین جهت رفقای زندانی ، بخصوص رفقای که آزاد شده اند ، استنباط ذهنی از قدرت ساواک پیدا کرده اند .

* * *

تظاهرات مادران و خواهران زندانیان سیاسی در مشهد

روز ۲۷ و ۲۸ میماه ۵۶ در مشهد تظاهرات زیادی از مادران و خواهران زندانیان سیاسی به همراهند های از طرفداران جنبش تظاهراتی در میدان مجسمه این شهر بعمل آوردند و در طی آن مجسمه شاهان را سنگباران نمودند . تظاهرکنندگان شعارهایی می دادند که تقریباً مضمون آن چنین بود : " از آزادی سخن نگو ، فرزند ان ما را آزاد کن " و این هنگامی که جمعیت حمله کرد ، تظاهرکنندگان را متفرق و پاره زیاد کردند . پس از دو سه روز آنها را که حاضر به ضمانت دادند ، آزاد کرد و بقیه را به تهران فرستادند . در ضمن حمله پلیس مزدور که زنها را کتک میزد و برای فرار از چنگ پلیس به رمانگا میبردند ، از مغازه های آن حد و پناه بردند و جزئیات مورد با همکاری صمیمانه مردم هم رو برو گشتند .

* * *

چند خبر در مورد رفقای سازمانی و . . .

* رفیق لطف الله میثی از خانواده اهل خواسته است که از طریق خارج از کشور جهت مدد های چشمهای او اقدام نمایند و ترتیبی دهند که وی را برای درمان به خارج بفرستند . خبری حاکی از اینست که گروهی صلیب سرخ بین الطلی و . . . در باز پید های اخیرشان از زندانها ، گفته اند که اگر رفیق را بخارج ببرند ، چشمهایش معالجه خواهد شد .

خانواده رفیق سیمین صالحی بعد از مدت ها دوندگی ، توانستند برای فرزند سیمین به اسم پدرش رفیق بهرام آرام شناسنامه بگیرند . ساواک قبلاً با این امر مخالفت کرده و از آنها خواسته بود که به اسم پدر سیمین شناسنامه بگیرند . ولی رفیق سیمین موافقت نکرد و بود .

در این مدت خانواده، سیمین مدارک علنی ازدواج او را مخفی نگاهداشتند
بودند. سیمین احتمال میداد که لورفتن این مدارک برای رفیق شهید
بهرام آرام مسئله ای ایجاد کند.

پرنقل از یک بازجو (احتمالاً عضدی) گفته میشود که رفیق عبد الله امینی
اعدام شده است. با توجه باینکه از این رفیق هیچ خبری در دست نیست،
این شایعه صحیح بنظر میرسد.

* معصومه شادمانی (مادر رفیق حسن کبیری) باتفاق ۸-۷ مذهبی در
زندان قصر کمون جداگانه تشکیل داده و بکلی ارتباط خود را با سایرین
قطع کرده اند. با احتمال زیاد این فرد تقاضای عفو نموده است.
* مادر رفقای شهید رضائی ها آزاد شده است.

* بنا به اظهارات قابل استنادی که در دست است (گفته خواهی سر
رفقای شهید رضائی ها که به ابد محکوم شده است)، وحید افراخته بطور
کامل با ساواک همکاری داشته و دامنه این همکاری حتی به بازجویی از افراد
نیز کشیده شده است. بعنوان مثال وی در یک مورد در اتاق بازجویی به
خواهر رضائی ها توصیه کرده که هرچه میداند بگوید. رفیق نیز در جواب
گفته است: "من حرفی ندارم بزنم". بدنبال این پاسخ وحید به بازجو
میگوید: "آدم نمیشود، او را بزنید". در همین رابطه وسیعاً شایعه
است که وحید را اعدام نکرده اند. (*)

* دختر آقای طالقانی بعد از چندین بار نوشتن تقاضای عفو سرانجام
آزاد شده. او در زندان همکاریهای مختصری با ساواک داشت. از جمله
برای زندانیان گزارش می نوشت. او در زندان قصر زمینه تشکیل کمون جدا-
گانه مذهبی را فراهم میکرد. بطوریکه در ابتدای جدا شدن کمون اعضای آن
علت جدا شدن را فتوای آقای طالقانی بیان میکردند. ولی وقتی که این موضوع
توسط آقای طالقانی تکذیب شد، معلوم گردید که "فتوای ساواک" بوده
است. *

* بظواهر اگستی هاد ر شه مر شهید نیز روش شکار خیا بانی را در پیش گرفته اند. در
این مورد نمودی دید شده است که در خیا بان کوهسنگی سفیر جوانی را گرفتند و
مغازه های نزدیک سینما شهر فرنگ مورد بازجویی و بازرسی بدنی قرار دادند. این
جوان همانجا آزاد میگردد. وی تیپ کارگری داشته است.

پس از ورق از صفحه قبل

(*) توضیح " ماهنامه داخلی " بخش خارج

همانطور که رفاقا مستحضرنه تا کنون شایعات بسیار زیادی در اطراف رفیق شهید وحید افراخته (و همینطور برخی رفاقای شهید دیگر از جمله رفیق منیره اشرف زاده کرمانی) پخش شده است، که باید با دقت و خالصی از هر گونه ساده اندیشی به آنها نگاه کرد . شایعه بالا نیز یکی از همین موارد است . مثلا در اینجا این سؤال پیش میآید که آیا واقعا خواهی رفاقای شهید رهائیاها از نزدیک رفیق وحید را من شناخته است ؟ از کجا معلوم که دشمن در تمام این موارد یا بسیاری موارد دیگر فرد دیگری را بجای رفیق افراخته معرفی نکرده است ؟ و بعد چگونه ممکنست که مثلا رفیق وحید تا کنون اعدام نشده باشد ؟ با توجه به اینکه يك دولت بهر حال دارای محظورات و مسئولیتها می است که اعمال چنین روشهایی را بایمن سازد آنها امکان پذیر نمى سازد .

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی و اعتراض خانواده‌های آنان

در روزهای ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۵۶، مسوولین و نگهبانان زندان قصر مانع ورود تعدادی از ملاقات‌کنندگان زندانیان بند‌های ۱۰۵ و ۱۰۶ میگردند؛ روز شنبه ۲۹ بهمن نیز که مصادف با چهلمین روز شهادت ای‌قم بوده است، از ورود تمامی ملاقات‌کنندگان مانع بعمل میآید. بدنبال آن اعضای خانواده زندانیان، مقابل در ورودی زندان اجتماع می‌نمایند، ولی طولی نمی‌کشد که با دخالت مزدوران پلیس پراکنده میگردند.

همانروز (۲۹ بهمن)، رفقای زندانی بند‌های ۱۰۵ و ۱۰۶، در رابطه با چهلمین روز شهادت ای‌قم دست به اعتصاب غذا میزنند. گفته میشود اعتصاب فوق هم چنین بمنظور اعتراض به قانون جدیدی که از سوی ادگستری و دادگاههای نظامی پیشنهاد شده، صورت گرفته است. مطابق این قانون آزادی زندانیان سیاسی موکول به نوشتن تقاضای عفو شده و بعلاوه تنها در مورد کسانی عملی میگردد که مدت محکومیت‌شان سپری شده و یا رو به اتمام است. رفقای زندانیان در جریان این اعتصاب، خواستار آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی میگردند.

متعاقب جریانات فوق، والدین و اقوام زندانیان تصمیم میگیرند، صبح روز دوشنبه اول اسفند، بعنوان اعتراض بقانون مزبور و نیز مانع از ورود ملاقات‌کنندگان به زندان، مقابل دادرسی ارتش اجتماع کرده و نامه‌ای به دادستان تسلیم نمایند. ولی این تصمیم بمرحله عمل در نمیآید و تنها عدد قلیلی در محل حضور مینمایند.

ضمناً گفته میشود همزمان با زندان قصر، اعتصاب غذائی نیز در زندان اوین صورت گرفته است.

طبق خبری که از رادیو لندن در تاریخ پنجشنبه ۳ فروردین ۵۷، پخش گردید، اخیراً کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر نامه‌ای خطاب به آموزگار نوشته و ضمن آن نسبت به رفتار وحشیانه پلیس با زندانیان سیاسی (که بتازگی جمعی از آنها مجدداً دست به اعتصاب غذا زده‌اند) اعتراض نموده است. طبق نوشته کمیته ایرانی... اعتصاب غذا در روزهای آخر اسفند بوقوع پیوست و طی آن رفقای زندانی خواستار بهبود وضع غذا و کاهش تعداد افراد در هر سلول گردیدند. از دیگر خواسته‌های آنان، کاهش میزان

محدودیت ملاقاتها بوده است تا زندانیان قادر باشند هر عضو خانواده و یا دوست خود را ملاقات نمایند. همچنین عده‌های از رفتای زندانی خواسته اند تا پرونده آنها در یک دادگاه عادی و غیر نظامی مورد تجدید نظر قرار گیرد. گزارش کمیته مزبور حاکی از آنست که تعداد اعتصاب کنندگان چند صد نفر بوده است. آنها که در ابتدا تقاضاهای خود را تسلیم مقامات زندان کرده بودند، مورد ضرب و جرح شدید نژهبانان قرار میگیرند و بدنبال این جریان اعتصاب غذا آغاز میشود.

طبق گزارش فوق. هنگامیکه اعضای خانواده زندانیان بملاقات آنها میروند، اکثر رفتار را مضروب و مجروح یافته و در پی آن بمقامات زندان اعتراض می نمایند، اما نسبت باین عده نیز رفتار وحشیانه‌ای صورت میگیرد و نژهبانان تعدادی از آنان را مضروب می کنند.

طبق خبر رادیو لندن، در روزهای اول و دوم فروردین تظاهرات و برخوردهائی در حوالی زندان قصر روی داده است. روز سه شنبه اول فروردین ماه. جمعی از اعضای خانواده زندانیان، در محوطه خارجی زندان قصر تظاهراتی برپا داشتند که عاقبت با دخالت مأمورین پلیس با توم بدست پراکنده شدند. روز بعد یعنی چهارشنبه دوم فروردین نیز جمعیتی ۲۰۰ نفری که اکثر آنها زن بودند در کنار زندان قصر اجتماع کردند. برای مقابله با این اجتماع حدود ۱۰۰ سرباز مسلح به تفنگ و مسلسل به محوطه تظاهرات گسیل شدند ولی برخوردی بین طرفین رخ نداد.

* * *

* طبق خبری که "نوید" در شماره ۱۹ (۱۶ اسفند) خود درج کرده

است. دو تن از زندانیان سیاسی که از اعضای قدیم حزب توده بودند، ماه گذشته مجددا در دادگاه نظامی محاکمه و محکوم گردیدند. این دو روزنده که "صابر محمدزاده" و "آصف رزم دیده" نام دارند. سابقا مسؤل چاپخانه حزب توده بوده و در تشکیلات تهران فعالیت داشته اند. این دو در سال ۶۶ در رابطه با عباس شهریاری مزدور ساواک، لو رفته و سپس دستگیر گردیدند. بدنبال آن رفیق رزم دیده به ۶ سال و رفیق محمدزاده به ۷ سال زندان محکوم شدند. این دو رفیق با آنکه هر یک چند سال اضافه محکومیت کشیده اند، ماه گذشته مجددا به ۲۰۱ سال زندان محکوم گردیدند.

رفیق زندانی دیگر که نامشان در شماره پیشین خبرنامه داخلی درج

گردیده است، ط محاکمه، مجددا به ۶ سال زندان محکوم شدند.

گزارش سفر ایسرانگری

مقدمه گزارش ایسرانگری بدرد و قسمت توسط یکی از فقات تهیه شده است. رفیق بد قسمت اول نوشته خود بتوضیح ضرورت‌های پیرو از بد که تعیین این پراتیک ایران کردی را برای وی از سوی سازمان ملزم میسازخت بد و قسمت دوم مشاهده استعینی خود را از این سفر شرح داد است.

مآپاره‌های نکات مورد لزوم از قسمت اول را ضمیمه متن اصلی گزارش نیز تغییرات مختصری (حذف پاره‌های مطالب تغییر ضروری و تصحیح متن) داد ایم.

سفر خود را از خرمشهر شروع کردیم. خرمشهر شهری است نیمه کارگری و کارگران آن عمدتاً شامل کارگران گمرک و ساختمان هستند. من قطب‌های کارگری دیگری را این شهر ندیدم.

چند شرکت گسترانی حمل و نقل با ملیت‌های گوناگون در خرمشهر کار می‌نمایند (همچنین بد شرکت ترمینال و شرکت پیمانکاری دیگری متعلقه " فیصلی " (۲) (بزرگترین پیمانکار گمرک خرمشهر) نیز به کار تخلیه بار گمرک اشتغال دارند. تعدادی از شرکت‌های مزبور کارگرموقت استخدا می‌کنند (مثلاً شرکت دورینک ، زمانیکه بد خرمشهر بودم ، کارگرموقت استخدا می‌کرد) . کارگران موقتی که بد دیدم ، اکثر از روستا های اطراف کرمانشاه آمدند . بد حالیکه کارگران دائم گمرک اکرابوسی و عرب میباشند . کارگران کرمانشاهی وابستگی اقتصادی و معنوی خود را بد حفظ کردن مهود ندهند . کارگران گمرک (متعلقه شرکت فیصلی) بد سه شیفت تغییر کار می‌کنند و مزد روزانه

آنها ۳ تومان است . این کارگران ارای سند یکامی باشند (این مطلب را از روی تابلوی که بالای محل سند ینکار دارند میگویم . و گرنه از کارگران نپرسید ایم) . از مبارزات و میزبان آگاهی این کارگران اطلاع موثقی ند ایم . ولی استنباط من از یکی بد و مورد برخورد با آنان چنین است که هر چه رفته کارگران که فشار زیاد را نیز تحمل می کنند در ارای روحیه پر خاشخوشی میباشند (محدویت اطلاعات ناشی از کافی نبودن برخورد من با کارگرانست) .

بخش دیگر کارگران این شهر را ، کارگران ساختمانی تشکیل میدادند . این کارگران نیم

(۱) بد رفتند و شرکت‌های پیمانکاری وجود دارند که تخلیه بارهای کشتی را به عهد می‌گیرند . سیاست دولت اینست که کار تخلیه را به بخش خصوصی واگدا ر کند .

(۲) - احتمالاً شرکت ترمینال نیز متعلقه همین شخص است .

آرشبو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بوی ونعی کرمانشاهی بودند . در این فصل (تابستان) مزد روزانه آنها حدود ۵۰ تومان بود . در حالیکه قبلا (در بهار) روزانه ۷۰ تومان میگرفتند . در فصل تابستان معمولا به سبب روی آوردن تعداد زیادی از محصلین این شهر به کار ، مزد روزانه کارگران تنزل می یابد .

فروش اجناس قاچاق نیز در خرمشهر رایج است . این اجناس از مناطق مانند آبادان و گناوه به خرمشهر آورده میشود و نرخ آنها (چه در این شهر و چه در آبادان) نسبتا گران است .

از وضع روستاهای خرمشهر اطلاع زیادی ندارم . ولی باغهای زیادهایی در اطراف شهر وجود دارد که منبع معیشت صاحبان آنهاست . خرما از تولیدات مهم این شهر است و به مناطق دیگر نیز صادر میشود . قیمت ارزاق به این ترتیب بود : نان کیلویی ۲۰ ریال - پنخ کیلویی ۵۰ ریال - تخم مرغ تازه ای ۸ ریال - ماست کیلویی ۴ ریال - سیب زمینی کیلویی ۲۵ ریال و پیاز کیلویی ۱۸ ریال .

در هر یک از بنادر ابتدای سراخ کار در بندر میرقم چرا که کارگران بندر از تشنگی بیشتری برخوردار بودند و از این جهت تعاس با این گروه از کارگران در درجه اول اهمیت قرار میگرفت . علاوه برآن در این پراتیک نیز زمینسه برای کسب خصلتهای کاری وجود داشت . کارهایی نظیر فروشندگی را که برخورد های بیشتری ایجاب میکرد در درجه دوم و کار ساختمانی را که به کمترین برخورد احتیاج داشت در مرحله سوم اهمیت قرار داده بودم . البته پیدا کردن کار ساختمانی به زنگی قابل ملاحظه فرد بستگی داشت . برای نمونه کارگرانی بودند که چندین روز بمیلان کار می آمدند ولی کاری نمی یافتند و در عوض عده ای همه روزه کار پیدا میکردند و این بخاطر برخورد فعال آنها بود و اینکه تن به هر کاری میدادند و حساب سنگینی و سبکی کار و یا تمیز و کیفیت بودن آنها نمیکردند .

برای کار در شرکت "ترمینال" به دفتر آن درگمرک مراجعه کردم . ولی استخدام نشدم . بگفته چند نفر از اهالی یافتن کار در این شرکت به پول و پارتی احتیاج داشت . اما چند روز بعد یکسفر از طرف شرکت فیصلی کارگر دائم با معافی استخدام میکرد . فرد ای آنروز بشرکت دوبرهنگ رفتم تا بطور موقت بکار تخلیه سیمان بپردازم . ولی علیرغم چند بار مراجعه

از سید استاد سازمان پیکار کارگران آزادی طلبان کارگر

نتیجه‌های نگرش، سرانجام طی یک هفته اقامت در خرمشهر نتوانستیم شد و روزنیم به کار ساختمانی بپردازیم.

مقصد بعدی من، آبادان بود. فاصله خرمشهر از این شهر یک ساعت راه است و کرایه مینی بوسهای آن ۵۰ ریال میشود. آبادان شهری عذب تا کارگی است و کارگران آن در شرکت نفت و کمربکار اشتغال دارند. کارگران شرکت نفت که بخش بزرگی از کارگران آبادان را تشکیل میدهند از فاهی نسبی برخوردارند و در برخوردی که با یکی از کارگران جدید الاستخدا ام، اشم، وی چنین میگفت: «بامزایا حد و د و هزار تومان می گیریم هیچ جای دیگر چنین حقوق و مزایایی را نمی توانیم دست آوریم». این کارگر که در بهره‌رفته از وضع اشرار رضایت داشت تا کلاس نهم را بخواند بود (شرکت نفت کارگران خود را با مدرک سیگنل و یا حد اقل ششم ابتدایی استخدا میگیرد). کارگران کمربکار بخش دیگری از کارگران آبادان را تشکیل میدهند. پیمانکار عطف کمربکار فردی بنام صاحب است که تعدادی از کارگران را بطور اتمو تعهد ادی را موقت استخدا میگیرد. من بعنوان کارگر موقت در این بند و شروع به کار کردم. چند راین شهر و چند خرمشهر برای تخلیه کشتی تعدادی کارگر موقت استخدا ام میگفتند و بعد از پایان کار چنانچه نیاز می‌باشد استمه باشند، آنها را راه می‌کنند. مزد ران نیز معمولاً در پایان کاری پرداخت می‌شود، اما در صورتیکه کار تخلیه کشتی چند ماه طول انجامد، مزد ها ماهانه پرداخت می‌شود. مضافاً امتتن معافی شرط پذیرش برای استخدا ام کارگر است. کارگران کمربکار آبادان دارای سند یگانه باشند. آنها چند ماه پیش مخاطوبیک شیفت شدن کار را تعصاب کرد و کمربکار بیپوشه، تقاضای آنها را بپذیرد، اما با توجه به اینکه کارگران نمیتوانستند با دستمزدهای شیفت خرجشان را در آورند، البته بطور پراکنده در شیفت شروع به کار کردند و پس از آن همگی دوباره در شیفتی شدند. دستمزدهای کارگران آبادان نیز مانند خرمشهر در هر شیفت ۳۰ تومان بود. کارگران کمربکار آبادان روی بهره‌رفته‌خسار زیاد را تحمل میکنند و آگاهی ضد زنی آنها بعلمت تماس با کشورهای عربی از جمله عراق و پالاست و بهره‌رفته‌ها کارگران کمربکار آبادان و خرمشهر در صورت امکان میبایست تماس بیشتری بگیریم.

بعد از روزی که راه را مسکله آبادان به کار تخلیه لوله‌های آهنی از یک کشتی را بپذیرد - ختم کارگرانی که در این کشتی با من به کار میبرد اختند. بیشتر خصلتهای این کشتی را اشتند. امکان آوردن جنس قاچاق نیز از کمربکار وجود دارد. اما این کار احتیاج به مهارت و زرنگی و ضمناً همکاری سایر افراد دارد، ولی من بعلمت ضعفهای خود علیه غم تصمیم به اینکار نتوانستم آنرا انجام دهم. (۱)

(۱) - چند کشتی انگلیسی و هندی اجناس قاچاق نظیر شلوار، سیگار، و وسکی و...
www.peykar.org

نرخ اجناس در این شهر تقریباً مشابه خرمشهر میباشد .

بعد از آبادان بنوی گنا و حرکت کرد م . از آبادان تا گنا و محد و ۶ ساعت راه است و بندر شاهپور در این جاده مفاصله . یکساعت از آبادان قرار دارد . البته در صورتیکه بموقعیت بندر شاهپور در این جاده آشنا بود م ، ابتدا به این شهر میرفتم . در اینجانب نیز بسبب وجود چندین شرکت ساختمانی و تعداد ای کارخانه ، کاریافتنی شود و این البته تدریجاً کاری است که می توان در رند رگامید اگرند .

گنا و بندری کوچک است . راهی که بوسیله موتور لنج بمخارک میرود از این بندری گذرد . (البته بوسیله هواپیما نیز می توان از بندریوشهر بمخارک رفت) معیشت عده مردم این بندر قاجاق است . اجناس قاجاق از این شهر به آبادان و خرمشهر برده می شود . در رند رگنا و کساورزی و دامداری و باحرفه تولیدی عده دیگری وجود ندارد . مواد غذایی مورد نیاز (خواربار و تره بار و . . .) از مناطق دیگر به اینجا آورد میشود . با باز شدن دست شرکت نفت بیرونی خارک و عملیات ساختمانی که بتیج آن لزمت ، بندر رگنا و نیز از لحاظ رفت و آمد کارگران و . . . اهمیت یافته است . تمام خواربار و تره بار جزیره خارک و نیز بندر ریگ از گنا و برد میشود . این شهر آب ولوله کشی ندارد و آب مصرفی مردم بوسیله گاریهای آبکش از فاصله ای دور از شهر آورد میشود . تقریباً ۲ متر مکعب آب که بایک گاری یکساعت طول میکشد تا به بندر برسد به قیمت ۳ تومان فروخته میشود . زمانی که در این شهر بود متنها و شرکت ساختمانی مشغول ساختن و مد رسه بودند و همچگونه فعالیتهای عمرانی یا تولیدی دیگری در این بندر صورت نگرفته بود . بعد از گنا و تصمیم گرفتم به خارک بروم در تحقیقاتی که به این منظور انجام دادم ، فهمیدم که یک شرکت پیمانکاری نامخلیج فارسی که در گنا و دفتر دارد ، شناسنامه و آدرس دقیق کارگران را گرفته و به ساواک (یا پاسگاه) خارک میفرستد . در آنجا پس از تحقیق روی شخص مورد نظر ، برگه عبور و راه پاسگاه گنا و میفرستند و شخص را از طریق دفتر پیمانکاری برگه عبور ترو تحویل میگیرند . چنانچه به مدارک خود شخص مشکوک شوند ، از محل در مورد او تحقیق میکنند و در صورت تأیید ساواک ، محل بهمان ترتیب برای او برگه عبور میفرستند ضمناً برای عبور ، معافی نیز لازمت .

در رگنا و تعداد ای کارگروینار مشاهده کردم که مدت هفته بود منتظر رسیدن برگه

وارد میکردند ، کارگر محصلی که در رگتی و اینی با ما کار میکرد ، از طریق یکی از

دوستانش که در رگتی های حامل اجناس قاجاقی کار اشتغال داشت ، مقصدی

ویسکی بدست آورد . قیمت هر بطری ویسکی در رگتی ۳ تومان و در بازار آبادان ۹ تومان

بود . من هم تصمیم گرفتم که اجناسی نظیر شلوار از اسکله بیرون بیاورم . تصمیم خود را با



عبورشان بودند . البته در مواقعی که احتیاج زیادی به کارگر دارند ، معمولا خیلی سریع و ساده اجازه عبور میدهند .

سفر به خارک را بعلت ضیق وقت و مسئله امنیتی آن رها ردم . از چند قاچاقچی شنیده بودم که در بند ریخت که بقاصله یکساعت از گناه واقعتا ، ارزانترین اجناس قاچاق را میتوان یافت . از اینرو یکروز صبح به بند ریخت رفتم و پس از خرید مقداری جنس ، عصر همانروز به گناه بازگشتم . بند ریخت نیز هیچگونه تولید عمده ای ندارد و در آمد مردم از طریق خرید و فروش اجناس قاچاق میباشد . پس از دو روز و نیم توقف در گناه و بند ریخت بطرف برازجان حرکت کردم . از گناه تا برازجان یکساعت و تابوشهر نزدیک به دو ساعت راه است . در برازجان در مورد نرخ اجناسی که خریده بودم تحقیق کرده و اقدام بفروش آنها نمودم . نرخ اجناس در برازجان و بوشهر ارزانتر و یا تقریبا بهمان قیمتی بود که خریده بودم . از این جهت مجبور شدم اجناس را به بهائی کمتر از خرید بفروشم . بهتر بود ایسن اجناس را در شهری مانند آبادان میفروختم .

بندر بوشهر شهری نسبتا قدیمی است . در گذشته معیشت مردم عمدتاً از طریق قاچاق تا مین میگشت ، اما اکنون با توسعه مظاهر سرمایه داری در این شهر و بالا رفتن اهمیت آن ، نحوه زندگی مردم هم تغییر کرده است . تعداد زیادی شرکت ساختمانی در بوشهر به عملیات آپارتمان سازی مشغولند . علاوه بر آن چند کارخانه از جمله شیلات و سردخانه در این شهر فعالیت دارند . یک شرکت آلمانی نیز در حال ساختمان اولیه دو راکتور اتمی است . بخشی از کارگران بوشهر را کارگران کمزک تشکیل میدهند . قسمتی از آنها بومی بوده و بطور دائمی بکار مشغولند و بخشی دیگر کارگر موقت میباشند . این عمده اکثراً از نواحی کهگیلویه ، یاسوج و ممسنی به بوشهر آمده اند . از وضع حقوق ، نحوه کار ، تشک و میزان آگاهی کارگران کمزک اطلاعی در دست ندارم . بقیه کارگران این شهر عمدتاً کارگر ساختمانی هستند . زمانیکه من در بوشهر بودم ، شرکت آلمانی فوق الذکر تعداد زیادی کارگر برای ساختمان کارخانهها استخدام میکرد . مزد روزانه هر کارگر ۴ تومان بود . ضمناً شرکت غذای اومحلی برای استراحت کارگر حاصل مطرح کرد و از او خواستند تا همکاران کند . ولی او با تصمیم من مخالف بود و از همکاری با من سر باز زد . او عقیده داشت که چون من پول کمی دارم و اهل آبادان نیستم ، در صورت دستگیری وضع ناجوری پیش خواهد آمد .

اختیار و کارگران قرار میداد، ولی بابت آن ۵ تومان از حقوق آنان کسر کرد و تنها ۲۵ تومان بآنها پرداخت می نمود. دیگر شرکتهای ساختمانی نیز برای آسایش سازان کارگراستخدام میکردند. ضمانتدادی کارگرافغانی و پاکستانی نیز در شرکتهای ساختمانی بکار اشتغال داشتند.

پس از فروش اجناس در پوشش به گمرک این شهر مراجعه کرد و بعد از یکروز معطلی توانست به اداره استخدام اسکله بروم. مسوول کارگزینی در مقابل درخواست من برای کار میگفت: "ما اول ما متعدد ادی کارگر میخواستیم که استخدام کنیم بجز احتیاجی نبودیم". (۱) روزهای بعد به فروش بیوه و سیگار پرداختم، سپس صف آری جنس خریدم و مسوول شیراز حرکت کردم. از پوشش تا شیراز ۶ ساعت راه است. در شیراز بازار کار ساختمانی خوب بود و تمام کارگرانی را که از اطراف شیراز به آنجا میآمدند، بخود جذب میکردم. اطراف شهر کارخانههای بزرگی نظیر سیمان، روغن نباتی و نیز کارگاههای کوچک و بزرگ سنگبری، قد ریزی، موزائیک سازی و کوره پزی وجود دارند. یک کارگر ساختمانی که از روساهای اطراف به شیراز آمد، میگوید کلیه مواد غذایی ضروری آنها از زنان و لبنیات گرفته تا میوه... از او متأمین میشود و کارگری فقط کم خرج است. کارگر دیگری از کارگران افغانی شکایت داشت و میگفت: "آنها مزد کم کار میکنند، صاحب کار میخواست. ۴ تومان مزد بدهد. ما قبول نمیکنیم بجز ۵ تومان میخواستیم، ولی کارگرافغانی ۵ تومان گرفتند و برایش کار کردند". پس از فروش اجناس در شیراز مسوول بنسدر عباس حرکت کردم. از شیراز تا بندرعباس حدود ۲۱ ساعت راه است.

بسیار گرمای شدیدی بندرعباس، این شهر و تابستان رونق بقیه فصول را ندارد و بسیاری از کارخانههای عملیات ساختمانی و... عملاً راکد میماند (کارگران ساختمانی در فصول غیر تابستانی به بندرعباس میآید و در این فصل به شهرهای دیگر میروند). بسیاری از کسبه، مغازه داران و... هم در تابستانی بندرعباس را ترک می کنند و برای هواخوری به شهرهای اطراف میروند. اکثر کارگاههایی که وابسته به کار ساختمانی هستند نظیر روغنرسانی و... نیز در تابستان تعطیل می کنند. در سالها اخیر توجه زیادی به بندرعباس شده و سرمایه گذارهای دولتی و خصوصی در آن انجام میگیرند. صرف نظر از توسعه اسکله بندرعباس و افزایش ظرفیت بارگیری آن کارخانههای زیادی در اطراف شهر ساخته شده و تعداد ساختمان است. یک مجتمع بزرگ فولاد در غرب بندرعباس در ریزه یکی اسکله آن در حال ساختمان میباشد (برای کسب اطلاعات همه جانبه در مورد کارخانههای اطراف شهر، برخورد فعالی نداشته).

(۱) گمرک پوشش کارگران مورد نیاز خود را اول ماه استخدام می نماید و حقوقها را هم

کارگران بومی و مهاجر از اطراف بندرعباس (میناب و جیرفت و...) به این شهر آمده اند و کارگران افغانی نیز عمدتاً در گمرک کار میکنند. از تعداد کارگران، میزان دستمزدها و چگونگی کارشان و همچنین میزان آگاهی و تشکلات آنها اطلاعی ندارم. کارگران بومی و انبوه کارگران افغانی علاوه بر گمرک، در کارهای ساختمانی نیز فعالیت دارند. بطور کلی کارگران خارجی باعث تحریک سرمایه و قدرت عمل سرمایه دار میگرددند. این دسته از کارگران از طرفی موجب تأمین و ذخیره نیروی کار میشوند و از طرف دیگر وارد شدن آنها به بازار کار سطح دستمزدها را تفزل میدهد. تعداد کارگران افغانی در بندرعباس بنحو چشمگیری زیاد بود، بطوریکه آنها حتی ۱۰ روز یکبار هم سرکسار نمیرفتند. بنظر من اینها کارگرانی بودند که در زمان رونق فعلیتهای ساختمانی به این کار اشتغال داشتند و اکنون منتظر رسیدن فصل سرما و رونق دوباره کارها بودند. مزد کارگر ساختمانی در این فصل ۵۰ تومان بود.

در سالهای اخیر اسکله بزرگ بندرعباس و کارخانه های صنعتی، این شهر را بصورت مرکز جذب کارگران در آورده است. البته از سالها قبل بندرعباس بعنوان یک بندر تجارتي مورد استفاده بوده است ولی اکنون به سبب توسعه ^{کارها} تجاری بندر پوشهر، آبادان و خرمشهر بطور عمده در آن بارگیری میشود. از دیگر راههای امرار مطس مردم، خرید و فروش اجناس قاچاق میباشد. در بندرعباس ابتدا سراخ کار در گمرک رفته. مسوول مربوط به استخدام کارگران میگفت: "الآن از کارگر اشباع هستیم و احتیاجی نداریم". در روز به کار ساختمان پرداخته و سپس با ستفاد بگفته یکمتر برای کار ساختمانی به جزیره قسم رفته. ولی در آنجا فعالیتی در این زمینه صورت نمیگرفت. بناچار از قسم بازگشته و بلافاصله به بندر لنگه که بمفاصله ۶ ساعت از بندرعباس قرار دارد، رفته. بنادر کوچک خمیر و گنک در سرازه بندرعباس - بندر لنگه قرار دارد (گنک حدود ۱۰ دقیقه از بندر لنگه فاصله دارد).

بندر لنگه شهری کوچک است. یک شرکت ساختمانی با تعداد اندکی کارگر که بیشتر افغانی بودند، چند کارگاه کوچک آپارتی، مکانیکی، الکتریکی و نجاری که در مجموع تعدادشان به ۲۰ نفر رسید، در این شهر فعالیت میکنند. داشتند. رویهمرفته بندر لنگه شهر عقب مانده ای است و امرار معاش مردم عمدتاً از طریق فروش اجناس قاچاق صورت میگیرد. از بندر لنگه میتوان به

خارک و از آنجا بوسیله موتور لنج به کیش رفت. به سبب اینکه در کیش کساخت
 سلطنتی در دست ساختمان است. کارگران رفت و آمد زیادی به آنجا دارند
 و رویه حرفه ورود به این جزیره از شرایط سهلتری برخوردار است. مزاحمتی
 که میبایست برای رفتن به جزیره طی شود از این قرار است: ساعت ۷ صبح وارد
 بند ارم رسول این کار، شناسنامه و معافی کارگر را گرفته و ساعت ۸ صبح به شناختن ای
 موتور لنج که بطرف کیش می رود میسپارد. ناخدا شناسنامه را در کیش به پاسگاه تحویل می
 دهد و کارگران را از پاسگاه میگرداند. با وجود یک رفتن به جزیره کیش در آن زمان که احتیاج
 مبرمی به کارگر وجود داشت کار نسبتاً ساده ای بود. به سبب کمبود وقت از تصمیم خود منصرف
 شد و به آنجا نرفتم. در روز به کار ساختمانی در ریادگان بند و رنگه مشغول بودم و سپس به بند
 ل کار و کارگاههای این شهر به جستجو پرداختم چون نتیجه ای نگرفتم. بعد از خرید
 مقداری جنس عاج بند عباس شد. در بند عباس اجناس را یکبار به یک دستفروشی فروختم
 و مجدداً برای خرید جنس به قسم رفتم. بطور محض و اجازه عبور جنس را نمیدادند و کسان
 نیکه صبر میکردند تا کار تخلیه کشتی تمام شود. مقداری بیشتر جنس را عبور میدادند و سپس
 از بازگشت از قسم و فروز اجناس در نیال کار کارگاهی در این شهر رفتم. به بعد از زمان ی از
 کارگاهها سرزد مولی موفق نشدم کاری پیدا کنم. پس از آن عازم شیراز شدم. در شیراز پس از
 مدتی کاوش و سرزدن به چند کارگاه ریک سنگبری کاری پیدا کردم. این کارگاه دارای
 کارگر بود. سه روز آنجا کار کردم و چون وقت دوره اینانگر آمد به پایان رسید بود. بسوی
 تهران حرکت کردم.

نتایجی که از این سفر و مقابله با ضعفهایم گرفتم شامل برخورد با روحیه لیبزالی و
 انفعال طلبی (بطور عمد) و محافظه کاری (بطور جزئی) است. برخورد با روحیه لیبز
 الی در کل برنامه بشکل بیرون آمدن از لاک خود، از زمین بردن خود بینی و حل شدن در
 زندگی توده ها و ارتزاق آنها صورت می گرفت. خصلت فوق در من بصورت برخورد های
 روشن فکرانه و احساس رنج اشی از توده ها بروز میکرد و در رابطه اجنبیه حادث می شد.
 ضمن برخورد هائی که در شهر و تاحدی آید آن پیش آمد (مانند برخورد بانرخ ارزاق
 و اجناس، برخورد با کارگران شهر برداری و کارگران چرخ دستی و گروه گرد) به مقابله با این
 ضعف خود پرداختم. در این دوران وضع مالی من خوب بود. در شهرهای بوشهر و بندر
 عباس احتیاج شدیدی به پول داشتم و اگر چه برخورد های آگاهانه کمتری داشتم و تلاش
 بیشتر برای یافتن راهی جهت نجات از گرسنگی بود اما همین امر محتوای توده های تری به
 برخورد هایم می بخشید. نهاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

انفعال طلبی، ضعف یگری و رمن بود کند رطول سنریه برخوردار با آن پرود اختسم .
 اقامت د ر شهرهای مذتلف و ضمن آن تغییر نوع کار و رویاروشی با شرایط جدید ، بر خورد
 های متنوعی را طلب مینمود و مراد او اینه تطابق با این دگرگونیها میساخت . و همین امر
 زمینر برای مبارزه با انفعال د رونیم فراهم میکرد . برخوردار هائی که ضمن جستجو برای یاب
 فتن هر نوع کار (کار و کارگاهها ، اسکله و . . .) و نیز در حین کار د ریند رویا کارگاهها ،
 فروشندگی میوه ، فروتنی اجناس قاچاق و . . . پیش آمده ، برای مبارزه با انفعال من بسیار
 سازندگی د داشت . حمل و نقل قاچاق نیز می توانست از جهت مقابله با محافظه کاری من
 بسیار سازند میباشد ولی بسبب کمپولی و اینکسفته اراجناس زیاد نبود این پراتیک را همسار
 محدود بانجام رسانند م .

بنظر من ضعف اصلی این برنامه بعد احساس بر سوء لیت و نقد ان همد ایت کمونستی
 د در طرح آن بود . مشخص نشد مبود که چه ضعفهایی مورد نظر است خود ره و قسمت از این پرود
 اتیک (مثلا کار د ریند) ، با چه ضعفهایی می بایست مبارزه شود و دیگر اینکه چه مده تی
 برای این برخوردار لا زمست . بعبارت دیگر این مسئله کند و مقابل یانشه قوت میبایست
 پراتیک طولانی تری را بنگد و انم ، مشخص نگرد یدد مبود . مسئله د یگری که تغییر قابل بین
 بینی مهنمود ، تأثیر متقابل ضعفها روی یکدیگر بود که از انم مان برخوردار با آنها می گاست
 این اشکال با راهنمایی فرد تحت آموزش می توانست کم کرد د .

باید به این مسئله توجه میشد که برخوردار رفیقی که به یک پراتیک معین فرستاد میشود ،
 با اطرافیانش یغیر از برخوردار یاشفرد عاد ی است و صرف نظر از ضعفهایی که مرفرد عاد ی د ر
 رویاروشی یا اوامعیات د ارد (برخوردار های مکانیکی و خود بخود ی) مسئله زندگی باتوده
 ها ، پیونده با آنها و دگرگونی معیشت آنها و . . . برای وی مطرحست و د ر این مورد
 می بایست رهنمود های لازمه او د میدهد کند و آنصورت این پراتیک می توانست پربار
 و مشکوفان کرد د . گوشه ای از این برخوردار ها را من بصورت کاوش و نحوه معیشت مردم
 بعضی شهرها ویرسیدن نرخ اجناس انجام میداد م .

رفیق مسو ل کارهایی مانند باربری و فروشندگی و . . . را تعیین کرد (صرف نظر از
 مشخص نکردن و عد مراهنمایی لازم و مورد کارهای فوق و وجه لزوم هر یک از آنها)
 و چارچوبی را برای آن د نظر گرفته بود که هر کاری بیش از چند روز نبرد از مود ره ر شهری
 بیش از یک هفته نمانم . د حقیقت محدودیت این چهارچوب باعث میشد که پراتیکهای
 گوناگون برای من قابلیت اعطاف خود را از دست د هدم . د رواقعگی که د ریک پراتیک
 امکان برخوردار بود ، مجبور بود م پس از چند روز آنرا ها سازم . همدین د بعضی شهر
 ها مثل بندر عباس و بندر لنگه که کار مید انمیدم (یا من بعلمت ضعفهای من می توانست مید ا

کم) بیشتر علاف بودم. در بندر لنگه مجبور شدم قالب از پیش تعیین شده را شکسته و سه روز بیشتر بمانم.

بطور خلاصه پیشنهادات من برای برطرف کردن نقاط ضعف برنامه باین ترتیب است :

- ۱- تعیین ضعفهای عمده هر فرد و پراتیک مشخص برای مقابله با آنها با در نظر گرفتن مدت آن، همچنین احتساب تاثیر ضعفهای فرد در کار- هس براند مان پراتیک و راهنمایی در مورد آن.
- ۲- هدایت رفیق تحت آموزش در مورد چگونگی برخورد و پیوند با تودم های مناطق مختلف و حل شدن در زندگی آنها.
- ۳- توجه به متن هر پراتیک بعنوان عاملی که میتواند در بارور کردن نتایج آن موثر باشد.
- ۴- برخورد با مسائل از دریچه منافع و مسائل سازمان که این امر از طریق هدایت و راهنمایی فرد تحت آموزش امکانپذیر است.

*

*

*

خبری در مورد صنایع نساجی اصفهان

سندیکای کارفرمایان صنایع نساجی اصفهان، نامه‌ای به کمیسیون شایسته‌های ارسال داشته است که قسمتی از متن آن بنقل از شماره ۱۲۳۳ (شنبه ۲۲ بهمن) "تهران اکونومیست" ارگان سرمایه داران بخش خصوصی در ذیل آورده میشود. مفاد این نامه گوشه‌ای دیگر از چهره "ضد خلقی نمایندگان این جناح را که مایل به گسترش سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و امکان رقابت با صنایع خارجی در مقابل قدرت مسلط بخش دولتی میباشند، نمایان میسازد.

در پیشنهاداتی که از جانب سندیکای کارفرمایان، جهت توسعه و رونق دوباره صنایع نساجی مطرح گردیده، سندیکا خواهان کنترل دقیقتر کارگران و ایجاد ضوابط انضباطی شدیدتر در محیط کار شده است تا اگر تا کنون در اعمال سیاستهای فاشیستی رژیم بسبب عدم توازن و ناهماهنگی در ارکانهای اجرایی آن مسامحه‌ای صورت گرفته، اکنون دیگر امکان آنهم نباشد. سندیکا حتی به سیاستهای رژیم مزدور شاه انتقاد میکند که چرا کارگران جوان را با دستمزد بیشتر و کار کمتر استخدام مینماید.

این نمونه بار دیگر ماهیت یکپارچه جناحهای گوناگون سرمایه‌داری وابسته ایران را، علیرغم اختلافات آنها نمایان ساخته و با استدلالهای مذبحانسه‌عناصری که لزوم استفاده از تضاد میان جناحهای موجود در طبقه حاکم را در تعیین شعارهای استراتژیک بهمین می‌آورند، خط بطلان میکشد. (۱) نیازی بتوضیح نیست که این عناصر (دارودسته) کمیته مرکزی... و عقبه داران آن، گروه منسحب... با علم کردن شعار جنبه "ضد دیکتاتوری" منافع چه طبقه ایرانی نمایندگی میکنند.

(۱) - تأکید بروی ماهیت یکپارچه جناحهای گوناگون سرمایه‌داری وابسته، هرگز بمعنی آن نیست که تضادهای میان آنان بکلی نادیده انگاشته شود و لزوم استفاده از اختلافات مزبور در شرایط معین و بطور تاکتیکی بیکباره نفی گردد. چرا که با اعتقاد ما اینسوی قسبه یعنی مطلقاً یکسان دانستن جناحهای وابسته به امپریالیسم، برداشتی صرفاً مکانیکی و یکجانبه از مسئله بوده و خود انحرافاتی از نوع دیگر را موجب میگردد. خ. د.

مفاد نامی که سند یکا به کمیسیون شاهنشاهی بطور اختصار نوشته است از این قرار است:
 بظنظور توسعه و شکوفائی صنایع نساجی که از ارکان اولیه اقتصاد مملکت میباشد .
 صاحبان صنایع بریسندگی و باغندگی اصفهان نهایت مجاهدت و بریسندگی اهتمام را
 بعمل آوردند و قبل از دستیابی به این هدف و بهره‌وری از سرمایه‌های یکد را ایجاد کارخانجات
 نجات و بصورت شرکت‌های ماپیکار افتاد میتوانند بوظائف میهنی و قانونی خود که خود
 کفایتی و بس نیاز ساختن مملکت از ورود اجناس مشابه خارجی در سر لوحه آن قرار داد عمل
 نمایند . متأسفانه در سنوات اخیر با تمام کوششیکه در این راه بعمل آوردند نتوانستند توفیقی
 نصیب آنان نشد بلکه عوامل بیشماری نیز موجبات تسیر قهرقراضی این صنعت و تضعیف بنیه
 مالی - و زیان و ضرر مستمر کارخانه‌ها را نراه فرام ساختند که اثرات نامطلوب آن علاوه بر
 ایجاد توهم و انصراف دیگران از سرمایه‌گذاری در این راه باعث متوقف گشتن نبی از
 نیروی کار کارخانجات موجود نیز گردیده است .

با اینکه همیشه از شما ه از عمر تا سیس و تشکیل این سند یکا میگردد معتمد اظرف همین مدت
 کوتاها پیگیری مد اوجه مستقیم وجه از طریق اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان
 بظنظور رفع مشکلات و نارسائیهایی موجود و جلوگیری از اضمحلال و نابودی این صنعت که
 بستگی کامل به اقتصاد مملکت دارد ، مراتب به وزارتخانه‌ها و ادارات کل وابسته و نظیر
 گزارش و ضمن پیشنهاد اینکه بعمل آمده تقاضا شده است هیئت مرکب از کارشناسان
 و مامورین فنی خود را با اصفهان اعزام تا پس از بررسی های لازم مشاهدات
 عینی بعمل آورند و جبهاتی که موجبات متوقف گشتن نبی از نیروی تولیدی
 کارخانجات تقلیل و کاهش تولید و راندمان کارگاهه اکنون میزان آن به ۵۰ تا ۶۰٪
 رسیده و همچنین رکود بازار و عدم استقبال مصرف کننده از خریدن فرآورده های
 داخلی ، سیر صعودی هزینه ها ، میزان ضرر و زیان حاصله در سنوات اخیر
 و سایر مواردیکه هر بار بنوبه خود در بحران مالی و تضعیف این صنعت موثر
 بوده ، واقف گشته و سپس برای از بین بردن مشکلات و تجدید حیات این
 صنعت در حال احتضار و جلوگیری از ورشکستگی این صنایع و از هم پاشیدگی
 آنها و بیکار گشتن صدها کارگر (ل) و ناراحتی های ناشی از آن ، تصمیمات
 عاجلی اتخاذ فرمایند . لیکن تا این تاریخ نسبت بمقتضات و خواست ها و پیشنهادات
 و اینکه انجام شده توجهی بعمل نیامده ، در حالیکه وضع کارخانجات بمنزله ای
 رسیده که اتخاذ تصمیم برای ترمیم آن از دست صاحبان صنایع خارج و بدون کمک

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

و مساعدت مقامات عالیه مملکتی قادر به اصلاح و ترمیم وضع موجود نمیباشند .

۱ - کمبود کارگر و کم کاری و بیکاری کارگران شامل بختوس در اصفهان که زائیده عدم وجود برنامه کار بوده و ایجاب مینماید ضابطه ای برای تعیین حداقل کار در تبال دستمزدهای تدریجی تدوین گردد .

۲ - جذب کارگران جوان و با انرژی در سازمانها و کارخانجات تازه تاسیس وابسته بدولت و پالایشگاه با دستمزدهای بیشتر و کار کمتر .

۳ - عدم وجود ضابطه برای جلوگیری از ترك كار و اشتغال کارگران ماهر در سایر سازمانها و یا جبران خسارت ناشی از ترك کار کارگرانی که برای کسب مهارت آنها صاحبان صنایع متحمل هزینه هائی شده اند .

۴ - بالا بودن سطح بوقعات کارگران در عین کم کاری و بیکاری .

۵ - عدم تامین نیازهای کار در سطح کارگری و کاریایی در اثر نارسائیهای قانون کار و امر اجتماعی و لزوم تجدید نظر در مواد قانون و آئین نامه های مربوطه بر اساس احتیاجات و نیازهای روز و چگونگی توقف بودن نیروی کار کارخانجات ، کاهش تولید ، تقلیل راندمان کار ، عدم امان رتابت با محصولات مشابه خارجی بعلل زیر :

الف - سیر صعودی هزینه ها اعم از خدمات پرسنلی ، خدمات تعمیراتی بالا بودن نرخ بهره بانکی ، بالا بودن نرخ بیهه های اجتماعی ، چند برابر شدن شدت ارزش وسائل یدکی و غیره .

ب - مشکلات گمرکی بخصوص از نظر واردات قطعات و وسائل یدکی واخذ حقوق گمرکی و سود بازرگانی غیر مجاز از قطعات و وسائل یدکی وارده تنها میزان صد درصد در اثر عدم تشخیص و انطباق آنها با تعرفه گمرکی از طرف مأمورین گمرک .

ج - امکان رقابت صاحبان صنایع خارجی با محصولات داخلی بدلیل زیر :
استفاده از وجود کارگران ماهر و منضبط و مومن بکار خود بر اساس برنامه های تنظیم شده برای آنها ، نیاز کمتر به نیروی انسانی در اثر بهره برداری صحیح از ماشین آلات مدرن ، وجود کاریکه مثلا هر آنها در ایران و بخصوص کارخانجات اصفهان وجود دارد و در اختیار گذاشتن مواد اولیه ارزان ، بویژه منجمه به کمتر از نرخ بین المللی .

خبر هائی بنقل ازاد پوتیسرانا (آلبانسی)

* ۲۰ / ۹ / ۵۶ روزنامه "رولوسپون" ارکان حزب کونیست کمپیا (م. ل. م.) (۱) با تشریح تضاد های طبقاتی و وظایف اصلی حزب کونیست (م. ل. م.) را در چنین شرایطی بیان میکند: کار سیاسی بین تود مهاستحکا پیوستگی حزب باتود مها و تشدید مبارزه با رژیم دیکتاتوری در سطحی بالاتر عملیات چریکهای انقلابی بر علیه دشمن خلق، بخشی از کار آنها بر ضد استثمار و حشیانه والیگاری و امپریالیسم می باشد. حزب کونیست کمپیا (م. ل. م.) بر ضد اپورتنیسم و روپینونیسم و تریونیونیسم که طالب راههای مسالمت آمیز و پارلماناریستی هستند، مبارزه کرد و از راههای انقلابی عمل می نماید، ... ما انقلابیون ثابت قدم، حقانیت خود را ثابت خواهیم کرد و از طریق قهر انقلابی مبارزه را بشروع خواهیم رساند. حزب کونیست هر چه بیشتر در مبارزات تود مها شرکت کرد ...

* ۱۰ / ۱ یکی از وقایع مهم رسال گذشته (۷۷) انتشار بیانیه مشترک احزاب کونیست (م. ل. م.) آمریکا لاتین است. این بیانیه بسیاری از کشورها منتشر شد. "زری ای پویولیتا" ارکان حزب کارآلبانی، در این مورد اینطور اظهار نظر کرده است: "انتشار این بیانیه نشاندهنده اوجگیری انترناسیونالیسم پرولتری و نمایانگر علاقه و تمایل زحمتکشان قاره آمریکا لاتین به تشدید مبارزات انقلابی میباشد و در راه استحکام روابط احزاب (م. ل. م.) و پیروزی انقلاب در این کشورها، قدمی بجا و مینماید. با گذشت یکسال، درستی تحلیل های این بیانیه و مورد آمریکای لاتین و جهان اثبات شده است. وظایفی که در برابر جنبش (م. ل. م.) و طبقه کارگر و سایر زحمتکشان قرار داده شد نیز این موضوع را تأیید میکند. در این بیانیه فشار و خفقتانی که توسط رژیم های دیکتاتوری آمریکا لاتین (کنمایند) منافع امپریالیسم آمریکا هستند) اعمال میشود و راههای مقابلها آن تشریح شده، بر لزوم مبارزه های سخت بر علیه نیروهای ارتجاعی تأکید میگردد. رژیم های دیکتاتوری والیگاری، فشار و حشیانه خود را بر ضد انقلابیون حقیقی مارکسیست-لنینیست و جنبش کارگری، به شدت افزایش داده اند. گسترار هبران حزب (م. ل. م.) برزیل بوسیله پلیس قتل عام خونین کارگران اعتصابی در اکوادور (۱۳ کارگر اعتصابی بود) بلیبرگشته شدند، سرکوب پلیسی شدیدی در شیلی، کمپیا و سایر کشورهای علیه (۱) - در طی این اخبار هر جا صحبت از احزاب یا گروههای مارکسیست لنینیست (م. ل. م.) شده، منظور گروههای یا احزاب کونیست غیر روپینونیست می باشد.

زحمتکشان و زندانی کردن انقلابیون (م. ل. ۰) تمام این وقایع لزوم مبارزه برضد این رژیمهای فاشیستی و ضرورت انقلاب را به زحمتکشان ثابت میکند. در این بیانیه مبارزه مشترک تمام انقلابیون آمریکای لاتین علیه سلطه طلبی امپریالیسم آمریکا، بعنوان ضرب و زدن و وظیفه مطن شده است. . . قسمت مهمی از بیانیه متوجه نقش ارتجاعی احزاب رژیونیست آمریکای لاتین و سوسیال امپریالیسم شوروی اختصار داد شده است. مبارزه احزاب (م. ل. ۰) آمریکای لاتین و اتحاد آنها برضد دشمنان مشترک روز بروز اوج میگیرد. بعنوان مثال جلسه احزاب (م. ل. ۰) پرازشهادت سمن از هیران حزب کمونیست برزیل، اتحاد و اعمال فشار بر رژیمهای فاشیست این کشورها برای آزاد کردن مارکسیست لنینیستها و سایر انقلابیون، نمونه هایی از این اتحاد میباشد. با گذشت یکسال از اعلام این بیانیه، احزاب (م. ل. ۰) کشورهای آمریکای لاتین همچنان رعایت اصول انقلابی این اعلامیه را وظیفه خود میدانند.

* ۱۰ / ۱۲ حزب کمونیست آلمان (م. ل. ۰) که هم اکنون نهمین سالگرد تأسیس خود را جشن گرفته است در رسوین کنگره حزب وظایف جدیدی را پیش روی خود نهاد. در است از جمله اعضای حزب باید فعالیت خود را بین توده های کارگر گسترده تر داد و کارگران را در راه مبارزه طبقاتی گسترده بریزد. استثمار اقتصادی و بورژوازی و فاشیسم رو برشد رژیم آلمان و در امپریوزی انقلاب پرولتری، سازمان دهند. حزب کمونیست (م. ل. ۰) موفق شد در اتحادیه های کارگری نفوذ کند و به جناح انقلابی در تریه یونیو-نها برضد اربابان و ترید یونیونهای آلمان بوجود آورد. "رود امور گلن" ارگان حزب کمونیست (م. ل. ۰) مینویسد: "رشد آگاهی طبقاتی و آمادگی طبقه کارگر آلمان برای مبارزه، موقعیت مناسبی برای بنفوذ هر چه بیشتر حزب کمونیست (م. ل. ۰) در رون طبقه کارگر است. حزب از این موقعیت مناسب بهره میگیرد و برای ساختن یک ارگان رهبری انقلابی در تریه یونیون ها بعنوان آلترناتیو انقلابی در برابر سیاست سازنر طبقه کارگر (تی) عنوان شد متوسطه راسیون تریه یونیونهای آلمان اقدام میکند. طبقه کارگر روز بروز لزوم ایجاد یک اتحادیه انقلابی، برای سازمان دادن مبارزات روزمره را برضد بورژوازی، آگاهتر میشود.

* ۹ / ۲۵ بدنهال دعوت کمیته مرکزی حزب کارآلبانی، نمایندگانی از حزب کمونیست کارگران و هفتادان ایوان (۱) بریانت یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کارآلبانی دیدن کردند. اعضای دفتر سیاسی و دفتر مرکزی حزب کارآلبانی، مدد اکرانی با هیئت ایرانی انجام دادند. این مدد اکرانی در باره موضوعات مورد علاقه طرفین بود.

رئیس این هیئت درباره کنگره حزب کارگزاران و دهقانان ایران صحبت کرد . ریاست این نمایندگان را شخصی بنام ساداتی (سعادت) داشته است .

* کنگره ای که در پایان سال ۱۹۷۷ برای ایجاد حزب کمونیست ایران () تشکیل شد ، واقعه مهمی برای جنبش مارکسیست - لنینیستی بود . در این کنگره شرایط بین المللی تحلیل شد و انقلاب ایران در رابطه با این شرایط بررسی گردید . همچنین سیاست های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی محکوم شد . نشریه " انقلاب " که بوسیله " طوفان " ارگان حزب منتشر شده است ، بیان میکند که : " جهان به دو اردوگاه کاملاً مخالف تقسیم شده است : اردوگاه امپریالیسم و اردوگاه ضد امپریالیسم . دو ابر قدرت (امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی) دشمنان اصلی خلقهای جهان هستند . آنها میخواهند با همکاری متقابل دنیا را به مناطق تختت نفوذ خود تقسیم کنند . . . پرولتاریای ایران برای آزادی از یوغ فئودال بورژوازی و استثمار مبارزه میکند . فقط تحت رهبری یک حزب اصیل مارکسیست - لنینیست ، با اتکا بخود و بهره گیری از حمایت انترناسیونالیسم پرولتاری میتوان مبارزه را به سمت انقلاب سوسیالیستی و نابودی امپریالیسم هدایت کرد . بنا سرنگونی امپریالیسم ، انقلاب سوسیالیستی میتواند مانع خطر جنگ امپریالیستی گردد . . . حزب ما با تکیه بر اصول انترناسیونالیسم پرولتاری . از حزب کار آلبانی به رهبری رفیق انور خوجه حمایت میکند " . " حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران " از عقاید انقلابی مطرح شده در هفتمین کنگره حزب کار آلبانی پشتیبانی کرده و با هر توطئه ای که باعث تجزیه اردوگاه ضد امپریالیستی شود ، مخالفت مینماید . در کنگره اخیر " حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران " ، مخالفت حزب با تمام تئوریهای ضد انقلابی از جمله تئوری سه جهان " اعلام شد . این تئوری تضاد های بنیادی جهان را با دید طبقاتی و انقلابی بررسی نمیکند و تظاهر میکند که سوسیال امپریالیسم دشمن اصلی است و امپریالیسم آمریکا را نادیده گرفته و امپریالیستهای اروپا و ژاپن را ستودیده میداند . تئوری سه جهان " با تکیه بر این دسته بندی ، از پرولتاریا و خاقهای جهان که برای آزادی از یوغ امپریالیسم مبارزه میکنند ، میخواهد که با استثمار کنندگان و امپریالیسم جهانی همکاری و تضاد های بنیادی خود را فراموش کنند تا بتوانند

پاروقی ← (۱) - بدنبال فرار خائنانه و جیونانه، اکثریت رهبران حزب

توده به خارج از کشور و سکونت دائمی این حضرات در آنجا، عده‌ای از کادرها و عناصر جوان علیه مواضع انحرافی و رویزیونیستی رهبری بمبارزه برخاسته و چون با مقاومت ارتجاعی گردانندگان اصلی روبرو شدند، این با اصطلاح حزب را ترک گفتند و در سال ۴۳، مستقلاً ارگانی بنام سازمان انقلابی حزب توده را بنیان نهادند. پس از گذشت چند ماه از تشکیل این سازمان، سه نفر دیگر از کادرهای نسبتاً بالای حزب توده بنامهای ^{سختی} صفاقی، قاسمی و فروتن نیز از حزب توده جدا شده و به سازمان انقلابی حزب توده پیوستند. اما ایمن پیوستگی دیری نپائید و بدنبال اختلافات شدیدی که عمدتاً بر سر نحوه تجزیه و تحلیل حزب توده و جایگاه آن (اینکه آیا حزب توده اصولاً حزب طبقه کارگر بوده یا نه) و... بین آنها بوجود آمد.

سه نفر نامبرده از سازمان انقلابی انشعاب کرده و سازمان مارکسیست-لنینیستی توفان را بوجود آوردند. ارگان این سازمان نشریه "طوفان" است که ماهیانه منتشر میشود و علاوه بر آن نشریات متعددی در زمینه‌های مختلف (کلاسیکهای مارکسیستی، مسائل سیاسی-استراتژیک جنبش و...) چاپ کرده‌اند. این سازمان معتقد است که حزب توده تا سال ۳۲ حزب طبقه کارگر بوده، و اگر در طول سالهای ۳۲-۱۳۲۰ دچار انحرافات شده این مسئله در چارچوب ضعفهای یک حزب مارکسیست-لنینیست که نمایندگانه طبقه کارگر ایران است، بررسی و تجزیه و تحلیل میگردد و بهمین دلیل این آقایان شعار اصلی شان روی "احیای حزب" دور میزند و نه تشکیل حزب. در حالیکه سازمان انقلابی حزب توده ایران برخلاف "توفان" از همان ابتدا حزب توده را یک سازمان خرده بورژوازی (و نه نمایندگانه طبقه کارگر) میدانند و شعار اصلی آن تشکیل حزب طبقه کارگر است.

سازمان توفان از ابتدا ای تشکیل با تحلیلی شعاعیستی از انقلاب چین جا-معه ایران را علیرغم اصلاحات ارضی و تحولات ناشی از آن، نیمه مستعمره-نیمه فئودال میدانند و معتقد است که در ایران نیز مانند چین، پایگاه اصلی انقلاب در روستا بوده و با رشد انقلاب در روستا و سپس محاصره شهرها از طریق دهات، دیکتاتوری دموکراتیک خلق به رهبری پیرولتاریا برقرار خواهد شد. این سازمان از ابتدا ای آغاز جنبش مسلحانه با برخوردی بغایست

پاروقی ← اپورتونیستی به نفسی آن پرداخت تحت
 البته در موارد محدودی بدلیل گرایش
 اکثریت دانشجویان به جنبش مسلحانه، مجبور
 شد مواضع مایمتری نسبت به آن اتخاذ کند.

سازمان طوفان از مدتها قبل با دولت آلبانی
 در تماس بوده است و با احتمال زیاد از سوی
 این دولت کمک‌هایی به آن میرسد. در همین
 رابطه موضع سازمان طوفان همانند آلبانی
 در برابر تحولات اخیر چین مخالفت آمیز
 بوده است.

از جمله آخرین مواضع اپورتونیستی این
 سازمان (و مسلمانان آخرین آنها) تشکیل
 کنگره این سازمان و تجدید ادعای رهبری طبقه
 کارگر ایران (چرا که از مدتها قبل این سازمان
 مدعی رهبری طبقه کارگر ایران بوده است) ^{میباشد.}
 البته چنین برخورد رذیلانه و فرصت طلبانه‌ای
 از گروه‌هایی چون سازمان طوفان از نظر ما بعیند
 نیست. آنچه برای ما ناپذیرفتنی است، موضع حزب
 کارآلبانی و دولت انقلابی این کشور
 است که اجازه میدهد از تریبون
 آن چنین پیاده گوییهائی
 ابراز شود.

در مقابل سوسیال امپریالیسم استقلال ملی خود را حفظ کنند . این تئوری فرصت طلبانه ، اتحاد و استحکام طبقاتی را نفی میکند . بنابراین حزب مسابنا بر تصمیم گتوره حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران این تئوری را ضد مارکسیستی ضد انقلابی میدانند .

* ۱۸ / ۱۱ رادیو تیرانا ابتدا به نقل از "طوفان" ارکان "حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران" (۱) به ذکر مطالبی درباره حزب توده و وابستگی آن به سوسیال امپریالیسم شوروی میپرد ازد و سپس در مورد احیاء حزب بوسیله "طوفان" و سمت دادن بمبارزات ارگران و دهقانان از جانب این عده صحبت مینماید . رادیو تیرانا همچنین بنقل از حزب باصطلاح کمونیست ایران خاطر نشان میکند که وظیفه کمونیستهای ایران در حال حاضر متحد کردن جوانان انقلابی بزیر پرچم حزب و اصول انقلابی آن و متحد کردن نیروی آنها در راه ضافع طبقه کارگر و حزب آنست .

* ۸ / ۱۰ در سال ۱۹۷۷ احزاب کمونیست (م. ل. م.) شیلی - آلمان - پرتغال - اسپانیا - یونان - ایران - کانادا - در راه استحکام تشکیلاتی و بزیر لتریزه کردن خود اقدامهای موثری برداشته اند ، با توجه به بحران اقتصادی در کشورهای فوق ، احزاب کمونیست (م. ل. م.) فعالیت انقلابی خود را برای پیوندند هر چه بیشتر با توده ها و رهبری مبارزات آنها بر علیه استثمار و فشار اقتصادی و همچنین بزضد رویزونیسم تشدید کرده اند .

اخبار جنبش خلقهای جهان از رادیو تیرانا

* طبقه کارگر انگلیس به مبارزه وسیعی بزضد استثمار سرمایه دست زده است . این مبارزه نتیجه فشاری است که بر اثر بحران در انگلیس ، بدو شرط طبقه کارگر وارد میشود . کارگران مرتباً تظاهرات و اعتصابات برپا کرده ، طی آن خواستار بهبود شرایط زندگی و وضع قرارداد های جدید بنفع کارگران شده اند . در گذشته نیز کارگران متالورژی ، ماشین سازی و . . . اعتصابات فراوانی برپا کرده بودند . بر اثر این اعتصابات کارخانه های مربوطه ساعات کاری را از دست داده اند . بعنوان مثال در شش ماهه اول سال (۱۹۷۷) کمپانی لیلاند ۳ / ۹ میلیون ساعت کار از دست داده است . این کارخانه در سال ۱۹۷۶ نیز ۳ / ۲ میلیون ساعت کار از دست داده بود .

* بهمن ۵۶ در ایرلند کارگران بخش ارتباطات مدت پنج روز است که

اعتصاب کرده اند . درخواست کارگران افزایش دستمزدها و لغو بعضی از محدودیتهاست . با وجود فشار مقامات ایرلند ، کارگران مصممند تا اجرای خواستهها -
یشان به اعتصاب ادامه دهند . بسیاری از کارگران رسته های مختلف و جدت
خود را با اعتصاب کارگران ارتباطات اعلام کرده اند .

* سال ۱۹۲۸ با مبارزات و اعتصابهای کارگری در کشورهای سرمایه داری
آغاز شده است . مبارزه علیه ستم و استثمار و قوانین ضد کارگری و برعلیه رویز -
یونیسم و رهبران ارتجاعی اتحادیه ها گسترش زیادی پیدا کرده است . طبقه
کارگر ایالات متحده در سال جاری مبارزات خود را بر ضد سرمایه داری انحصا
رانه ادامه میدهد . اعتصاب ۶۰ / ۰۰ کارگر معدن در آمریکا بیش از در مساه
ادامه پیدا کرده است . اعتصاب بوسیله بورژوازی انحصاری آمریکا سرکوب می -
شود . این قبیل اعتصابها روز بروز خصلت نظامی تری بخود میگیرند .

در ایتالیا اعتصابهای کارگری همراه با تظاهرات ضد فاشیستی کارگران صورت
میگیرد و این درست در شرایطی است که رهبران ارتجاعی اتحادیه های وابسته
به رویونیسم در نطق های خود اعزاز میکنند که کارگران ایتالیا باید هر چه
بیشتر فداکاری کنند . در کشورهای سرمایه داری شرایط عینی برای انقلاب
برهبری پرولتاریا روز بروز تشدید میشود و در حال حاضر انقلاب پرولتری در این
کشورها وظیفه ای است که بصورت مسئله روز باید آنرا حل کرد .

* بهمن ۵۶ بیش از یک ماه است که توده های خلق نیکاراگوئه در پایتخت
آن ماناگوا مرتباً دست به تظاهرات میزنند . ده ها نفر از مردم در زد و خورد
با پلیس کشته و زخمی شده اند . در طی دو روز گذشته مردم تظاهر کینده در
موارد بسیاری با پلیس زد و خورد داشته اند . بدنیال نارضایتی رو به افزایش
طبقه کارگر ، انتخابات دولتی تحریم شده و توده های کارگر حاضر نیستند بنام
نمایندگان رژیم دیکتاتوری رأی بدهند . میهن پرستان نیکاراگوئه در نقاط مختلف
کشور بعنوان اعتراض دست به حملات مسلحانه ای زده اند . مبارزه مسلحانه
میهن پرستان نیکاراگوئه در حال رشد است .

* ۱۰ / ۸ د و ابر قدرت امپریالیستی - ایالات متحده و اتحاد شوروی - و

سگهای تجاوز کارشان در پیمان ناتو و ورشو ، در مسلح شدن با یکدیگر یافت
میکند . رهبر نیروهای ناتو ، ژنرال هیگ ، در کنفرانس ناتو اعلام کرده : که

آرشیو اسناد سازمان نیکار در راه آزادی طبقه کارگر

د رسال جاری بود چه نظامی ناتونسبت به سال ۱۹۷۷ و ۳۰٪ افزایش خواهد داشت.
 سوسیال امپریالیست‌ها نیز همین ترتیب بود چه نظامی خود را افزایش میدهند. بود چه
 نظامی ارتش د رسال جاری به پیش از یکصد میلیارد روپل افزایش یافته است. بگفته پرا-
 ود ا د رسال جاری پیمان و روش پتانسیل نظامی خود را بالا خواهد برد .

* کشورهای سرمایه داری غرب و شرق بحران اقتصاد و برونرشدی را از سر میگردانند.
 • کارخانه ها حدود ۷۰٪ تا ۸۰٪ ظرفیت اصلی خود را تولید میکنند .

بیکاری د کشورهای عضو بازار مشترک افزایش یافته است. سطح اشتغال د رایرلند
 به میزان ۱۷٪، د انمارک ۲۰٪، آلمان غربی ۲۲٪، بلژیک ۲۲٪، وهلند ۳۱٪ کاهش
 یافته است. چشم انداز بحران د اتحاد شوروی و سایر کشورهای رویزونیست نیز بر همین
 منوال است. د ۱۹۷۸ نرخ رشد سالانه ۴٪ کمتر از میانگین سالهای ۷۰-۱۹۶۸ تعیین

شده است. تنزل سطح اشتغال، بالا رفتن ائمی قیمت ها، پایین آمدن تولید و خارج
 شدن بعضی از لوازم ضروری زندگی از بازار مرتب افزایش مییابد. د آمریکا ۸ میلیون
 بیکار، د اتحاد شوروی ۶ میلیون، د کشورهای اروپای شرقی بیش از ۷ میلیون بیکار
 وجود دارد و برونرشدی د رسا سرد نیا بیش از ۳۰۰ میلیون نفر تقریباً یا کاملاً بیکارند .

از اوت ۱۹۷۶ تا اوت ۱۹۷۷، قیمت ها د آمریکا ۶/۶٪، ژاپن ۳/۹٪، فرانسه ۱/۹٪
 کانادا ۳/۸٪، ایرلند ۱۸٪ و د ربرتغال ۲۵/۲۹٪ افزایش یافته است.

* ۱۰/۱۲: کار تره ایران سفر کرد تا با رژیم ارتجاعی ایران د مورد فروش اسلحه و
 سیاستهای ضد عربی آمریکا مذاکره کند. کار تر از نقش رژیم ارتجاعی ایران د ر منطقه ابراز
 رضایت کرد. شاه ایران مجری سیاستهای آمریکا د رخا و میانه است. آمریکا د ر نظر
 د ارد پتانسیل نظامی ایران را هر چه بیشتر بالا ببرد .

د ر طول چهار سال رژیم ارتجاعی ایران ۲۸ میلیارد د لا ر اسلحه از آمریکا خریداری
 کرد. است. زمانیکه کار تر و رهبران رژیمهای ارتجاعی ایران وارد سیاستهای ضد عربی خود
 را بررسی میکردند د ر تهران و سایر شهرهای ایران هزاران نفر بزد آمریکا دست به
 تظاهرات زدند. آنها د ر حالیکه د ر اطراف سفارتخانه و مؤسسات وابسته با آمریکا
 جمع شده بودند با فریاد شعارهای ضد آمریکائی مانند "یا نسکی بخانه ات برگرد"،
 "کار تر آد مکش است" و... میدادند .

* ۹/۲۵: هیئت ایرانی بران عطف قرار داد های اقتصاد د رسکو میسر میرد
 رویزونیست هاند نه است که با رژیم ارتجاعی ایران روابط اقتصاد د اردند. د ر طی
 چند سال اخیر روابط اقتصاد د و کشور د هرا بر تند است. رویزونیستها

بخاطر منافع اقتصادی خود و همچنین رقابت با امپریالیسم آمریکا سعی میکنند روابط خود را با رژیم ارتجاعی ایران مستحکم سازند. تجار مسکو منافع سرشاری از صدور گاز ایران میبرند. آنها امکاناتی برای کنترل گاز ایران، صد آن و بالا بردن قیمت آن بوجود آورده اند و در پی ایجاد یک لوله گاز جدید هستند. گذشته از ایالات متحده، رویزیونیستهای شوروی نیز به رژیم ارتجاعی ایران اسلحه میفروشند.

✽ ۱۳ / ۱۰: در آستانه سال نو - ۱۹ سامبر - از طرف انستیتو مرکزی جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی مهمانی شای با شرکت متخصصین چینی و آلبانی که در بخشهای مختلف صنایع همکاری میکنند، برپا شد. در این مهمانی وزیر صنایع و معادن وعده ای دیگر از شخصیت های آلبانیس حضور داشتند. این مراسم در محیطی گرم و صمیمانه برگزار شد و بر روابط دوستانه بین خلقهای چین و آلبانی و رهبران آنها رتیق انور خوجه و رفیق هوا کوئوفک تاکید شد.

✽ ۱۸ / ۱۱: رهبر رژیم ارتجاعی ایران برای یک سفر ۴ روزه رسمی وارد هند شد و در یک سری مذاکرات با مقامات بالای هند در مورد همکاری ها مقابل رژیم انجام خواهد داد. از جمله در مورد همکاریهای نظامی بین دو دولت صحبت خواهد شد. مقامات هندی از مهمان ایرانی خود با احترام فراوان استقبال کردند. در حالیکه مقامات ایرانی از مرکز شهر میگذشتند، صد هانفرازمرد همخیزان آمد و تظاهراتی بر ضد شاه برپا کردند. بین پلیس هند و مردم تظاهراتکننده مزه و خوردن سختی در گرفت، صد هانفرازمرد، در حالیکه عکس شاه را با شعار "شاه جنایتکار است" حمل میکردند، بر علیه او دست به تظاهرات زدند. پیش از صد نفر توسط پلیس دستگیر شدند.

✽ رهبر رژیم ارتجاعی ایران - پهلوی - بعد از چهار روزه خود از هند پایان داد. این دیدار در دست بعد از دیدار کارتر از این دو کشور صورت گرفت. مذاکراتی که بین شاه و مقامات مهم هند از جمله "دسای" صورت گرفت مربوط به مستحکم کردن روابط ضد انقلابی بین دو کشور است. این همکاریها بین شاه ایران و رهبران هند در مورد مسائل منطقه ای و اقتصادی در ادامه فعالیت های ضد خلقی رژیمهای دو کشور - هماهنگ کرد. در سیاستهای خارجی - و تبادل تجار هند در مورد سرکوب جنبش های میهن پرستان در ایران و هند میباشد. نهاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

* ۲۸/۱: در ایران تظاهرات خلقی برضد رژیم ارتجاعی ایران همچنان ادامه دارد. روز ۸ فوریه (۲۹ بهمن) در شهر تبریز توده ها در حالیکه شمارهای برضد رژیم ارتجاعی ایران میدادند، مورد حمله نیروهای رژیم ایران قرار گرفتند. مأمورین با گاز اشک آور، مسلسل، تانک و... به مردم حمله کردند. در تظاهرات برحق مردم هزاران نفر شرکت داشتند. در برخورد های بین پلیس و مردم در تبریز صد ها نفر گشته و زخمی شدند. در شیراز نیز تظاهرات عظیمی برپا شد.

بنقل از: * * *
راد یوجیهه، خلق برای آزادی عمان - برنامه فارسی -

* ۲۴/۱۱: زندگینامه رفیق شهید مرتضی خاموشی مسؤل برنامه ریزی برنامه فارسی صدای انقلاب عمان را دیو... .

رفیق در سال ۳۳۰ متولد شد و در سال ۴۹ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. در آمریکا وارد محافل سیاسی مرفقی گردید و در ارتباط با انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا قرار گرفت. در اواخر سال ۵۵ در ارتباط با سازمان ما (بخش خارج از کشور) قرار گرفت. رفقای ایرانی و عرب در منطقه اورا با نامهای مستعار اسماعیل و... بخوبی می شناسند. رفیق مرتضی دوره های آموزش نظامی خود را در ریاست های انقلاب فلسطین گذرانید. در ریاست سال ۱ در مسئولیت اداره اجرای برنامه راد یوشی صدای انقلاب بین ایران که با مشارکت اساسی سازمان ما فراهم شد، عضو شرکت فعال داشت و در مدت یکسال که این راد یوا ادامه داشت این وظیفه را در کنار سایر وظایف انقلابی خود بخوبی انجام داد. در اردیبهشت ۳۵ در رچهلر چوب روابط سازمان باجیهه، خلق برای آزادی عمان بهمدن فرستاد شد. در آن زمان مدت یکسال برنامه فارسی راد یوجیهه خلق برای آزادی عمان را که تاکنون نیز ادامه دارد اجرا کرد. در حالیکه همزمان با آن مأموریت هایی را در زمینه روابط سازمان با سازمان های انقلابی و مرفقی منطقه عهد می آید. در مدت چند سالی که در منطقه بود از تجربیات، دستاوردها، شکست ها و پیروزی های مبارزات خلت های قهرمان فلسطین، یمن و عمان نمونه های زیادی را بچشم دید و با شوق زیاد آن ها را برای سایر رفقا نقل میکرد. او به انگار آموزش هایی که در سازمان دید، بهرود، برخلاف کسانی که فقط پیروزی ها را می بینند، تبلیغ می کنند و از آن نیرو میگیرند. میگویند شکست ها را نیز دید و جوانب آن را بررسی کند و از آنها درس بگیرد. او با عمود دید از تجربیات انقلاب عمان در... گرفت و به سازمان منتقل مینماید. او که بخصوص در مراحل حساس انقلاب عمان همراه رفقای عمانی زیسته بود، میگویند تجربه پراتیک انقلابی خلق عمان

رابعنوان تجربه‌ای ارزشمند به‌سازمان منتقل کند. رفیق مرتضی در اواخر سال ۴۰ مخفیانه به ایران رفت و به‌فعالیت انقلابی خود در داخل کشور ادامه داد. بعد ها ارتباط رفیق با سازمان قطع شد و او که دیگر امکان ارتباط با سازمان را در داخل نیافت، با امکانی که شخصاً در مدت قطع ارتباط بدست آورد، مجدداً به ایران بازگشت. مخفیانه از مرز خارج شد و مجدداً از طریق ارکان خارج از کشور با سازمان تماس برقرار کرد.

اوسپس در سال ۵۰ به‌برای فعالیت مجدد در ایران همراه رفیق شهید حوری بازرگان به ایران بازگشت. آنها به‌سلامت به‌تهران رسیدند اما نتوانستند سرقرارهای خود حاضر شوند و دیگر از رفیق خبری نشد. آخرین اخبار و اطلاعات غیر مستقیم که بدست آمد، نشان می‌دهد که فقط چند روز پس از ورودشان به تهران به‌تهران پلیس گرفتار آمد و به‌شهادت رسیدند.

۱۱ / ۲۶ : در این روز به‌شرح زندگی رفیق شهید حوری بازرگان پرداختیم که به‌شما شنیدیم (مضمون آن اشاره نمود که بخش عمده‌ای از مبارزات انقلابی رفیق در رطاب و و شاد و تن خلق قهرمان آن گذشته است. رفیق حوری همچنین اجرای برنامه فارسی را در یو جیهه، خلق برای آزادی عمان از بعد از او برعهده داشت و وی از طریق فعالیت انقلابی خود در عمان به‌همراه رفیق مرتضی خاموشی به‌ایران بازگشت و شهادت رسید.

رفیق شهید محمد رضا آخوندی در سال ۲۰ در روابط دانشجویی بزرگان انقضا در بعد از مدتی آزاد شد. در اواخر سال ۳۰ توسط رفیق شهید مهدی موسوی قوی، به‌عضویت سازمان درآمد و بزودی خود را با مواضع انقلابی سازمان تطبیق داد و مواضع کمونیست‌های وفادار قرار گرفت. رفیق از سال ۴۰ فعالیت‌های مخفی خود را آغاز کرد و تمام وقت خود را وقف انقلاب کرد. رفیق که در میان عناصر مبارز مدتی نفوذ زیادی داشت توانست تأثیرات زیادی در جهت تطبیق مارکسیسم-لنینیسم بزرگ‌ای بگذارد. رفیق در آبان‌ماه سال ۵۰ با احتمال زیاد در اثر یک تعقیب و اصفهان دستگیر گردید و بزیر شکنجه در زندان ساواک کشته شد. دشمن، رفیق محمد رضا را که با داشتن اسرار سازمانی از کسب و مقام او در زیر شکنجه از سر نو دستگیر شد. او را اعدام کرد، این بار خاطر افشای بین‌المللی شکنجه‌ها، ساواک و بخاطر ورود هیئت بین‌المللی صلیب سرخ برای بازبینی آزارند انیان سیاسی ایران که پیش از طریق خانواده‌های زندانیان آزارند بود. رفیق آگاه شد، موقتاً از اعدام رفیق در زیر شکنجه صرف‌نظر کرد، اما در یک فرصت مناسب تر دیگر، در شرایطی که تبلیغات فاشیستی بورژوازی جهانی در رابطه با سئواله تروریسم در اروپا اوج گرفته بود، او را در ۲۴ مه اعدام نمود.

آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خاطره اش جاودان باد .

* نیروهای مترقی بین الطلی تظاهرات وسیعی برای افشای جنایات شاه در سرکوب مردم قم انجام دادند . از جمله اتحادیه جهانی سندیکاها بیانیه شماره پنج خود را بنسبت حوادث خونین قم انتشار داده است . در این بیانیه ضمن محکوم ساختن رژیم فاشیستی شاه و ذکر تعداد شهدا و دستگیر شدگان در مبارزات قم ، از نقض کامل حقوق بشر در ایران صحبت میشود و سپس از تمام کارگران جهان خواسته میشود که این جنایت جدید رژیم و نیز نقض دائمی حقوق بشر و سرکوب وحشیانه برضد کارگران و مہمن پرستان و سہ نیروهای ضد امپریالیزم در ایران را - که از طرف رژیم ایران صورت میگردد - محکوم کنند .

* * *

خبری از رادیو لندن (بی . بی . سی .) بدنبال سفر شاه . نائن به هند * ۱۵ / ۱۱ : بر اثر تظاهرات دانشجویان ایرانی و هندی بر علیه شاه ایران مقامات هند امروز اذاعات امنیتی ویژه ای بکار بردند : روز گذشته پلیس در دانشجویان تظاهرکننده را با ضربات باطوم متفرق نمود ، از میان این دانشجویان یان که حدود صد نفر بودند ، بیش از ۲۰ تن مجروح شدند . گفته میشود که حال یکی از آنها وخیم است ، پیش از آن وزیر کشور هند از دانشجویان ایرانی خواسته بود که در مدت دیدار چهار روزه شاه ، محل اقامت خود را ترک نکنند .

* ۱۸ / ۱۱ : مقامات دادگستری هند بیش از ۱۰۰ دانشجویان ، منجمله ۱۷ دانشجوی ایرانی را آزاد نمودند . این گروه در جریان تظاهرات علیه شاه و با اتهام اخلال در نظم دستگیر شده بودند . آنها تعهد سپردند که بعد از محاکمه در دادگاه حضور یابند . دانشجویان مذکور اعلام داشتند که مقامات پلیس هند بآنها دستور دادند که در خانه های خود بمانند و تهدید کردند که در صورت عدم اجرای این دستور به ایزان بازگردانده خواهند شد . فضا هزاران دانشجوی هندی تقاضای آزادی ۱۷ دانشجوی ایرانی را کردند .

اطلاعیه - هرد و مرجع بزرگ و عالیقدر اسلام و نجف اشرف حضرت آیت الله العظمی
 آقای خوئی و حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی معظمهما بمناسبت حادثه عهدی و
 غیر انسانی که بوسیله کوماندها و مقامات باصلاح اضتیق و انتظامی بصورت گشتار
 جمعی طلاب علوم دینی و سایر طبقات شریعتی و متدین شهر مدینه قم محاصره منازل
 مراجع عظام و بزرگان دین و حامیان قرآن و اسلام و تشیع و دستگیری مد رسین عالی مقام
 حوزه علمیه قم در تاریخ ۴۹ محرم انجام شد و بعد از یک هفته از روز شنبه ۸ صفر ۱۳۹۸ ر -
 و سحری ۹ علمیه نجف و همچنین نماز جماعت رابعنوان تأثر و همدردی تعطیل اعلام
 فرموده اند. امت مسلمان غیر ایرانیان همه پیروی از و رهبر و مرجع عالیقدر خود روز پنج
 شنبه مورخه ۲۹ / ۱۰ / ۶۶ را عازای عمومی اعلام میدارند و بدینوسیله پشتیبانی خود را از
 روحانیت و تنفردن و تجاوز خود را نسبت بدستگاهها که اعلام میدارند .

خوانند عزیز مسوولیت دارید که این و فرهنگ را توزیع نمایند بهر نحوی که میسر باشد

چشم صورت کبکی و چه لسانا * * *

پیام ۱۹ دی

" واعد والهم ما استطعتم من قوه . . . " و باید برای پیکار با ضد انقلابیون
 (رژیم ضد اسلامی شاه جاز و اربابان تجاوزگرا میکانیکی اش) شما پاسداری از ان نهضت زها -
 نبیختر اسلامی ، تا آنجا که میتوانید نیرو و تجهیزات مهیا سازید .

بسم الله القاصم الجبارین سلام شهید ۹۱ دی خونین

برادران و خواهران مبارزان - ۹۱ دی روز خشم مردم ، تمرد و تقویم انقلابی خلق مسلمان
 ما بعنوان تجربه ای تاریخی در مبارزه ضد طاغوتی بهبخت سینه و یکبارد یکروز و برخورد
 جبهه محق و باطل خشم مقدسی با صغیر گلوله های رژیم ضحائیه خون کشیدند .

یکبار دیگر نیروهای مزدور و بیایورش و حشیانه انبوه مردم ، که با نفرت و خشمی که به نظام
 باطل عاری از مهربری ، داشتند ، در شرائطی که در حاکم دستها را بسته و خفقان حاکم
 زبانها را خرید ، بیابری ، خشم خود را و تصمیم خود را فریاد کردند ، به گشتار زد اخست .
 ولی این نه اولین و نه آخرین تلبور ارادهاست " مردم اراد میکار خونین را به پشتیبانی
 پیشاهنگان مبارزین نمودند " مردم تصمیم خود را در مبارزه با این حکومت سیزدی و مقاومت در
 برابر دشمنی های هیئت حاکمه گرفته است سچرا که حسین بزرگ انقلابی تاریخ الگو و پیشرو
 راهش است و با فلسفه قیام حسینی به خوبی آشنائی دارد که با دشمنان مردم و با طاغوتها
 تنها و تنها باید به مبارزه ای خونین و آشتی ناپذیر مواجه شد .

خلق زحمتگر ما که با اثر تسلط فساد بین و استثمارگران با در و زنجبانی سهمگین دست
 به گریبان است هرگاه زمینه فریاد یافته ، برای رهایی خود حماسه های خونینی را آفرید .

۱۸
است و در شرایط خفقان و سرکوب‌پالیسی چه با شور دست به اقدامات معترضانه زده و جنایات رژیم را افشاء نموده است .

رژیم خائن خود میدانده که هیچ پایگاه مردمی ای ندارد و با تشدید نفرت و خشم مردم و اقدامات معترضانه مردم . انکاء هرچه بیشترش بر سر نیزه و نیروهای سرکوب‌روز افزون میگردد . ورنه التهای ضحاکانه اش را بروز میدهد .

برادران مبارز باید هوشیارانه و قاطعانه در این جو آماده مردمی عمل کنیم . رژیم بیش از هر موقع دیگر خود را متزلزل و تنهائی می‌بیند . لذا کینه دت‌توزیر از گذشته علیه مردم عمل مینماید . باید تجربه آموخت و راه صحیح مبارزه را در پیش پای مردم قرار داد و اگر با دقت تاکتیکهای حرکت اصولی مبارزه در شرایط کنونی را در پیش نگیریم و با عملیات حساب شده به دشمن ضربه نزنیم و احساسات جدیدی که در قلوب مردم بارور شده را شکل ندهیم و تأیید نکنیم . حرکت انقلابی مردم را تبدیل به بونگ برنده رژیم نموده و نه تنها این زمینه آماده را از دست داده ایم که خصوصا با تبلیغات و تهدید خفقان از طرف رژیم ، یاس عمومی را و سرخوردگی را دامن زده ایم . هر چند که خلق ما ضربه های هولناکی متحمل شده ولی همچنان راه نبرد آشتی ناپذیر را ادامه داده بویژه که اکنون دارای تجربیات منس سلحمانه پیشروانش است .

وظیفه هر مسلمان متعهد و انقلابی آگاه است که اقدام به سازمان دادن نیروهای پراکنده جنبش نماید و بر مبنای تجربیات و مقتضیات مبارزاتی شرایط کنونی حاکم بر مینماید ، راه حلها و شکل عمل را تعیین نماید .

برادر و خواهر - اکنون که شهیدان با خون خود سند رسوائی رژیم را احضا نموده اند ، تو رسالت پیام و ادامه راه پزشکوه پیکار را بر دوش داری و این توفی که باید حرکت کنی و در هر سنگری به دشمن بشریت ضربه زده و برای نابودیش تلاش آگاهانه نمائی .

برادر پیام ۱۹ بی رابرسان و به تجربه اش عمل نما . مگذار که خون شهیدان را لوث کنند . مگذار دشمن قداره بند از این برهه ها استفاده برد .

ای رسول شهیدان - حرکت انقلابی و عمل اسلامیت را شکل بده و منظم نما . با تهاجم بدشمن بشریت او را در حالت دفاعی قرار ده . تصمیم بگیر ر با تحلیل حوادث و بر مبنای تجربیات انقلابی ، هوشیارانه همراه با دیگر

برادران صادقت " هسته های مخفی مبارزه" را سازمان ده . بدان گسسه دشمن تنها اتکا به اش تکولوژی تسلیحاتیش است و روزی که حسن کند مردم حاکم شوند در پیکار با او شهادت را بپذیرند چونان آدم بزدلی خود را از معرکه بدر خواهد برد و با رسوائی تمام فرار خواهد نمود و ارتش و تسلیحاتش نیز تدریجا بنبغ انقلابیون و جنبش بگاری افتد . اینست خاصیت و خصالت اساسی امپریالیسم و لون نولها و وانتیوهای آلت تسلطش .

تنها یک تصمیم توده ای است که میتواند تسلط استثمارگران را درهم بشکند . برادر مبارز اساسی شهدا" و شرح حال آنها را در اختیار عموم بگذارد . مشاهدات و تجربیات مبارزات را در اختیار دیگر برادران قرار ده . عوامل دشمن را شناسائی نما و آنکه ۱۹ دی را تحلیل نموده و فکر کن که چگونگی باید از این زمینه در مسیر هد فهای رهائی بخش جنبش استفاده نمود .

سرنگون با د رژیم ننگین شاه قاتل
 نابود باد سلطه استثمارگران
 پیروز پرچم انقلاب صلح خلق ایران

* * *
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضرت مستطاب آية الله معظم آقای حاج سید احمد خوانساری و امت بزرگانه با ابلاغ سلام در روز پیش نامه ای بحضور محترم ارسال شد و چون همه بی صبرانه منتظر اقدام و جواب میباشند مجددا تصدیق میدهد مقدمات اخیر بعضی جرائم و حمله باحکام مقدس اسلام و تهمت و توهین بمقام شایخ روحانیت موجب نگرانی و انزجار و تشنج شدید گردید و مامورین دولت بجای توجه باعتراضات صحیح و منطقی آقایان طلاب و مردم بی دفاع اعمالی که در تمام جوامع بشری محکوم است مرتکب و با اسلحه گرم با آنها روبرو شدند و عده ای بی گناه را به قتل رسانده و جمع زیادی را مجروح و مصدوم نمودند که حال بعضی آنها وخیم است انالله وانا الیه راجعون .

بظور مسلم اگر باحسانات و اعتزاضیات مردم احترام و توجه کرده بودند این واقعه خونین پیش نمی آمد . ضمن اظهار تاسر شدید از این فاجعه بزرگ و تسلیت بعموم مسلمین و تشکر از اتحاد و همدردی طبقات مختلف و تعطیل عمومی قم بدینوسیله اعلام میدارم که حقیق و سائر علماء اعلام و امت بزرگانهم همیشه مخالفت خود را با تصویبات و مقررات ضد اسلامی بوسیله نامه و تلگراف و تذکرات شفاهی صریحا اظهار داشته ایم و حجت را بر همه تمام نموده ایم . و ساخت

ارشاد استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مقدمه سرروحانیت و هر مسلمان واقعی از موافقت با مقررات مخالف شرع و همکاری با اعمال استعمار فتنه و میرا است مستندی است به سوء لاین امور اخطار فرمائید که سوء لیت این حوادث فحیحه که هم اکنون با دستگیری و تبعید بعضی فضلا و طلاب محترم و سلب آزادی از مردم ادامه دارد ، متوجه آنهاست است و در برابر خداوند متعال مسول هستند و جوابی نخواهند داشت در خاتمه نصرت اسلام و مسلمین و مزید عظمت حوزه های علمیه و سلامت و دوام تائیدات عالی را در ظل توجهات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه از خداوند متعال مسئلت دارم ۲/ صفر / ۹۸

محمد رضا الموسوی الطباطبائی



متن اعلامیه آئینه الله شریعتمداری بنسابت چهلیم شهید ای قم

بسم الله الرحمن الرحیم
انالله وانالیه راجعون

فرارسیدن چهلیمین روز حادثه خونین حوزه علمیه قم را بار دیگر بمحوم مسلمانان تسلیت میگوئیم . چهل روز از فاجعه بزرگ عاصه روحانیت شیعه و مرکز تشیع جهان میگذرد . فاجعه ای که در آن خانواده های را داغدار کردند و مسلمانها را عذاب ساختند . هنوز زخمها و جراحات دلخراش این حادثه التیام نیافته و مصیبت های وارده تخفیف پیدا نکرده است . همتسوز هیچگونه تدارک و جبرانی بعمل نیامده و عاملین این جنایت وحشتناک تعقیب و محاکمه نشده اند . والی الله المشتکی و انما انکوبش و حزنی الی الله . لذا بدین مناسبت روز شنبه دهم ربیع الاول ۱۳۹۸ هـ را بعنوان اربعین ایسن مصیبت بزرگ روز عزای عمومی اعلام می کنیم و در این روز حوزه های علمیه برای بزرگداشت خونهای پناحق ریخته شده و شرکت در مجالس ترحیم و همدردی با بازماندگان حادثه تعطیل خواهد بود . انتظار داریم که عموم مسلمانان در برگزاری مراسم مزبوره کمال متانت و آراش را مراعات نمایند . از خداوند قادر متعال نصرت اسلام و مسلمین را مسئلت داریم

ششم ربیع المولود ۱۳۹۸

سید کاظم شریعتمداری

بدنبال مبارزات پرشور مردم تبریز ، اعلامیه های ذیل انتشار یافته است :

باش تا صبح دولتت بدمد کین هنوز از نتایج سحر است
 رفقای مبارز دانشجو ! بیش از ۲۴ سال از کودتای ننگین شاه خائن میگذرد
 کودتائی که چیزی جز غارت منابع طبیعی و قتل عام صدها تن از فرزندان خلق
 مارا به همراه نیاورد . کودتائی که تنها جهت آماده کردن زمینه مساعد برای نفوذ
 هرچه بیشتر بیگانگان در وطن ما توسط اعمال سازمان جاسوسی سیا امریکا طرح
 ریزی شد و بکمک مثنی مزدور و اوباش نظیر سپهبد زاهدی خائن و شعبان بی
 مخ ها اجرا شد و عده ای وطن فروش خائن و تبهکار را بر سر کار آورد . چراکه
 موقعیت ایران برای امپریالیستها چه از جهت منابع طبیعی غنی آن و چه از نظر
 موقعیت جغرافیائی حساس آن که نقطه کلیدی در خلیج فارس بوده و با در دست
 داشتن ایران قادر به نفوذ در کشورهای منطقه و غارت خلقهای زحمتکش این
 منطقه میگردد ، حیاتی بود . پس از این کودتا سیل اسلحه از سوی امریکا
 لیستها ، بخصوص امریکا ، بسوی ایران سرازیر میشود و رژیم منقر پهلوی را تا
 بدندان مسلح مینماید تا اینبار وحشیانه تر از گذشته به کشتار خلق زحمتکش
 ما بپردازد و نه تنها حافظ منافع بیگانگان در ایران باشد ، بلکه بتواند کشور
 های واقع در حوضه خلیج فارس را نیز در وابستگی هرچه بیشتر به بیگانگان بگسا
 و جنبشهای آزاد یخواهانه منطقه را سرکوب نماید . شاه ، این نوکردست نشا
 نده و سگ زنجیری امپریالیسم امریکا بخوبی توانست در دوران حکومت نکبت بار
 خود راه نفوذ سرمایه های خارجی را بداخل میهن ما باز نماید و اضافه
 تولیدات آنان را که باعث نابودی نظام سرمایه داری میگردد ، به میهن ما
 وارد سازد و بدینوسیله کساد ی بازار آنان را به بهای ویرانی اقتصاد منسا
 جبران نماید . اما خلق مبارز ما که هیچگاه پیوغ بیگانگان را بگردن نپذیرفته بود ،
 خیلی زود دسیسه های رژیم را بر ملا ساخت و بر ضد بیگانگان و بیگانه پرستان
 بپا خواست . پانزدهم خرداد ۴۲ هموطنان مبارز ما بار دیگر بپا خواستند و بنا
 دلی آگنده از کینه و نفرت پایه های تخت رژیم جلا دمنش پهلوی را لرزاند . هر
 چند که قیام قهرمانانه مردم ما در این سال با گلوله های امریکائی سرکوب گردید
 و بیش از ۱۵۰۰۰ شهید برجای نهاد ، اما این جنبش نشان داد که بین خلق
 و رژیم منقر پهلوی دریائی از خون فاصله است و مبارزه همچنان تا آخر

ادامه خواهد داشت . رژیم خود فروخته پهلوی با اجرای انقلاب سفید ، حیل‌های که در اکثر کشورهای امریکای لاتین بعنوان تجربه مثبتی از جانب امپریالیسم امریکا در چنگ اندازی منابع خام و استثمار خلقهای زحمتکش قرار گرفته بود ، راه نفوذ سرمایه‌های خارجی را به روستاهای ما نیز باز کرد انید دهقانان که تا بحال در زیر استثمار بیرحمانه فئودالها زندگی طاقتفرسائی را میگذراندند ، این بار در زیر قرض‌شکنهای تعاونی و بانکهای مختلف که مانند زالو خون آنها را میکیدند کمرشان خم شد و با از دست دادن مابقی هستی خویش آواره شهرها شدند . روستاهای ما رو به ویرانی رفت و اقتصاد خود کفای ما بسوی اقتصاد تک محصولی که خواست امپریالیست‌ها بود سوق داده شد و به اقتصادی وابسته تبدیل گردید . بطوری که در حال حاضر حتی ما یحتاج اساسی زندگیمان را نیز باید از خارج وارد نمائیم . اکنون باند تبهکار پهلوی برای حفظ و گسترش منافع اربابان خارجیین در مقابل رشد یابی نهضت آزاد یخواهان سلطه فاشیستی‌اش را دو چندان کرده است ، اعتصابات کارگران قهرمان ما بخون کشیده میشود ، کسبه و خرده پاهای شهری در زیر فشار انواع مالیاتها و باجها قرار گرفته و تحت عنوان مبارزه با کرافروشی به ورشکستگی افتاده‌اند و برای فروش ساختمانهای شهرکهای که توسط امپریالیست‌ها در ایران ساخته شده است سرپناه گلین حاشیه نشینان شهری را به جرم "خارج از محدوده" بودن بر سرشان خراب میشود . اشرار پهلوی این بیوطنان خائن برای سرپوش‌گذاستن بر چهره کریه و ضد مردمی خود به لجن پراکنی به خلق ما میپردازند . آزاد یخواهان را بجرم "خرابکار" در سیاه چالها محبوس گردانیده و دسته دسته از فرزندان مبارز این آب و خاک را به گلوله مینندد . آیت‌الله خمینی را در روزنامه‌های وابسته خود ارتجاعی و بیگانه پرست مینامند و هنگامی که مردم مبارز تم با تظاهرات آرام خود به مخالفت با این یاهو گوئی‌ها بر میخیزند ، آنان را به گلوله میندند .

رفقای مبارز! یار دیگر سرزمین قهرمان پرور ما تبریز شاهد نبرد خونینی شد . مردم غیور تبریز برای اعتراض به کشتار وحشیانه مردم قم روز شنبه ۲۹ بهمن ماه را عزای ملی اعلام کردند و برای بزرگداشت چهارم شهدای قم در مساجد جمع میشوند . شهرتانی تبریز برای متفرق کردن مردم بآنها حمله میکنند و خلق مبارز ما با مشت‌های گره کرده به مقابله پرداخته و عده‌ای از مزدوران شهرتانی را مجروح میکنند . مبارزه به خیابانها کشیده میشود و دیگر نیروهای مزدور

رژیم نیز وارد مبارزه رود و روشی با مردم شده و از طریق زمین و هوا به روی خلق بی سلاح ما شلیک میکنند. توده ای بودن این مبارزه بگذری بوده است که بیش از ۲۰۰۰ نفر در اسارت بسر میبرند. بیش از ۵۰۰ مجروح در بیمارستانها و درمانگاه ها و در حدود ۳۰۰ نفر شهید بجا گذاشته می شود. رژیم مغرور و خود فروخته پهلوی چهره فاشیستی و ضد خلقی اش را این بار عریانتر از گذشته بخلق ما نشان داد. خون شهیدان قم و تبریز به خون دیگر گشته شدگان در راه وطن پیوست و نهال صلح و آزادی ما را بارورتر گردانید. ما این تجاوز، درنده خوئی و دد منشی، خود کامگی و دیگنا توری فاشیستی را محکوم میکنیم. رفتای مبارز دانشجو! ما باید پیوسته در خدمت خلق باشیم و از هر امکان برای بالا بردن آگاهی کارگران و دیگر اقشار خلقی استفاده کنیم. اکنون نیز با چاپ و پخش اعلامیه های مختلف در سطح وسیع شهر و در محلات فقیر نشین چهره کریه رژیم را افشا کنیم و تبلیغات مسموم کننده شان را که مرتبا از بوقهای تبلیغاتی شان پخش میشود خنثی نمائیم.

دروغ به روان پاک شهیدان راه آزادی
گسترده تر باد پیوند کارگران، دهقانان، دانشجویان
مرگ بر رژیم فاشیستی پهلوی

شورش تبریز و ورشکستگی سازشکاران

به انضمام درسمهای قیام مسکو اثر لنین (۱)

شورش قهرآمیز و بالنسبه با سازمان و برنامه تبریز که هدف آن نشان دادن تنفر عمیق خلق از رژیم دست نشانده پهلوی و تک تک بنیادهای آن بود، نکبت "طوبله های اوجیاس" بیست و پنج سال خفت و خواری را شست و به افسانه قدر قدرتی ساواک برای همیشه خاتمه داد. ورشکستگی همه جانبه رژیم خائن در پرتو غرور انگیز این شورش چنان نمایان شد که نمایندگان رژیم خود نیز بداند معترف شدند: "آخر چگونه یک شهر شورش میکند بدون آنکه مأموران خفیه از آن باخبر شوند؟" شورش تبریز تضاد های درون طبقه حاکمه را تندید کرده و رژیم را با یک بحران سیاسی دامنه دار روبرو ساخته است.

اما این نقطه عطف بزرگ تاریخ ایران تنها ورشکستگی رژیم دست نشانده شاه

(۱) - قسمت دوم این اعلامیه - درسمهای قیام مسکو - را حذف کردیم.
آرشیو: www.iranicaonline.org (خ. ۵۰)

خائن را نمایان ساخت ، بلکه علاوه بر آن تزه های سازشکارانه و تسلیم طلبانه رهبران حزب توده را برلی چند مین بار رسوا ساخته و پیچی و بیهودگی آنرا نمایان ساخت. درست در همان زمان که نشریه "نوید" در شماره هفدهم خویش سعی میکرد تا با به اصطلاح "رهنورد های" خویش ، جنبش دانشجویی را به سکون و سکوت بخواند و از دانشجویان میخواست تا در کنار مجلسسین و وزارتخانه های رژیم دست به تظاهرات " آرایم و قانونی " بزنند (تا لایسد مجلس نشینان و مدیر کل ها از ستم " غیر قانونی " ای که بر دانشجویان میروید باخبر شوند) ، شورش قهر آمیز تبریز آب سرد بر سر این ریاکاران و لغوا - گران ریخت و هشدار داد که : "نی توان به " عقب نشینی ها " رژیم دل خوش کرد . نی توان برنامه انقلاب را بر اساس " واداشتن رژیم به عقب نشینی های تدریجی " و راندن او در قفس " قانون اساسی " و حبس کردن او در آنجا قرار داد ، بلکه باید توده ها را از هم اکنون به لزوم انقلاب قهر آمیز و به لزوم درگیری مسلحانه با رژیم مضمور دست نشانده امپریالیسم آگاه ساخت .

نشریه " نوید " که بخوبی این مفهوم تاریخی شورش تبریز را احساس کرده بود ، بلافاصله دست به نشر اعلامیه های افترا آمیز زده و سعی کرد تا با جعل حقا - یق شورش تبریز را به صورت یک " طغیان خود بخودی و کور و پیرانگر و انتقامجو " و " یک بلوای ناکهانی و نابرد بار " نشان دهد و به این بهانه که این شورش تنها باعث " تلف شدن انرژی ذخیره " توده ها " شده است عقب ماندگی خود را از مردم و سازمانهای رزنده " آن بپوشاند . در واقع این سازمانهای رزنده خلق نیستند که از جنبش خلق عقب مانده اند بلکه این حزب توده است که به اندازه " چند هزار سال از خلق عقب مانده " می گوشت تا توده " مردم را به عقب بکشد .

نشریه " نوید " در شماره " نوزدهم خود می نویسد : " عصیان پهلوانی تبریز به ما هشدار داد که . . . انرژی ذخیره شده " انقلابی نه در روند هدایت شده " تاکتیکی ، بل در طغیان انتقام جو و خشمگین و مهاجم توده های به ستوه آمده صرف میشود و بخاطر این نقیصه به جای در هم شکستن و حمله به بنیاد های شالوده های و تکیه گاه ها و ستون های اصلی رژیم . . . به مظاهر آن می تازد و توانائی های خود را بی محابا در این راه خرج میکند . " و پائین تر اضافه میکند : " درگیر شدن در یک نبرد رویاروی و قهر آمیز با دشمن که تا دندان مسلح است . . . به مثابه " فرستادن یک ارتش تعین ندیده و

بی ابزار و فرمانده به جنگی نابرابر است. نتیجه چنین جنگی پشاپین معلوم
 است. در یک کلام این تزها میگویند که خلق نباید شورش میکرد ، که خلق
 باید صبر میکرد تا حزب توده شاخه های تشکیلاتی خود را بوجود می آورد و بعد
 مستقیماً به " بنیادها " ی رژیم حمله میکرد (معلوم نیست این " بنیادها " مرگ
 ام ماورا الطبیعه است که مردم تبریز آنها را پیدا نکردند ؟ آیا بجز موسسات
 سیاسی و اقتصادی رژیم چون بانکها و ادارات دولتی چیز دیگری هست ؟)
 نتیجه این است که حزب توده میخواهد وجود هر گونه سازماندهی و برنامه ریزی
 را در جنبش تبریز نفی کند ، زیرا در غیر این صورت بی علی و عقب ماندگی خود
 او آشکار میشود . در شماره بیست نهم این تزا که عملیات تهاجمی به بانکها
 و موسسات رژیم توسط مردم صورت گرفته به کار میگردد و به تزیار کارانه و خائنانه
 خود که هر گونه عمل قهرآمیز را در هر شرائط کار عمال ساواک میخواند می
 چسبد . " اظهاریه " هیئت اجرائیه " حزب توده " ایران " در روز ۴ اسفند چنین
 میگوید : " در جریان این حوادث رژیم به شیوه همیشه خود با دست زدن
 به یک سلسله خرابکاری بدست چاقوکشان و آدمکشان ساواک ، در تقلاست ،
این بربریت آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق
قانونی خود در نهایت نظام دست به تظاهرات زده بودند مورد آزار و اهانت و
تعقیب قرار دهد . " می بینید ؟ درست همان عناصری از شعورش تبریز را که
نشانه آگاهی خلق و برنامه ریزی و سازماندهی آن است رد میکند و کار
عمال ساواکی میخواند تا بدین وسیله جنبش خلق را در همان حالت خود بخود
دی و نا آگاهانه و بره وار خویش قرار دهد و این همان چیزی است که امروزه
سرمه داران رژیم بدان محتاجند تا بدان وسیله برنامه " سیاست حد اکثر آزاد
دی " خود را پیاده کنند . تفسیر " نوید " با تفسیر رژیم از وقایع تبریز کاملاً
یکسان است و هدف از آن ساکن و ساکت کردن غلیان توده هاست ، منتها با
زبان مختلف . روزنامه " کیهان " درست در همان روز ۴ اسفند که نوید اظهاریه
شوم آور فوق را چاپ کرد پس از اشاره به قصورده ای از مامورین دولتی در وقت
بیع تبریزی نویسد : " مردم تبریز در انتظار معرفی کسانی هستند که در حوادث
اخیر تبریز مرتکب قصور و سهل انگاری شده اند . در همه نقاط شهر مردم
از همدیگر می پرسند که مقرران چه کسانی هستند ؟ در مجموع از اظهار نظرهای
مردم میتوان استنباط کرد که برخی از ماموران انتظامی در تشدید حادثه و به
وجود آمدن موثر بودند و تظاهرات آرام گروهی را که می توانست بدون سرو

صدا انجام گیرد به جنجال کشانند و افراد مشکوک نیز از این وضع مو استفا
ده کردند". در واقع هدف حزب توده از لوث کردن وقایع شورش تبریز و چیز
است: اول - عقب ماندگی رهبری خلق (یعنی سازمانهای رزنده) از خلق را
از آنچه که هست بیشتر وانمود سازد تا بدین وسیله از پیوند خلق با سازمانهای
رزنده آن جلوگیری کند. بدین منظور جنبش تبریز را کاملاً خود بخودی
نشان داده و عملیات سازماندار آنها را کار عمال ساواک میخواند. دوم - آب
بر آتش طغیان توده ها ریخته و آنها را از مقابله قهرآمیز با رژیم که تنها راه
رهائی خلق ایران است باز دارد. بدین منظور سعی میکند تا مبارزه را به
قفس "قانون اساسی" بگسند و شورش تبریز را نیز در اصل یک "تظاهرات
آرام" بخواند که بعداً منحرف شده است.

ما در حیداه خود نمی دانیم که به تحلیل مفصل شورش تبریز دست بزنیم.
اما تنها توضیح میدهم که درجه تشکل و آگاهانه بودن یا خود بخودی بودن
یک جنبش را تنها میتوان از طریق مقایسه آن با جنبشهای قبل مشخص کرد.
شورش تبریز را باید با طغیان پانزده خرداد ۲۴ سنجید تا بتوان به میزان
سازماندهی آن پی برد. در آن طغیان مردم هزاران گشته دادند، بدون
آنکه به موفقیت برسند. حال آنکه در این شورش تلفات مردم بالنسبه اندک
بوده و بعلاوه شورش به هدف خود که نشان دادن راه قهرآمیز مبارزه آشتی-
ناپذیر با رژیم دست نشانده امپریالیسم و ارتقا روحیه انقلابی در مردم بوده،
رسیده است. ما "شورش" تبریز را یک "قیام" نمی خوانیم، زیرا در قیام
مسئله بدست گرفتن قدرت سیاسی مطرح است. حال آنکه در واقعه تبریز ما
با یک ابراز ناراضی روبرو بودیم و اینکه دارای زمینه قبلی و سازماندهی
بوده و از این لحاظ با طغیان و "بلوا" که خود بخودی است تفاوت دارد.
بهرحال تحلیل و بحث بر سر شورش تبریز وظیفه تمام انقلابیون می باشد.
باید دست آورد های این شورش توده ای را درک و حفظ کرد و به سازشکاران
اجازه نداد که مایه های اصیل آنها لوث کنند. تنها از این طریق است که
میتوان به پیوند سازمانهای رزنده خلق با توده خلق امید وار بود. ما در
زیر مقاله^۱ را که نلین پیر از قیام ماه دسامبر مسکو در انقلاب تا کام ۱۹۰۵ که
نقطه اوج این انقلاب بود نوشته است می آوریم. با وجود تفاوت ماهوی آن قیام
با این شورش، از این مقاله میتوان رهنمودهایی برای تجزیه و تحلیل وقایع
تبریز گرفت.

در رابطه با آزادیهای اخیر شبه امپیرالی رژیم ، اعلامیه ای توضیحی (بدون امضاء) انتشار یافته است ، که متن کامل آن از اینترنار است :

" مانور عقب نشینی و عقب نشینی در اوضاع "ول"

ایران يك کشور وابسته به امپریالیسم می باشد و این وابستگی هر روز عمیق تر میگردد . صرف نظر از امپریالیسم خارجی ، کسانی که از این وابستگی سود میبرند ، طبقه حاکم بر ایران و در رأس آن خانواده ننگین پهلوی میباشد . و کسانی که زیر بار این وابستگی خرد شده و روز بروز زندگی شان دشوارتر میشود ، ملت ایران و بیش از همه زحمتکشان آن هستند . جریان " وابسته شدن " ایران به امپریالیسم يك جریان طولانی تاریخی است که با نفوذ سرمایه خارجی به ایران از سالهای قبل از انقلاب مشروطیت شروع میشود و در طول رشد و گسترده تر شدن خود مراحل کیفی متفاوت و اشکال متنوعی را از سر میگذراند ، اما مراحل و اشکال این وابستگی هر چه باشد ، محتوای آن یکسان است : نارسرثوت طبیبی ملی و استثمار نیروی کار زحمتکشان ایرانی . تاریخ صد ساله اخیر ایران را بدون توجه به این وابستگی نمیتوان درک کرد . هر دو دهه ای که از این تاریخ برگزیده (بجز سالهائی که خلق در حال جوشش و طبقه حاکمه در حال عقب نشینی بوده است ، مانند سالهای ۳۲-۱۳۲۰) رشته های بیشتری از حیات میهن ما به امپریالیسم وابسته شده ، بخصوص با شروع دهه ۴۰ که دهه رفورهاست . این رفورها که در شیور تبلیغاتی " انقلاب سفید " يك کلاخ چل کلاخ شده ، برخلاف آنچه که رژیم صفور ادعا میکند نه تنها رشته های وابستگی ایران به سرمایه خارجی را تضعیف نکرد بلکه قدم اساسی را در جهت تقویت آن برداشت . امروزه امپریالیسم بخصوص آمریکا مانند میکروبی در تک تک سلولهای این کشور بیمار رخته کرده و مرض وابستگی بنهایت حدت خود رسیده است . تولید ملی در صنعت و کشاورزی در حال ورشکستگی کامل است . دوره رونق اقتصاد وابسته (مونتاژ و . . .) بعد از رفور نیز که در آغاز دهه ۵۰ به یمن چند برابر شدن تولید و قیمتتفت . آب و رنگ تازه ای یافته بود ، در سرایشی بحران و رکود افتاده است . خلاصه اقتصاد و فرهنگ ما تبدیل به پوست جیرجیریکی شده که گوشت خود را از دست داده است . مسول و حافظ این وضع رژیم دست نشانده شاه خائن و سیاست ادعائی " مستقل و ملی " آن می باشد . بدون سرنگونی این رژیم از طریق يك انقلاب قهر آمیز ملی تصور برداشته شدن حتی يك گام مطمئن برای الفای این وابستگی ، خیالی بوج و

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پند آری فریبکارانه است .

۲- با وابسته شدن ایران به امپریالیسم ، میهن ما نیز با وجود عقب ماندگیهای قرون وسطائی اش بعنوان جزئی از کل وارد نظام جهانی سرمایه داری شد . از این لحاظ رشد تحولات در این جزئی نمی تواند جدا از کل حرکات در این نظام باشد و درک اوضاع و احوال ایران بدون توجه به ویژگیهای عمومی امپریالیسم ممکن نیست . امپریالیسم یا سرمایه داری محضر آخرین مرحله از نظام سرمایه داری است . نظام سرمایه داری در اواخر قرن نوزدهم از مرحله سرمایه داری "آزاد" به سرمایه داری " انحصاری " گام نهاد و خصیلت امپریالیستی بخود گرفت . با شروع این مرحله است که " بحران های عمومی " در جامعه سرمایه داری ظاهر میشود . در این " بحرانهای عمومی " نظام جامعه در تمام ارکان خود - اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، نظامی و غیره - دستخوش تزلزل و بحران میگردد . گوا اینکه محرک این بحرانهای عمومی در درجه اول بحرانهای اقتصادی از قبیل بحران " اضافه تولید " و مانند آن میباشد . اما این بحرانها برخلاف بحرانهای اقتصادی ادواری مرحله سرمایه داری ماقبل امپریالیستی که زود قابل ترمیم بودند ، مخرب بوده و کل رژیم سرمایه داری را تهدید به مرگ میکند . از اینرو شکل بحرانهای عمومی هر چه باشد ، مضمون آن یکی است : زوال نظام سرمایه داری و گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم . تا زمان ما امپریالیسم در مرحله از " بحرانهای عمومی " خود را پشت سر گذاشته و امروزه در حال برداشتن سومین قدم خود به لبگور است . دوران اول با سال ۱۹۱۷ گره میخورد که اولین گسست در دیوار سرمایه داری پدید می آید و اولین کشور سوسیالیستی به رهبری لنین ایجاد میشود . اولیسن کشور زحمتکشان ضربه سختی بر نظام امپریالیستی وارد می آورد و آنرا با انگیزه های قوی تری برای بحران . روبرو می سازد . بحران دوم بحرانهای عمومی با دومین جنگ جهانی ۴۴ - ۱۹۳۶ گره میخورد که در نتیجه آن فاشیسم هیتلری شکست خورد و آرمان اتحاد شوروی استالینسی همه گیرتر میشود . متعاقب آن حلقه های متعددی از زنجیره نظام امپریالیستی گسسته شده و دموکراسیهای توده ای و جمهوریهای سوسیالیستی در اروپا و آسیا پدیدار میشوند . سومین دوران بحرانهای عمومی امپریالیسم با جنگ گره در ۱۹۵۴ گره میخورد . از این سال ببعده است که امپریالیسم آمریکا این سرگردان امپریالیستهای بعد از جنگ جهانی دوم متحمل ضربات سنگینی

شده و در طی سالیان دراز حلقه های متعددی از نظام سرمایه داری گسسته شده و به نظام سوسیالیستی پیوند میخورد. بخصوص با شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا در جنگ ویتنام بحران سوم عمومی سرمایه داری وارد مرحله بسیار بحرانی و وخیمی گردیده است.

طبقه حاکم آمریکا برای آنکه بتواند خود را از این خطر مرگبار رهائی دهد یا حداقل آنها را به عقب بپندارد و راه بیشتر ندارد؛ یا آنکه فاشیستی شود و آزادبهای بورژوا - دموکراتیک را که جمهوریهایی غربی کم و بیش از آن بهره مند هستند از مردم بگیرد و به سیاق فاشیسم هیتلری در سایه ناسیونالیسم عظمت - طلبانه به نظامی کردن بیشتر اقتصاد ادامه دهد و یا آنکه برعکس چه سوره لیبرالی بخود گرفته و با انجام چند عقب نشینی آنچه را که دارد از دست میبرد، نگاه دارد. " برای آنکه تاپ پلورا از دست ندهی، باید چند لقمه ای ببخشی". با روی کار آمدن جیمی کارتر بنظر میرسد که این سیاست لیبرالی کردن اکنون مد روز شده باشد. امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی بشریت اکنون در صحنه جهانی نام از " حقوق بشر" میزند و صحبت از بازگشت به سرچشمه های لیبرالیسم قرن هجدهم و اخلاق مسیحیت میکند و سعی مینماید تا حکومتهای دست نشانده ای را که در این گوشه و آن گوشه عالم با زور سر نیزه نگاه داشته، با نوعی دموکراسی غسل تعمید دهد. در متسن این هیاهو است که در آفریقا لفظا سیاست " جدائی نژادها" را محکوم کرده و در آسیا و آمریکای لاتین رژیمهای دیکتاتوری چون شیلی، برزیل، آرژانتین، اروگوئه، اندونزی و ایران را دعوت به مدد ارا و لیبرالیسم میکند. البته نباید از نظر دور داشت که این عقب نشینی ها و این " دموکراسی کارتری" خصلتی موقتی و سطحی و محدود دارد.

موقتی است زیرا تنها غرض از آن فروکش غلیان خلقهاست و بعضی اینکس
خطرناک تشخیص داده شود بمباز پس گرفته خواهد شد. سطحی است زیرا
 مجریان آن عروسکهای پوشالی و جلاد های بی آبروی چون محمد رضا شاه خا -
 فن هستند که سالهاست ثابت کرده اند که حکومتهای لرزان شان فقط و فقط در
 سایه سر نیزه قابل دوام است و قادر نیستند که تن به این "بازبهای لیبرالی"
 بدهند. بورژوازی وابسته بر خلاف بورژوازی ملی هیچگاه میراث بر ایدئولوژی
لیبرالیسم بورژوازی نیست، زیرا نطفه آن توسط امپریالیسم، این سرمایه داری
انحصاری و مهاجم بسته شده و بعکس همین خصلت تحمیلی است که تنها در

سایه سر نیزه می‌تواند خود را حفظ کند. اگر حکومت مصدق قادر بود که در پناه دموکراسی بورژوازی بر مردم حکومت براند، رژیم‌های وابسته رضا شاهی و محمد رضا شاهی هیچگاه نتوانسته‌اند برای یک مدت نسبتاً طولانی به مردم مجال استفاده از آزادی‌های بورژوازی - انتخابات دموکراتیک، آزادی اجتماع، بیان، قلم، مسکن و مانند آن - را بدهند و اصولاً چنین انتظاری از آنها داشتن امید دوشیدن شیر از گاو نر است. (آخرین شاهد این مدعا نقض مخالف‌خوانی حزب مردم در مقابل حزب ایران نوین بود که کم‌کم داشت پا را از دایره حرف بیرون می‌گذاشت و در پشت آن افسار ناراضی طبقه حاکم در حال سنگر گرفتن بودند که با قتل دکتر عامری رئیس حزب مردم به دستور شاه خیالها نقش بر آب شد و ثابت شد که شاه حتی تحمل دادن آزادی به هم طبقه ای‌های خود را هم ندارد، چه رسد به افراد ملت). محدود است زیرا سیاست خارجی کارتر گوا اینکه بطور کلی رنگ و بوی دمکرات مآبسی دارد اما لازم نیست که در هر کشور دست نشانده ضرورتاً به همین شکل لیبرال - لیستی برای خود حفظ کند. از آنجا که هدف امپریالیسم حفظ موقعیت خویش است بسیار محتمل بنظر می‌رسد که در متن کلی "دموکراسی کارتری" در بعضی از اقرار دست نشانده آمریکا کمریندها نه تنها شل نشود که تنگ‌تر گردد.

۳ - سیاست "عقب‌نشینی‌های موقتی و سطحی و محدود" آمریکا به "دموکراسی کارتری"، باعث شده است که میان امپریالیسم آمریکا از یک طرف و سنگ زنجیری اش رژیم محمد رضا شاهی تضاد هائی حاصل شود که بطصور عمده حول دو مسئله، یکی مسئله محدود شدن فروش جنگ افزار و دیگری حقوق بشر دور می‌زند. محمد رضا شاه - این مار زخم خورده - از این بازی‌ها باز هم دیده است و نمونه روشن آن وقایع سالهای ۴۲ - ۱۳۳۹ است. در آن زمان جان - اف - کندی رسالت اجرای نقش لیبرالیست آمریکائی را بعهده داشت و میخواست که با ایجاد رفرم‌هایی در ایران از یک طرف نفوذ ایسم را که پایگاه اصلی امپریالیسم انگلستان بود تضعیف کرده و نفوذ خود را در ایرا گسترش دهد و از طرف دیگر اوضاع درهم ریخته و رو به انفجار ایران را سرو - صورتی داده و "اصلاح" کند. بدین منظور گروه امینی - ارسنجانی را در مقابل شاه علم کرد تا مجری رفرمها گردند. در طول یک مدت کوتاه تضادها درون طبقه حاکمه ایران به شدت شعله ور شد و داشت کاخ ظلم را میسوزاند

که گندی تن به معامه با شاه خود قرون داد و شاه توانست به او بقبولاند که او درست همان الانی است که برای سواری لازم دارد. در نتیجه رفرمهای پیشنهادی نام "انقلاب شاه و ملت" گرفتند و تضاد میان ارباب و نوکر موقعا فیصله یافت. شاه بین از آمریکا درک میکند که نظام کهنه سلطنتی در ایران تنها و تنها در سایه سر نیزه است که قابل حفظ میباشد و برای اینکه آمریکا ثبات بار دیگر همین بازی کردن به سرشان نزنند و "امینی" مانندی را برای او علم نکنند اخیرا وقایع باصطلاح پشت پرده زمان دولت دکتر امینی را افشاء کرد تا "برگ برنده" را ببرد و از اعتبار بیندازد تا دیگر قابل استفاد^ه نباشد. البته سفر اخیر شاه به آمریکا از نظر او در درجه اول به حل این تضاد اختصاص یافت و چاکر آستان لیس با "تثبیت قیمت نفت در سال آینده" (که آمریکا پس از خاطر جمعی از آن، برای جبران کسری موازنه پرداختها - پس نرخ برابری دلار را تنزل داد) بهای لازم برای رفع و رجوع اختلاف فیما - بین را پرداخت. بهر حال نکته ای که مسلم است اینست که سیاست عقب نشینی به سبک دموکراسی کارتری برای رژیم بسیار خطرناک است و او حتی المقدور سعی میکند که این کار را تا سرحد ممکن بصورت تشریفاتی و دروغین همیشگی خود در آورد و از سوی دیگر ایران بعنوان یک کشور بدنام و بی آبرو و در کنار دیگر کشورهای شیلی و اروگوئه قرار دارد و برای سیاست حقوق بشر کارتر بسیار خفت آور و مایه رسوایی خواهد بود که ایران را از لیست حذف کند. اکنون شاه بین از هر وقت دیگر در کنگره آمریکا بدنبال "حامی" میگردد تا بلکه پنحوی کنگره را از خر شیطان پائین بیاورد، زیرا او خوب میداند که در کشوری که بر آن حکومت میراند دارای هیچگونه پایه توده ای نیست و اگر هم پس از رفرم در میان بخشی از روستائیان "صاحب زمین شده" و شهر نشینان "بنسده" مصرف شده "موقعا متفقینی بدست آورد، اکنون مدتهاست که وقت جیک جیک بهار گذشته و متفقین در پرویز دارند تبدیل به دشمنان امروز میشوند. حکومت او فقط بر مزدوران ساواکی اش پایه دارد و بس. بهر حال نهایت سعی شاه این است که ارباب را سر مهر بیاورد و پایفک در تاریخ دیده شده که گاهی حکومتهای وابسته ارباب خود را عوض کرده اند (مثلا رضا شاه که از انگلیس به آلمان کشیده شد) و شاه هم قبل از سفر به آمریکا مدتی قبل به اروپای شرقی رفت تا باصطلاح برای آمریکا ناز کند، اما احتمال بریدن او از ارباب آمریکائی در این مرحله بسیار ضعیف است. از اینرو شاه و کارتر مجبورند که پنحوی معامله

گند که نه سیخ بسوزد و نه کباب. این کسی کوتاه بیاید و آن کسی فرصت دهد.

۴ - حال که شاه بهر حال پذیرفته که باید عقب‌نشینی هائی بکند (و این اجبار گو اینکه ظاهراً بدستور ارباب است اما از آنجا که دستور ارباب بر طبق مقتضیات عینی حفظ وضع موجود تعیین شده باطناً نتیجه مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم است) این "سیاست عقب‌نشینی" باید بدست چه کسی و بچه صورت انجام گیرد؟ شاه سعی میکند که مانند همیشه خود مجری این سیاست باشد تا بتواند آنرا بشکل دلخواه خود یعنی خارج از معنا و بطور تشریفاتی پیاده کند اما از آنجا که آنقدر بین آبروست که دم خروش همیشه از پشت سر معلوم میشود، بناچار زمینه باید بدست افرادی افتد که تا حدودی او - قضا لیبرال هستند. البته این خود بدان معنا نیست که این "لیبرالها" کلاً یا جزئاً دست‌نشانده خود دستگاه یا مهره‌های "روزمباد"ی آمریکا هستند (گو اینکه در بعضی موارد میتوان به یقین دست‌نشانده‌گی آنها را باور داشت. مثل "حزب زحمتکشان" دکتر بقائی و دست‌معتراضی اخیرش بصورت يك اعلامیه) ، بلکه رژیم میخواهد اکنون که مجبور است عقب‌نشینی هائیس بکند، حتی المقدور میدان را بدست میداند ارهای "مطمئن" بدهد و لیبرال - هائی را علم کند که از همه متزلزلتر و سطحی‌تر و ناپیگیرتر هستند. در میان لیبرالهای واقعی میتوان صحبت از دو جناح کرد: یکی روشنفکران لیبرال که یا بازماندگان بورژوازی ملی (بقایای "جبهه ملی") میباشند و یا تیتویستیم. (تیتویستهای ایران اول بار توسط خلیل ملکی در سالهای ملی شدند صنعت نفت از حزب توده انشعاب کردند و "نیروی سوم" را بوجود آوردند. تز آنها در آنوقت کوشش برای اتحاد بین دکتر مصدق و آمریکا برای مبارزه با کمونیسم شوروی بود که در سالهای بعد از کودتا بصورت همکاری با رژیم همراه با انتقاد نرم از آن در مجله "ظلم و زندگی" ادامه یافت. نیروی - وی - ها آرام آرام پراکنده شدند اما عناصری از آن و بیشتر در قالب نهیست‌کان و هنرمندان باقی ماندند. جناح چپ این جناح "مکتب آل احمد" است و جناح راست آن حاج سید جوادى). در جریانات اخیر بیشتر افراد این جناح هستند که میدانداران آزاد سازی می‌باشند. خواست آنها نه سرنگونی رژیم مغرور بلکه در نهایت بدست آوردن آزادیهای نسبی در درون همین نظام است. جناح دیگر رفرمیستهای حزب توده هستند که خود را جزئی جناح کارگری

اپوزیسیون ضد رژیم می شمارند و حتی ادعای رهبری آنها هم دارند. رفرمیست-ها تا چند سال پیش نیت رفرمیستی خود را نشان میدادند و طاب آن بودند که "موکراسی شاه" را جایگزین "دیکتاتوری شاه" سازند. این خواست آنها در زمینه اقتصادی و اجتماعی به معنای تعمیق اصلاحات شاهانه، که بهر حال جنبه "مترقی دارند" و در زمینه سیاسی دور کردن ساواک از شاه و انحلال ساواک و... بود (که در عمل فقط منجر به اشاعه همان سخن بازمانده از قرون وسطا میشد که "شاه خود من خوب است، اطرافیان من بد") از دو تا سه سال پیش که در سیاست خارجی رویزونیسم بین المللی تغییراتی پیدا شد و یک مرحله "تهاجمی در سیاست تشنج زدائی" پیدا کرد، رفرمیستها بناگهان نقاب خود را عوض کرده و لفظا خواستار خاتمه "سلطنت مطلقه" شدند. با آن حال شیوه مبارزاتی آنها در اصل تفاوتی نکرد است و همان "سیاست واداشتن رژیم به عقب نشینی های تدریجی" است. گو اینکه رژیم های استشاریگر همیشه در شرایط تاریخی مشخص ممکن است که مجبور به عقب نشینی هائی شوند (آنچنانکه امروزه ما با یک فصل از آن روبرو هستیم) ولی واضح است که یک گروه انقلابی هیچ گاه نمی تواند برنامه و سیاست های خود را بر این اساس بگذارد. از "عقب نشینی ها" باید استفاده کرد، اما به چه منظور؟ نه آن چنانکه رفرمیست های مبلغ تز "راه رشد سرمایه داری" با سمت گیری سوسیالیستی "تبلیغ میکنند به خاطر دموکراتیزه کردن رژیم (و آنها هم در سایه کمک سخاوتمندانه رویزونیسم بین المللی به رژیم) بلکه از امکانات ناشی از عقب نشینی ها باید برای بسیج افکار و توده های بیشتر استفاده کرد، برای تماس بیشتر با آنها، برای افزایش بیشتر رژیم و خلاصه برای سازمان دادن واقع بخشیدن به مبارزات صنفی و سیاسی مردم. در همین جاست که اساسی ترین تفاوت میان مارکسیسم و رفرمیسم نهفته است. امروزه که ما با گونه ای عقب نشینی از طرف رژیم روبرو هستیم بسیاری خطر آن وجود دارد که رفرمیستها مانند سالهای ۴۲-۱۳۳۹ فرصتهائی بدست آورده و به افراد زود باور و ناآگاه ترهای سازشکارانه خود را بقولانند. بخصوص وقتی که خلاءها و نارسائی های موجود در جنبش را بحساب آوریم. رژیم هم تمایل دارد که سیاستهای عقب نشینی او را اگر قرار است افراد واقعا لیبرال انجام دهند، چه بهتر که بدست "لیبرالهای مورد اعتماد" او انجام گیرد. و سه همین علت است که به این جریان سازشکارانه اجازه رشد میدهد تا کل جنبش

۱۰۰

را ببلعند و از درون بیوسانند و بعد اکار آمدن با يك عده سازشكار تسليم طلب بسيار آسان است . با اين وجود روشنفكران ليبرال و رفرميستها بطور عيني در درون اپوزيسيون ضد رژيم قرار دارند و جزئي از جنبش بحساب ميآيند . بايد با آنها وحدت كرد اما اين كار بايد بعد از كسيده شدن يك خط فاصل روشن و دقيق صورت گيرد تا آنها نتوانند اين سان برخلاف اصول وحدت تزه‌هاي سازشكارانه خود را قالب كنند و تبليغ نمايند . آيا مي توان اين قدر ساده دلانه به اسم وحدت آنها قربانياني را كه بخطر مبارزه با سازشكاري شهيد شده‌اند فراموش كرد و خط انقلابي را با خط سازشكاري مضمون نمود ؟

۵- امروزه ديگر سالهاي ۴۲-۳۳۹ نيست ، امروزه ديگر خلق داري سازمان- نهاي انقلابي مخفي صاف و پيگير است . اگر در سالهاي ۴۲-۳۳۹ خلق ما با دادن آنها قربانيها (مانند قيام ۵ (خوداد) باز هم نتوانست از شرابيط مساعده در طبقه حاكمه بهره برگيرد، بدان علت بود كه رهبري اين در دست عناصر متزلزل و سازشكار و تسليم طلب قرار داشت . اما امروزه سازمانهاي وجود دارند كه در طي سالهاي سياه پس از قيام ۵ (خوداد ۴۲ رشد كرده و تكامل يافته اند . بي گمان نارسائي ها وجود دارد ، اما آنچه مسلم است آنها خوا- ستار سرنگوني رژيم از طريق يك انقلاب قهر آميز توده‌هاي هستند نه يك "مكرا- نيزه كردن" رژيم از طريق واداشتن آن به عقب نشيني هاي تدريجي . اين سازمانها نيز مانند جناح هاي ديگر از فرصتهايي كه "مكراسي كارتري" پيش آورد بهره گرفته‌اند و در واقع "نيروي حياتي" جنبش صفي- سياسي اخير سه سياهي لشكر آن- هم با آنهاست . اما نبايد اجازه داد كه رفرميستها به اسم "ديديد كه رژيم با اخيره عقب نشيني كرد و كاري را كه آنها با دادن صدها شهيد نتوانستند بكنند، ما در عرض يك شب بختراني كرديم" سازمانها انقلابي را بگويند . زيرا ملين سازمانها نيز به نوبه خود از اين امكانات موقتي استفاده ميكنند ، اما هرگز مانند رفرميستهاي سازشكار اسير اميد هاي دروئين و خطرناك عقب نخواهند شد .

خلقهاي ايران امروزه داري سازمانهاي رزمنده‌اي هستند كه قادر به ايفاي نقش رهبري مي باشند و بيگمان چنانچه اين سازمانها بتوانند به وظايف خود بدرستي عمل كنند . خلق در حول آنها حلقه زده و تاريخ اين بار برخلاف سالهاي ۳۳۹ تا ۴۲ ترانه‌هاي ديگر نتاژ خواهد كرد . اکنون دوران جديدي از

تهاجم خلق در حول و درون جدیدی از عقب‌نشینی ضد خلق فرا رسیده است. بکوشیم تا در عین وحدت همه نیروهای ملی، در حول پیگیرترین و وفادارترین و صادق‌ترین سازمانهای آن گرد آئیم.

آبان ۱۳۵۶

در اطراف سازمانهای رزنده خلق حلقه زنیم.
به تفرقه‌طلبان اجازه ندهیم که در صفوف ما اغتشاش بوجود آورند.
(در اشعه این متن بکوشیم)

*

*

*

